بگذار آمریکا برخود بلرزد

خاک ایران از لوث وجود تجاوزگران صدامی پاک خواهد شد

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۹۷ دورهٔ دوم دوشنبه ۱۳ مهرماه ۱۳۶۰ بها ۲۵ ریال

ضربهٔ کوبنده‌ای که ۵ مهرماه، در شمال آبادان، به مواضع مستحکم ارتش متجاوز صدام وارد آمد، یک پیروزی جدی است. این ضربه، که حاصل آن بیش از هزار کشته و بیش از ۱۵۰۰ اسیر و تعداد زیادی زخمی و متلاشی شدن یک لشکر زبده و تقویت شدهٔ دشمن، تصرف جاده‌های آبادان ـ ماهشهر و آبادان ـ اهواز و منطقهٔ شرق کارون و شکستن محاصره آبادان گردید، حائز اهمیت نظامی و سیاسی و روانی است.

از نظر نظامی می‌توان آن را نقطهٔ عطفی در جنگ تحمیلی دانست، بیانگر

بقیه در صفحه ۱۱

بزرگ وطن فروشان «وطن، وطن» می‌کنند!

مدتی است که قیمت "وطن" در بازار ضد انقلاب فراری ناگهان بالا رفته است. چند صباحی است که همه وطن فروشان حرفه‌ای میهن‌پرست شده‌اند:

در واشنگتن اردشیر زاهدی بیاد "وطن" افتاده، در پاریس بختیار عزای "وطن" را گرفته، در فرانکفورت مدنی دلش بحال "وطن" کباب شده، در لندن اویسی به عزای "وطن" نشسته، در ترکیه آریانا درغم "وطن" بی‌تاب است. رضا نیم پهلوی هم، که قرار است جلد دوم کتاب پدرش تحت عنوان "مأموریت برای وطنم آمریکا" را بنویسد، در آغوش ساداات، در غم "وطن" آه و ناله را سر داده است. و بنی‌صدر در "وطن" عزیزش فرانسه از عشق "وطن" کف به دهان آورده است...

بقیه در صفحه ۴

قاتل من آمریکاست

«پدر، مادر، مردم

بدانید

قاتل من پاسدار نیست

قاتل من حکومت انقلابی نیست

قاتل من میخواهید بدانید کیست؟

قاتل من

رجوی خائن

قاتل من

آمریکاست»!

در صفحه ۲

تاکی در دام امپریالیسم خبری؟

برخورد "یک بام و دوهوایی" با "امپریالیسم خبری" تاکی ادامه خواهد یافت؟ وتاکی، در همان حال که رهبران و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی ایران، "امپریالیسم خبری" را به علت پخش اخبار دروغ، جعل و شایعه‌پراکنی، بدرستی مورد حمله قرار می‌دهند، رسانه‌های گروهی ما، بطور دربست غذای حاضر و آماده "امپریالیسم خبری" را در مورد دوستان انقلاب ایران، جبههٔ جهانی سوسیالیسم و همسایگان انقلابی ما، صرف خواهند کرد؟ آزموده را تاکی باید آزمود؟

ماهیت "امپریالیسم خبری"، این ابزار تبلیغاتی هارترین محافل امپریالیسم جهانی مدت‌هاست که بر مردم مبارز ایران روشن شده است، هنوز مدت زیادی از راهپیمایی شکوهمند مردم ایران، به نشانهٔ اعتراض به دروغ پراکنی‌های "پرس"های گوناگون آمریکایی و اروپایی نمی‌گذرد.

بقیه در صفحه ۱۱

مبارزه در راه ریشه‌کن کردن امپریالیسم در کشور ما مبارزه‌ایست ژرف، همه سویه و طولانی

صفحه ۶

"آسئان" به پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا در خاور دور تبدیل می‌شود

آسئان، یک اتحادیه منطقه‌ای در خاور دور است، که در سال ۱۹۶۷ به وسیله اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین بنیانگذاری شد. هدف از شالوده ریزی آسئان، رشد و گسترش فزاینده همکاری‌های کشورهای عضو، در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، علمی و فنی اعلام گردید؛ ولی، با گذشت سالها، اینک آسئان عملاً به یک بلوک نظامی تبدیل شده است. این روند تحت

بقیه در صفحه ۷

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

● سرنگونی رژیم خون آشام شاه توسط مردم ایران عادلانه‌ترین اقدام بوده است

● دولت کارتر و ریگان بجنگ اعلان نشده علیه ایران پرداخته‌اند، تا انقلاب ایران را خفه کنند

در صفحه ۹

رئیس جمهور سوریه آمریکا را دشمن و اتحاد شوروی را دوست می‌خواند

در صفحه ۹

متحدان بنی صدر ـ مائوئیست‌های آمریکایی ـ (۱)

اوّلین وظیفهٔ «رنجبران» منسی کردن آمریکا بود

اشاره

جبههٔ متحد ضد انقلاب، که برای براندازی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران تمام نیروی خود را به کار گرفته، چند بازو دارد. مائوئیسم این همکار صدیق امپریالیسم، یکی از اصلی‌ترین بازوهای این جبههٔ دوزخی است. درحال حاضر همهٔ جناحهای رنگارنگ مائوئیستی، از "پیکار" گرفته تا "رنجبران"، از "طوفان" گرفته تا "اتحادیهٔ کمونیستها" و... در جبههٔ متحد ضد انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به فعالیت برای براندازی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران مشغولند. این همکاری تنگاتنگ امروز، محصول هم‌آوایی

ـ علیرغم تفاوت شیوه‌ها به خاطر تقسیم کار ـ درهمهٔ "سیاستها"ی گذشته است وریشه در هماهنگی اعضای جبههٔ متحد ضد انقلاب در سطح جهانی دارد. لیبرالیسم، مائوئیسم، ضد انقلاب سازمان یافته و چپ افراطی، که سرانجام از راست ترین مواضع سر درمیآورد، همانطور که خواسته و نخواسته در سطح جهانی بازوان امپریالیسم را تشکیل می‌دهند، در ایران نیز، با تکیه بر پایگاههای داخلی امپریالیسم (بزرگ زمینداران وکلان سرمایه‌داران) هدف

بقیه در صفحه ۳



شرکت وسیع توده‌ها در سومین دور انتخابات ریاست جمهوری:

مردم ایران برای ادامهٔ نبرد با آمریکا، مانند همیشه، آماده‌اند

شرکت کنندگان در انتخابات:

امیدواریم رئیس جمهور جدید همهٔ کوشش خود را صرف بهبود زندگی مستضعفان کند

رأی ما مشت محکم دیگری بردهان دشمنان انقلاب و میهن ماست

در صفحه ۸

عزیزان ارزشمندی را از دست دادیم لیکن هدف به قوت خود باقی است

«امام خمینی»

درهفتهٔ گذشته شهادت سرداران ارتش جمهوری اسلامی ایران تیمسار سرلشکر ولی فلاحی، تیمسار سرتیپ موسی نامجوی، تیمسار سرتیپ جواد فکوری و قائم مقام سپاه پاسداران یوسف کلاهدوز وفرمانده سپاه پاسداران خونین شهر، جهان آراء و دیگر عزیزان در سانحه هوایی، ضایعهٔ بزرگ وتکان دهنده‌ای برای ملت قهرمان ورزمندهٔ ما دراین لحظات حساس نبرد سرنوشت ساز باصدامیان متجاوز و امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم خونخوار آمریکا بود.

اگرچه از دست دادن این سرداران گران‌مایه ضایعهٔ دردناک وتاسف انگیزی است، اما تردیدی نیست که سرداران دیگری از سپاه کران‌ناپذیر توده‌های میلیونی بپاخاستهٔ ما جای آنها را خواهند گرفت. ملت قهرمان ما و رزمندگان پاکباز آن هرگز در برابر توطئه‌های رنگارنگ ضد انقلاب داخلی وخارجی به هدایت آمریکای جنایتکار با همه ابعاد هولناک آن سرخم نخواهند کرد واز دستاوردهای سترگ انقلاب اسلامی، مردمی وضد امپریالیستی و آزادی و استقلال سرزمین عزیز ما تا پای جان دفاع خواهند کرد.

ما با احساس اندوه عمیق از این ضایعه تاسف انگیز، شهادت این سرداران ارزشمند و یاوران جانباز و تلاشگر انقلاب را به رهبر فرزانهٔ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به خانواده‌ها وبازماندگان همه شهدای این سانحه ومردم قهرمان وزحمتکش ایران صمیمانه تبریک وتسلیت می‌گوئیم.

به‌یادسربازشهیدکامران واحدی

شعلهٔ "الله اکبر"

برفراز بلندیهای "الله اکبر"
اینک
شعله‌ای که هرگز خاموش نمی‌شود .

شهیدم بر قله سرودمی‌خواند
قامتش را
درسرخی‌شامگاهان ببینید :
مشعل بر کف
نگران مرزهای وطن
بی‌خواب جاودانه
پاسدار همیشه !

برفراز "الله اکبر" و بردامنه‌ها
گل نکارید
چه نیازی به عبور بهار
از این لاله‌زار
که جوانان
خون‌چکان و خندان
دیرگاهیست
از این گردنه‌ها گذشته‌اند .

سنگرنسازید
که‌گلوله
از این اندام‌های بالان
دیوارهای ستبر ایمان
گذر نخواهد کرد .

دهان توپها را ببندید
مسلسل‌ها را خاموش کنید
و گوش کنید
پسران ما می‌خوانند
پسر من است که می‌خواند

بخوان پسرم
بخوان پدرجان
من هم در اینجا
دنباله سرودت را می‌گیرم
و واژهٔ انقلاب را در سرودم با هق هق می‌کشم
من هم در اینجا
فانوسی در برابر چراغ تو
روشن می‌کنم
تو با مشعل
من با فانوس
تو بر قله من بر بام
راهـرا
تا صبح تا نیمروز
روشن می‌داریم

نگاه کن پسرم
از همه طرف مشعل‌ها و فانوس‌ها
یک یک از بلندیها
برمی‌آیند .
و صداها در هم می‌افتند
و دیر یا زود
تاریکی و سکوت
از خانه می‌گریزد .

پسرم ، پسرم
نه می‌خوابم
نه می‌گریم
که چشمم گور و گهوارهٔ تو است
می‌پرورمت
زنده می‌دارمت
که نقش تو از گلیم رنج برآمد
و بر سنگستان غربت
حک شـد
بخوان پسرم
که تا شعله‌ای بر فراز "الله اکبر"می‌تابد
و تا سرود
از دهانهای بخون شسته می‌تراود
می‌دانم که تو
هستی
می‌دانم آنها هستند
و نیز می‌دانم که پدر تو نیز هست !

۴ مهر ۱۳۶۰

سیاوش کسرائی

درهفته‌ای که گذشت

بند"ج"را اجرا کنید

نمایندگان "جهادسازندگی " از سراسرایران ، که‌درسمینارچهار روزه‌ای شرکت کرده بودند ، در این سمینار خواستارشدند :

"ماازمجلس شورای اسلامی و شورای‌نگهبان وکابینهٔ ۱۷ شهریور خواستاراجرای‌بند "ج "اصلاحات ارضی به‌منظورتعیین تکلیف مالکیت‌های‌نا — مشروع‌زمین‌وآب وخلع ید از مترفین‌در زمینه‌بازرگانی خارجی‌می باشیم ". (کیهان —۴مهر ۱۳۶۰)

این درخواست ازجانب‌گروهی از زحمتکش ترین‌وصادق‌ترین نیروهای انقلاب درشرایطی مطرح‌می شودکه‌بنظر می‌رسدهمه‌شرایط برای‌تصویب واجرای بند "ج " ، کموزیرکشاورزی‌درشهریور ماه اعلام‌کرده‌بود ، تاده‌روز دیگردرمجلس مطرح‌می شود ، آماده‌است . اکنون درخواست همه‌انقلابیون‌ایران‌این‌است : بند "ج " راتصویب واجراکنید!

"خطرشوروی"!

امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی آمریکا ، که‌دست‌نشاندگان خود را در منطقه برای‌زدن‌ضربه‌نهایی به‌انقلاب‌های منطقه ، ودرقلب‌آن‌انقلاب‌ایران ، مسلح‌می کند ، این‌توطئه را مانندهمیشه زیرپوشش "خطرشوروی "انجام‌می دهد . آمریکاحتی‌بجای‌دست‌نشاندگان خود تصمیم‌می گیردو "خطراصلی " را برای آنها "شوروی "معرفی‌می‌کند . از جمله ریچاردآلن ، مشاور امنیت ملی‌ریگان ، گفته‌است :

"رهبران‌عربستان‌برغم بیانیه‌های‌علنی‌خود ، که طی آن اسرائیل‌را تهدیدواقعی‌می دانند ، درک‌می کنند که شوروی‌تهدیدواقعی برای‌آنهاست . . . بیانات‌علنی‌رهبران‌عربستان هر چه باشد ، مافکرمی‌کنیم رهبران عربستان نیک‌می دانندکه‌تهدیداصلی برای‌امنیت آنها ازجانب شوروی است " . (صبح آزادگان ، ۴مهر ۱۳۶۰)

این سخنان نه تنها وقاحت امپریالیسم آمریکارانشان‌می دهد ، بلکه بیانگراین واقعیت است که چگونه امپریالیست‌هامی‌کوشنداسرائیل را در منطقه‌ازز‌یرضربه‌خارج‌وشوروی‌را‌جانشین آن‌کنند .

گامی‌برای مبارزه‌با"امپریالیسم‌خبری"

سرپرست‌خبرگزاری‌پارس ، که‌برای گسترش‌روابط خبری‌ایران‌باخبرگزاری‌های‌سوریه ، لیبی‌والجزایربه‌این‌کشورها سفرکرده‌است . درمضاحبه‌ای‌گفت :

"طرح‌اصلی‌ما اینست که برای مقابله‌باامپریالیسم‌خبری ، سازمان‌های خبری‌کشورهای‌دوست بایدبا هم متحد شوندودرمقابل‌شبکه پیچیده‌امپریالیسم خبری‌خودشان‌یک‌شبکه‌خبری‌قوی‌بوجود آورند . . . هرگاه‌بااین‌کشورهاارتباط مستقیم داشته‌باشیم ، می‌توانیم به‌طور مستقیم‌وبدون‌واسطه‌خبرگزاری های امپریالیستی درجریان‌اخبار‌یکدیگرقرار بگیریم " . (جمهوری‌اسلامی— ۶ مهر ۱۳۶۰)

بایدگفت این‌ازاولین گام‌های ایران‌برای‌مبارزه‌با "امپریالیسم خبری" است . گسترش این بینش می‌تواند رسانه‌های گروهی ایران را از دام "امپریالیسم‌خبری" برهاند .

آشی‌که‌شورشد...

ظاهراً آش در "ایالات متحدهٔ آمریکا " ، این "مهد آزادی و دمکراسی! " جهان‌آنقدرشور شده ، که آشپزهم فهمیده‌است! هفت‌تیرکش کاخ سفید ، رونالدریگان ، درسخنرانی‌هفتهٔ گذشته‌خود درنیواورلئان ، گسترش جنایت‌واعتیاد رابرای جامعهٔ آمریکا "فضاحت‌بار"خواند . اوگفت‌جنایت‌که‌به صورت یک "بیماری مسری " درآمریکا درآمده ، سالانه ۲۳هزارقربانی‌میگیرد وهرساله‌به‌یک‌سوم خانواده‌های‌آمریکا صدمه‌می‌رساند . ریگان‌اعتراف‌کردکه‌در آمریکا درهر ۳۰ دقیقه‌یک‌نفرکشته‌می شود و۹زن‌موردتجاوز قرارمی‌گیرند . در همین‌مدت ۶۷موردد زدی‌اتفاق‌می‌افتد ، ۹۷نفرموردحمله‌قرارمی‌گیرندو ۳۹۹موردسرقت‌مسلحانه‌انجام‌می شود .

ریگان‌علت‌این‌جنایات‌را گسترش اعتیاد بین‌جوانان ۱۸تا ۲۱ ساله "ذکر کرد . البته نماینده‌انحصارات‌صنعتی‌— نظامی ، آمریکا مثل‌همیشه‌کوشیدکه‌یک معلول‌دیگرجامعه‌سرمایه‌داری فاسد آمریکا ، یعنی اعتیاد رابعنوان علت جنایات ، دزدی‌ها ، تجاوزهاوسرقت‌ها ، که آمریکارکورددار آن در جهان است ، جابزند . امااین‌واقعیت‌برهمگان روشن‌است‌که‌رسیدن‌آمریکا به رکورد جهانی "فضاحت "ناشی‌ازسلطه‌سیستم سرمایه‌داری‌براین‌کشوراست‌وحل آن هم درگرونابودی‌سرمایه‌داری‌است و بس .

آمریکادست‌بردارنیست

آمریکاازایران‌دست بردارنیست. آمریکاتاوقتی‌پوزه‌اش به‌خاک‌مالیده نشده ، بویژه ، تاوقتی‌درایران‌ریشه و پایگاه‌دارد ، ایران راطلب می‌کند ، ایران رامی‌خواهد . وآمریکابرای دست‌یابی مجدد به‌ایران‌ازهیچ‌توطئه ای رویگردان نیست . براساس اطلاع دادستان‌کل‌انقلاب ، هفته‌گذشته یک شبکه‌دیگر ، که‌برای‌براندازی‌انقلاب تشکیل شده‌بود ، کشف‌شده‌است . آقای موسوی‌تبریزی ، دادستان‌کل‌انقلاب ، درمصاحبه‌باروزنامه‌اطلاعات‌فاش‌کرد :

"یک شبکه براندازی نظام جمهوری‌اسلامی‌ایران کشف شد ، که‌در راس‌آن آمریکای‌جهانخوار ، مصروچند کشورعربی‌بود ، وبه‌اصطلاح‌قصدکودتا درایران راداشتند . ایادی‌داخلی این شبکه‌که‌عده‌ای‌نظامی‌پاکسازی‌شده و بازنشسته‌وتعدادی‌غیرنظامی بودند ، به اتفاق‌رهبران‌شان‌قبل‌ازانجام‌هرگونه عملیاتی‌شناسایی‌ودستگیرشدند " . (اطلاعات — ۶مهر ۱۳۶۰)

کشف‌این‌توطئه باردیگرنشان دادکه ، همانطورکه‌دادستان‌کل‌انقلاب درمصاحبه‌رادیویی ۷مهر ۱۳۶۰گفت :

"آمریکاازایران‌دست‌برنمی‌دارد توطئهٔ آمریکاهمیشه‌خواهدبود ، مگرآنکه انقلاب‌به‌آنجابرسدکه‌استعمارجهانی‌را نابودکندوتانابودنکرده ، بااین‌توطئه‌ها همیشه‌مبارزه‌خواهدکرد " .

قاتل من آمریکاست!

بقیه‌ازصفحه۱

مردم‌ایران ، نیمه‌شب‌دوشنبه ۶ مهر ۶۰ ، این‌سخنان‌تکان‌دهنده را از زبان‌احمدجانفشان‌وظیفه ۲۲ ساله ، دانشجو واز اعضای فعال "مجاهدین" شنیدند ، که دریک‌قدمی جوخه آتش ایستاده‌بود .

احمد ، بالبانی‌تب‌دار ، با چشمانی که‌از اشک می‌سوخت ، با صدائی که در آرزوی زیستن‌می‌سوخت امابه‌دهان بازمرگ می‌رفت ، باهق هق گریه‌ای که‌درآخرین دم حیات‌فرومی‌خوردش ، اما هنوز آنقدر نیرو داشت که‌هرکسی رابلرزاند ، در همان حال که جوخه اعدام گلنگدن می‌زد ، چند بار فریادزد :

"مجاهدین!
بخودآئید ، بخودآئید !
فراموش‌نکنید
قاتل‌من‌آمریکاست
قاتل‌من‌رجوی‌خائن
قاتل‌من‌آمریکاست "!

این‌فریاد دردناک ، که‌قلب‌های بسیاری رالرزاند واز چشمان مردم شریف گریه را سرازیرکرد ، این صدای آخرین‌لحظات حیات جان‌شریفی ، که از واپسین‌دم‌هایش نیرومی‌گرفت ، تا خون‌خود را وثیقهٔ نجات‌دیگران‌کند ، برگی دیگر از فصل‌خونینی بود که امپریالیسم‌آمریکا به‌دست‌رهبری‌خائن "مجاهدین "بروی‌انقلاب‌ایران‌گشوده است .

احمدجانفشان‌وظیفه ، که حضور نزدیک وقطعی مرگ ناچار به‌سخنانش رنگ‌تندواقعیت می‌زد ، درسخنان‌خود گفت‌که چگونه در "سازمان‌مجاهدین" فکرکردن ، ولو برای نیمساعت ممنوع بوده‌است . گفت که‌حتی خواندن‌تیتر روزنامه‌هاممنوع بوده‌است . گفت‌که به آنهاتوصیه‌شده‌بود رادیوهای‌بیگانه را گوش بدهند . گفت که‌چگونه به شوق مبارزه با امپریالیسم آمریکا به سازمان پیوست ، اماهنگامی‌چشمان‌خودراگشود که‌به‌سود آمریکامی‌رزمید . گفت‌که‌ضدانقلابی‌نبود ، اما در یک‌جریان ضدانقلابی قرارداشت . گفت‌که برای‌دفاع ازمحرومین وزحمتکشان به سازمان پیوسته‌بود ، اماناگهان خود رادر کنار سرمایه‌داران وسلطنت‌طلبان باز یافت گفت‌که‌چگونه به‌آنها دستور دادند ، تا از "بنی‌صدر"حمایت‌بی‌چون‌وچراکنند ، هرچندکه‌می دانستند ، اولیبرال‌است . گفت‌که‌چگونه دستور داشتند هرکس را که‌مدافع‌انقلاب بود ، در هرحال ودر هرشکل ، به‌قتل برسانند . گفت که شهیدمهدی‌رضائی‌چگونه هنگامی که دریافت ، بمبی را که‌کارگذاشته ، سبب قتل‌عابران‌میشود ، برای‌خنثی کردن آن‌شتافت و در همان‌حال دستگیرشد وگفت که‌خائنین به‌خون‌رضائی‌ها از کشتن‌کودکان هم‌ابا ندارند .

احمدجانفشان‌وظیفه ، در آخرین لحظات‌حیات ، باصدائی که‌ازهجوم‌گریه می‌لرزید ، گفت‌که‌چگونه‌درخانه‌تیمی او را از خواندن پاره‌ای ازیک روز نامه منع کردند . گفت که سیستم مغزشویی "مجاهدین " ، سلب‌قدرت تفکر ازاعضا وکورکورانه‌بردن‌آنها‌به‌مسلخ ، چگونه بوده‌است . وگفت که با چه سرعتی از فروشندهٔ نشریه به یک تروریست‌مبدل شده‌است .

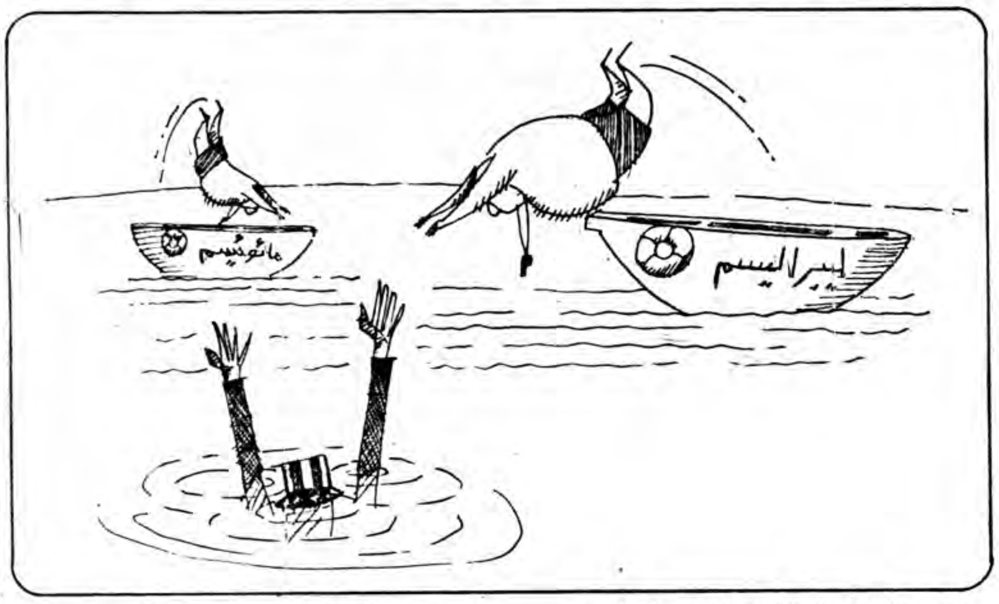
احمدجانفشان وظیفه ، که‌خود خواسته‌بود ، وصیت‌نامه‌اش در لحظات قبل از اعدام ضبط تلویزیونی شود ، وخود یک "سعادتی " دیگر بود ، گفت‌که تاده روز بعدازانتشاروصیت‌نامه "سعادتی "ازآن‌خبرنداشته‌است . گفت‌که‌تنهادرزندان‌فرصت‌اندیشیدن وخواندن‌یافته‌وچه‌زود باواقعیت‌دردناک‌آشناشده‌است .

وهمهٔ این‌سخنان ، که‌از زبان‌یک کادرفعال‌وانقلابی "مجاهدین " بیان شد ، به‌اضافه‌اعترافات "نسرین‌محبی" یکی‌دیگر از هواداران مجاهدین ، که همان‌شب پخش‌شد ، بار دیگر مردم ایران‌رابا واقعیت‌خونین و دردناکی که‌پیشروی‌آنهاست ، مواجه‌کرد .

بقیه در صفحه ۶

متحدان بنی صدر - مائوئیست های آمریکائی - (۱)

اوّلین وظیفه "رنجبران" منسی کردن آمریکا بود (بقیه)



یگانه ای را نشانه گرفته اند: نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

اکنون، با نگاهی به رویدادهای بعد از پیروزی مرحلهٔ اول انقلاب در بهمن ۱۳۵۷، روشن میشود که از ویژگیهای ضد انقلاب در ایران آمیختگی و درهم آمیختگی لیبرالیسم و مائوئیسم است. این درآمیختگی گاه چنان است که تفکیک آن از هم آسان نیست. بنی صدر، که کارنامهٔ خیانت او را در شماره های قبل بررسی کردیم، بهترین نمونهٔ "موجودی" از این دست بود، و "دفتر هماهنگی" او هم بهترین نمونه برای ارگانی از این قبیل به شمار می آمد.

در این دفتر، که یکی از کانونهای ضد انقلاب بود، آش درهم جوشی از مائوئیستها و لیبرالها نظیر احمد سلامتیان، فرید زنجانی، احمد غضنفرپور، سودابهٔ سدیفی، منوچهر مسعودی و ناصر تکمیل همایون و ...، درکنار هم، یک "سیا" ست معین را دنبال می کردند. در این میان نقش مهمی به حزب آمریکا ساخته و پکن پرداختهٔ "رنجبران" سپرده شده بود. این حزب، که بنا بر تقسیم کار میان مائوئیستها، وظیفه پوساندن انقلاب را از درون برعهده داشت، در این دفتر و ارگانهای دیگری که در آنها رخنه کرده بود، وظایف معینی را، که از طرف "سیا" و "پکن" به آن سپرده شده بود، از پیش می برد. این "حزب"، که از ابتدا زیر پوشش شعار "نه شرقی، نه غربی" خود را پنهان کرده بود، نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی را، که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کردند و می کنند، به "عوامفریبی" و "ریاکاری" متهم می کرد. این "حزب"، که در ابتدا خود را وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام معرفی می کرد، "در لحظهٔ موعود"، که گمان می برد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آستانهٔ نابودی است، نقاب از چهرهٔ کریه خود برگرفت. "رنجبری"ها، که ابتدا سرسوزنی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تخفیف نمی دادند، به سرعت - در طول دو شماره ارگان خود - تغییر جبهه دادند و آشکارا به جبههٔ براندازی پیوستند. و این البته از پیروزی های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود که توانست یکی از خطرناک ترین و محیل ترین دشمنان خود را رسوا کند. دشمنی که بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، که فعالیت مسلحانهٔ ضد انقلاب برای براندازی انقلاب آغاز شد، خود را از زیر ضربه بیرون کشید و تاکنون، غیر از یکی دو مورد، خبری دربارهٔ دستگیری و مجازات رهبران و کادرهای درجه اول این "حزب"، که نقش عامل مستقیم سیا - پکن را در ایران بازی کرده و می کند، منتشر نشده است.

به این دلیل و، مهمتر از آن، به دلیل افشای یکی دیگر از خطوط ضد انقلابی، اینک ما به شرح "سیا" ست "حزب رنجبران" می پردازیم. ضمن اشاره به اینکه، در آخرین شماره های "کارنامهٔ بنی صدر"، همخوانی "رنجبر" را با او و دیگر کارگزاران جبههٔ متحد ضد انقلاب در مورد مسائل مشخص بررسی کرده ایم.

ما بار دیگر، در اینجا به همهٔ نیروهای انقلابی هشدار می دهیم که، "خط رنجبر" بشکل های مختلف و در پوششهای کاملا ظاهرفریب، هنوز وجود دارد و به توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ادامه می دهد.

حزب رنجبران چگونه بوجود آمد؟

"حزب رنجبران" یکی از محصولات درخت زهرآگین "مائوئیسم" و حاصل ارتداد رهبری خائن پکن در جنبش کارگری - کمونیستی جهان است.

در اوائل دههٔ شصت گروهی از دانشجویان عضو حزب تودهٔ ایران در اروپای غربی، که گرایش مائوئیستی پیدا کرده و صفوف حزب طبقهٔ کارگر ایران را ترک گفته بودند، به اتفاق فریدون کشاورز، که به علت مواضع ضد انقلابی خود از صفوف حزب تودهٔ ایران طرد شده بود، اولین کنفرانس خود را برای تشکیل یک سازمان مائوئیستی بنام "سازمان انقلابی" برپا کردند. به دنبال طرد کامل مائوئیسم در پلنوم ۱۱ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، طرفداران اندیشهٔ مائو، به سرکردگی قاسمی و فروتن، نیز از حزب تودهٔ ایران اخراج شدند و بعد از پیوستن به گروه اول، "کنفرانس دوم" را تشکیل دادند و سرانجام "سازمان انقلابی" بوجود آمد. زیاد طول نکشید که بین "رهبران" اختلاف افتاد و فروتن و قاسمی از "سازمان انقلابی" اخراج شدند و به گروهی که نشریهٔ "توفان" را منتشر می کرد، پیوستند و سازمان مائوئیستی "توفان" را بوجود آوردند.

در این هنگام، عده ای از رهبران و کادرهای "سازمان انقلابی" "ظاهراً برای "آموزشهای انقلابی"، ولی چنانکه بعد معلوم شد، برای گرفتن درس خرابکاری و نفاق افکنی در جنبش انقلابی ایران به چین رفتند. راهگشای این سفرها نیز فریدون کشاورز بود.

عده ای از رهبران و کادرهای "سازمان انقلابی" "برای "تماس گیری" با "مبارزان داخلی" و ایجاد "گروههای پارتیزانی" و "آغاز "مبارزهٔ مسلحانه" و "محاصرهٔ شهرها از طریق دهات" به ایران آمدند. اما زیاد طول نکشید که سروکلهٔ همهٔ آنها در تلویزیون شاه خائن پیدا شد، که به مدح و ثنای رژیم منفور پهلوی می پرداختند، (لاشائی، نیکخواه، پارسانژاد). آنها بعد از طی این مرحله، که اولین آزمایش رژیم شاه برای تبلیغ این امر بود که، "انقلابیون "اشتباه می کنند و تنها راه نجات ایران پیروی از "سیاست مستقل و ملی"! شاهنشاهی آریامهر است، به کارگزاران رژیم مبدل شدند. نیکخواه به "تئوریسین" رژیم شاه مبدل شد و بعد از پیروزی انقلاب به سزای خود رسید. لاشائی نیز مسئولیت یکی از دستگاههای جاسوسی شاه را به عهده گرفت و با پیروزی انقلاب به کردستان گریخت و به "کومله" پیوست.

"سازمان انقلابی" بعد از این موفقیت در خدمت به رژیم شاه، مامور اجرای نقش دیگری شد. سیروس نهاوندی، که از رهبران این "سازمان" و چنانکه بعداً معلوم شد، از جاسوسان طراز اول ساواک بود، ظاهراً مخفیانه به ایران آمد و سازمانی بنام "سازمان آزادیبخش خلق های ایران" بوجود آورد.

بعد از پیروزی انقلاب، تهرانی، جلاد ساواک، در دادگاه انقلاب فاش کرد که این سازمان در واقع توسط ساواک ایجاد شد و رئیس آن هم بهمن نادری پور تهرانی - از کارکشته ترین جلادان رژیم و "متخصص مبارزه با کمونیستها" بود. ساواک، که برای قهرمان نشان دادن سیروس نهاوندی، او را طبق نقشه دستگیر کرد و سپس از زندان شهربانی فراری داد و چنین تبلیغ کرد که او با یک عمل قهرمانانه موفق به فرار شده، به "سازمان آزادیبخش خلقهای ایران" "اسلحه و پول می داد. وظیفهٔ این "سازمان"، که شعبهٔ داخلی "سازمان انقلابی" بود، شکار انقلابیون جوان، جذب آنها به داخل سازمان و سپس سپردن شان به ساواک بود. سیروس نهاوندی به این ترتیب موفق شد نزدیک به سی نفر را به جوخهٔ اعدام ساواک بسپرد، همین تعداد را در درگیری خیابانی به قتل برساند و در حدود ۳۰۰ نفر را به زندان و شکنجه گاه بفرستد. سیروس نهاوندی نیز بعد از پیروزی انقلاب به کردستان گریخت و اکنون در آنجا مشغول ادامهٔ "مبارزه" است.

خدمات "سازمان انقلابی" با انتصاب شاپور بختیار به نخست وزیری از طرف ژنرال هویزر آمریکایی، به نمایندگی از جانب آمریکا، برای متوقف کردن انقلاب ایران، ادامه یافت.

وقتی بختیار نخست وزیر شد، به کنگرهٔ سالانهٔ "سیس" (سازمان دانشجویی "حزب رنجبران" در اروپا) پیامی فرستاد و شرکت کنندگان در این کنگره با "شوروشوق" پیام بختیار را پذیرفتند و متن کامل آن را، بعد از قرائت، در صفحهٔ آخر نشریه "۱۶ آذر سیس" به چاپ رساندند. درهمان زمان بود که هوشنگ امیرپور، دبیر مالی "سازمان انقلابی"، به ایران آمد و با اجازهٔ دولت بختیار وارد کشور شد.

"سازمان انقلابی" تا ۸ دی ۱۳۵۸ در ایران بدین نام فعالیت داشت (اولین شمارهٔ ارگان آن در ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ منتشر شد). در ۸ دی ۱۳۵۸ گروهک های:

- کمونرها
- اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقهٔ کارگر
- سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران (پرولتر)
- گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر
- بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر
- بخشی از گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست
- گروه کمونیستی اندیمشک
- محفل مارکسیستی در راه ایجاد حزب کمونیست ایران

که بیشتر آنها قبلا از "سازمان انقلابی" منشعب شده بودند، "کنگره" ای تشکیل دادند و "حزب رنجبران" را ایجاد کردند.

"حزب رنجبران" با یک کاسه کردن دستگاه های جاسوسی سیا - پکن در ایران، فعالیت خود را گسترش داد و "رنجبر"، ارگان آن، بجای هفته ای یک شماره، سه شماره در هفته منتشر شد.

"سیا" ست "رنجبران" همچنان عوامفریبی و پنهان شدن زیر نقاب دروغین دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود. این "سیا" ست، که با دقت و هشیاری یک دستگاه کهنه کار جاسوسی دنبال می شد، متاسفانه در مرحلهٔ اول توانست برخی از نیروهای انقلابی مسلمان را بفریبد. در تابستان ۱۳۵۸، که برای اولین بار روزنامه ها و نشریات گروهکهای ضد انقلابی و همچنین برخی از نیروهای طرفدار انقلاب با هم توقیف شدند، "رنجبر" تنها نشریه ای بود که انتشار می یافت و فروخته می شد. "رنجبر" به این "سیا" ست، که در مرکز آن برجسته کردن "خطر شوروی"، "خطر حزب تودهٔ ایران" و "خطر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)"، برای خارج کردن آمریکا و متحدان مائوئیست و لیبرالش از زیر ضربه قرار داشت، تا قرار گرفتن بنی صدر در راس جبههٔ متحد ضد انقلاب، ادامه داد.

از روز ۲۰ آبان ۱۳۵۹، بعد از ماجرای دستگیری و آزاد شدن قطب زاده، که بعداً معلوم شد، آغاز نقشهٔ آمریکا برای جانشین کردن دولت لیبرالی به جای دولت شهید رجائی بوده است، "رنجبر" با دفاع از قطب زاده در سرمقالهٔ خود، آرام آرام به برداشتن نقاب از چهرهٔ خود پرداخت. "رنجبر" نوشت:

"صادق قطب زاده، در مصاحبهٔ تلویزیونی خود نکاتی را طرح نمود که اگر صادقانه و به دور از هرگونه فرصت طلبی بررسی شود، صحبت هائی است که تاکنون در هرکوی و برزنی شنیده میشود." (شمارهٔ ۱۲۴ - ۲۰ آبان ۱۳۵۹)

"رنجبر"، در همین شماره در مطلب دیگری نوشت:

"بدنبال بازداشت آقای صادق قطب زاده توسط آقای لاجوردی دادستان تهران و رئیس دادگاه انقلاب، موج وسیلی از اعتراض مردم و شخصیت های سیاسی و مذهبی و نمایندگان مجلس و عده کثیری از بازاریان تهران علیه این اقدام به پاخاسته است. اعتراض کنندگان ضمن تقاضای آزادی هرچه زودتر آقای قطب زاده این اقدام را غیرقانونی نامیده و آن را بعنوان نمونه بارزی از فشار و اختناق که فقط به نفع دشمنان انقلاب می باشد، محکوم کرده اند".

این دفاع از قطب زاده، که هماهنگی کامل با موضع "میزان"، "انقلاب اسلامی"، "بنی صدر" و "مجاهد" داشت، آغاز دریدن نقاب از چهره "رنجبران" بود.

خواننده ارجمند را بار دیگر توجه می دهیم که این "سیا" ست جدید "حزب رنجبران" همزمان با آغاز نقشه ای بود که از ۲۰ آبان ۱۳۵۹ آغاز شد و در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به شکست انجامید. هدف این نقشه سرنگونی دولت انقلاب و جایگزین کردن جبههٔ متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر بجای آن بود.

"رنجبر" "سیا" ست حمله به جناح مترقی

بقیه در صفحه ۱۰

قرارداد راه ترانزیتی شوروی، خطرات زیادی را برای استقلال ایران در بردارد

این قرارداد همچنین صلح منطقه را به خطر انداخته و می تواند علیه مجاهدین افغانی بکار گرفته شود

قرارداد ترانزیت میان ایران و روسیه از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، بدون آنکه مردم و حتی اکثریت نمایندگان مجلس از جزئیات و عواقب احتمالی آن اطلاع کافی داشته باشند. [illegible]

(رنجبر - شماره ۱۳۵ - ۲۰ آذر ۱۳۵۹)

بزرگ وطن فروشان...

بقیه از صفحه ۱

آری، بازار مکاره "وطن" حسابی براه است! آقایان "وطن دوستان" ظاهرا باهم مسابقه هم گذاشته‌اند. از قرار فکر کرده‌اند که "کار تمام است" و از هم پیشی می‌گیرند که "وطن" را به دست بیاورند و آن را در سینی طلا دوباره تقدیم عمو سام کنند! و به همین دلیل است که نه فقط شرم، عقل هم نمی‌کنند که به دور و برشان نگاه کنند و ببینند که با پول بیگانه، از رادیوی بیگانه و برای بیگانه دارند "وطن"، "وطن" می‌کنند. بیگانه‌ای که اسارتگر و غارتگر وطن ما بوده است و می‌خواهد دوباره اسارتگر و غارتگر وطن ما شود.

راستی چگونه است که این بی وطنان، وطن دوست شده‌اند و این خائنان به ملت، ملت گرا؟ وطن دوستی و ملت‌گرایی اینان از کدامین نوع است؟

مگر نه این است که رضاخان جلاد را انگلیس‌ها آوردند، محمد رضای ملعون را آمریکایی‌ها دوباره بر تخت نشاندند و رضا نیم‌پهلوی را هم آمریکائی‌ها پروراندند و اینک بر زانوی سادات آمریکایی نشسته است؟ آیا جز این است که این تاجداران، تا بودند، دمار از روزگار این ملت درآوردند، و ثروت‌های این میهن را به باد دادند و در نوکری بیگانه اسارتگر و غارتگر، آنچه را که فراموش کردند، ملت و میهن بود؟

اردشیر زاهدی کودتاچی، همه‌کاره اداره اصل چهار آمریکا، جاسوس "سیا"، دست‌نشانده دونس‌ها و کیسینجرها و در نهایت غلام حلقه به گوش بزرگ سرمایه‌داران آمریکایی، از کدام میهن و ملت دم می‌زند؟ همان میهنی که به باد شرمی داد، همان ملتی که به دار شرمی آویخت؟

علی امینی، این عامل سرسپرده آمریکا، چه می‌گوید؟ قرارداد خائنانه با کنسرسیوم بین‌المللی نفت را که بست؟ این خائن حیله‌گر، که حتی در آخرین لحظات زندگی ننگین شاه آمریکائی جان نثار وی بود و بقصد حفظ حکومت شاه در اواخر دوران سیاه وی وارد میدان شد، او هم شرم نمیکند و دم از میهن و ملت میزند؟

و اما اویسی. جلاد اویسی را کسی نیست که نشناسد. از او هیچ که نگوئیم، همین بس که یک "جمعه خونین" به ملت ما بدهکار است. خون هزاران شهید ۱۷ شهریور به پای اوست. کشتار روزهای انقلاب مُهر وی را بر پای خود دارد. و یکایک شهیدان انقلاب گواه جنایت‌های این خائن به ملت و میهن است. هنوز اعلامیه‌های وی در روزهای حکومت نظامی تهران جلو چشمان ماست. اعلامیه‌هایی که بوی خون می‌داد.

راستی، میدان شهدایی‌ها، اویسی را فراموش می‌کنند؟! آریانا، این فاشیست بیوطن را چطور؟

و اما "شاه" پوربختیار، عضو رهبری جبهه ملی ایران! "رهبر حزب ایران!" ملی گرای دوآتشه! "نم کرده امپریالیسم و نخست وزیر شاه، کسی که بعلت خیانت خود و همکارانش در جبهه ملی، "مقاطعه ساختمان عظیم شرکت ملی نفت" را از دربار پهلوی پاداش گرفت، کسی که با تأسیس شرکت ساختمانی هامون به "ثروت قابل توجهی رسید". (ص ۳۹ ــ از کتاب "احزاب بورژوازی ملی ایران در مقابله با جنبش کارگری و انقلابی ایران" ــ نوشته رسول مهربان).

کسی که به خارج فرار کرد، تا به خرج آمریکا و زیر فرمان آمریکا "میهن" را دوباره به چنگ آرد او دیگر چه میگوید؟

آری این رسم تمام شاهان و نوکران آن ها بوده است که با لشکر بیگانه اسارتگر و غارتگر به خاک میهن هجوم آورند و مردم خویش را بکشند تا به تخت و جاه رسند.

و این داستان دنباله دارد: بنی صدر دارد رجوی دارد، مدنی دارد، و...

ولی اینان واقعا با اتکاء به کدام سابقه فداکاری در راه میهن و ملت، دم از ملت گرائی و میهن دوستی می‌زنند؟

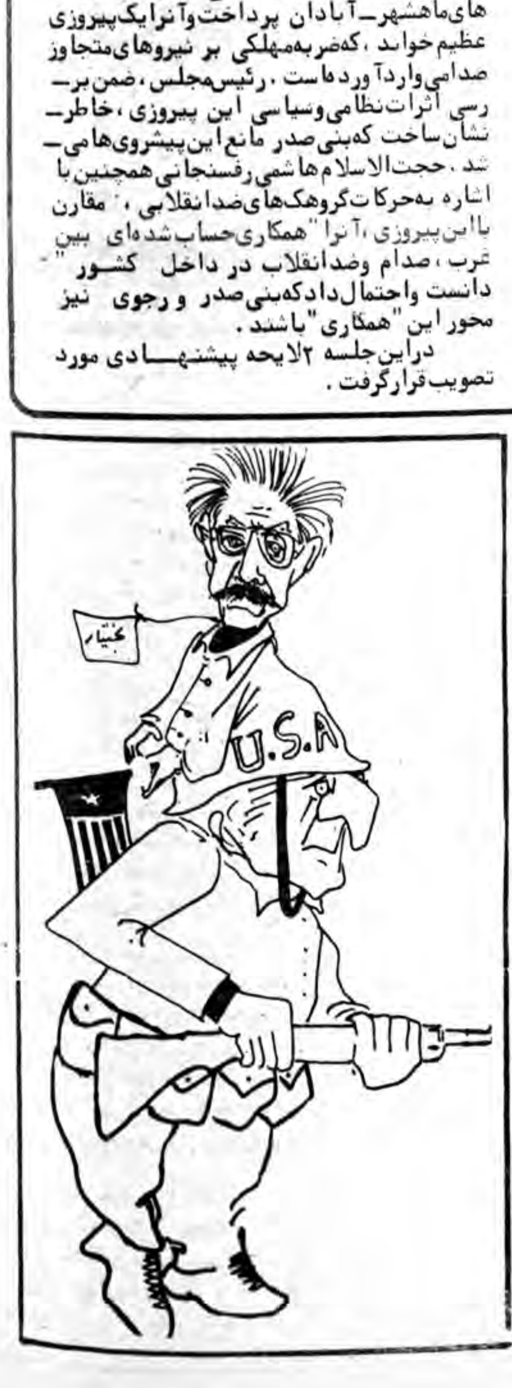
اگر "شاه" پوربختیار وطن‌پرست است، پس آن پاسدار گمنامی که در زمین‌های مین‌گذاری شده می‌دود، تا به قیمت تکه‌تکه شدن خویش، راه را برای یارانش و در هم کوفتن متجاوزین آمریکائی ــ صدامی به خاک میهن باز کند، کیست؟ اویسی، که به خرج صدام آمریکایی برای حمله به خاک میهن مزدور تربیت می‌کند و شاهد ویران شدن سرزمین میهن و شهید شدن فرزندان میهن می‌شود و پایکوبی می‌کند، دوستدار ملت است، یا آن کودک خردسال، که به خویش، به تن عزیزش نارنجک میبندد و خود را به تانک دشمن می‌زند، تا به بهای دیگر نبودنش، دشمن را از خاک براند؟

،مشعل میهن پرستی و ملت دوستی ایرانیان فداکار، از آن زمان که تاریخ بیاد دارد، از دستی به دست دیگر منتقل شده است. شهدای راه میهن و ملت در طول تاریخ ایران، اینک در قامت شهدای جنگ تحمیلی آمریکائی ــ صدامی شکوفه می‌کنند، و عشق به میهن در رگ و پی آن سرباز گمنامی که میمیرد، تا دشمن را زنده نگذارد، خورشید را به هماوردی می‌خواند.

آری، میهن دوستی زحمتکشان را با ملت‌گرائی سرمایه‌دارها و نوکران آمریکا زمین تا آسمان تفاوت است. آن یکی جان می‌دهد، تا میهن سرفراز بماند، این یکی میهن خویش را می‌دهد، تا چند صباحی تن حقیرش را زنده نگاهدارد و در مرغزار دنیا بچرد. راستی هم که اویسی‌ها، مدنی‌ها، آریاناها، بختیارها و نیم پهلوی‌ها... این "وطن"! را چنان دوست دارند که زندگی خویش را فدایش می‌کنند. این "وطن"! که کاخ‌های سر به فلک کشیده، میلیاردها دلار غارت از دسترنج زحمتکشان و عیش و عشرت بی پایان نام دارد، وطن واقعی این جلادان است. این "وطن"! که همه ثروت و ذخائرش، همهٔ هست و نیستش از آن "آقایان" باشد، وطن آنانست. این "وطن"! که مردمانش سالیان دراز رنگ پزشک و دارو نبینند و در عوض نیم پهلوی سگش را با هواپیمای اختصاصی برای معالجه به اروپا بفرستد، وطن این جباران است. آن جا که دست آقایان برای کشتار، غارت و شکنجهٔ زحمتکشان باز باشد و بتوانند انواع و اقسام وسایل شکنجه از آمریکا، فرانسه، آلمان غربی، و انگلیس وارد کنند... "وطن" اینهاست. و سرانجام آن سرزمینی "وطن" آقایان است که مایالتی از "آمریکای عزیز و مهربان!" باشد و بتوانند ثروت آن را با سرمایه‌داران جهانی برادرانه تقسیم کنند و هروقت هم لازم شد، این "وطن!" را ــ به شکل پول و طلا دربیاورند، و مثل "میهن پرست بزرگ شاهنشاه آریامهر" (!) آن را بار هواپیما کنند و فرار را بر قرار ترجیح دهند.

و چون انقلاب شکوهمند مردم ایران دیگر اجازه نمیدهد که آقایان وطن را بفروشند و ملت را غارت کنند، و چون دیگر اجازه نمیدهد که آقایان وطن دوستان را بکشند و بر ملت دوستان حکومت کنند، و چون وطن پرستان و ملت دوستان "وطن"! آقایان را از چنگال خونین آنها بدر آورده‌اند و وطن خود را از وجود کثیف آنها پاک کرده‌اند، به عربده کشی افتاده‌اند، کف به دهان آورده‌اند و "وطن، وطن" میکنند.

ولی بهتر است آقایان بدانند که مردم قهرمان و انقلابی ایران، که برای نخستین بار صاحب واقعی وطن خود شده‌اند، همانطور که آنرا با خون خود بدست آورده‌اند، با خون خود هم آنرا حفظ خواهند کرد. و شما بختیارها، اویسی‌ها، آریاناها، مدنی‌ها، امینی‌ها، رضا نیم پهلوی‌ها، بنی صدرها، رجوی‌ها... باز هم "وطن، وطن" کنید، تا داستان بی‌وطنی و وطن فروشی‌تان فراموش نشود.



در جلسهٔ مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته خواسته شد:

اجراءِ بند "ج" باید در رأس برنامه‌های دولت و مجلس قرار گیرد

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته دو جلسه علنی داشت. در اولین جلسه اجرای هر چه سریع‌تر بند "ج" و حضور در صحنهٔ بین‌المللی برای مقابله با تبلیغات امپریالیسم، خواسته شد.

مجلس در این هفته همچنین ضمن ستایش از پیروزی‌های اخیر رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های جنوب کشور ما، ترورها و بمب‌گذاری‌های گروهک‌های ضد انقلابی را در خدمت آمریکا خواند.

هر رأی گلوله ایست بر قلب شیطان بزرگ

اولین جلسه هفته گذشته مجلس روز یکشنبه ۵ مهرماه ۶۰ تشکیل شد.

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، بیات، نماینده مردم زنجان، بود. ناطق در آغاز سخنان خود پیشنهادهائی به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر کوشش در جهت اعزام هیئت‌هائی مختلف به کشورهای جهان، رسیدگی به وضع سفارتخانه‌ها و نیز حضور در صحنه بین‌المللی، به منظور مقابله با "تبلیغات امپریالیسم غرب" ارائه کرد.

ناطق، در ارتباط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، خاطرنشان ساخت که بعد از انقلاب نه تنها در سیاست خارجی کاری نشد، بلکه خیانت هم شد.

بیات آنگاه از شورای عالی قضائی خواست که:

"با تهیه لوایح حیاتی انقلاب در قطع ایادی امریکا کماکان قاطعیت را نشان بدهند."

نماینده مردم زنجان در بخش دیگری از سخنان خود از مجلس خواست که در تصویب لوایح مهم، که جنبه زیربنائی دارند، و از جمله لایحهٔ زمین‌های کشاورزی، کوشش به خرج دهند.

ناطق همچنین از رئیس مجلس خواست که وضع ۲ تن از نمایندگان، احمد سلامتیان و احمد غضنفرپور، را روشن کند.

دومین ناطق پیش از دستور این جلسه عباس عباسی نمایندهٔ مردم میناب بود، که در آغاز سخنان خود، با اشاره به سومین دور انتخابات ریاست جمهوری گفت:

"هر رای، گلوله‌ایست که به قلب دشمن و بخصوص شیطان بزرگ مینشیند."

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود، به مواضع "نهضت آزادی" در قبال ترورها و بمب‌گذاری‌های عوامل ضد انقلاب پرداخت، و ضمن اشاره به اینکه "نهضت آزادی"، "خودش را تحت پوشش اسلامی قرار داده است"، گفت:

"شما چطور دست برژینسکی را میگرفتید، اما این ملت ارزش برژینسکی را نداردکه یکبار دست این ملت را ببوسید، بگوئید ما این سازمان های تخریبی را از اساس محکوم میکنیم."

با پایان سخنان ناطقین پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد. در این جا ایرادات شورای نگهبان قانون اساسی به برخی از مواد لایحه پاکسازی و بازسازی مطرح شد و پس از بررسی آنها، این مواد با تغییراتی از تصویب نمایندگان گذشت. در این جلسه همچنین دو لایحهٔ پیشنهادی دیگر مورد تصویب قرار گرفت.

لزوم اصلاحات ارضی واقعی

دومین جلسه علنی مجلس روز دوشنبهٔ ششم مهرماه تشکیل شد. در این جلسه، پیروزی اخیر نیروهای جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های نبرد مورد ستایش قرار گرفت. همچنین اجرای بند "ج"، به منظور قطع نفوذ عوامل امپریالیسم از روستاهای ایران، خواسته شد.

> مواضع "نهضت آزادی" در قبال ترورها و بمب‌گذاریهای اخیر در مجلس محکوم شد

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه مهدی کروبی، نماینده مردم الیگودرز بود. ناطق طی سخنانی اعمال گروهک‌های ضد انقلابی، چون ترور ایجاد وحشت و تخریب را، اعمالی ضد مردمی و در خدمت آمریکا خواند و یادآور شد که اینگونهٔ اعمال جز خفت و خواری و رانده شدن از سوی جامعه، نصیب دیگری برای عاملین آنها نخواهد داشت.

محمد فرض‌پور، نماینده مردم آستارا، دومین ناطق پیش از دستور این جلسه بود.

ناطق در آغاز سخنان خود یکی از بزرگترین مشکلات کشور را مشکل اقتصادی دانست و در این مورد چنین گفت:

"این مشکل قسمت عمده‌اش از نظام منحله پیشین به ارث رسیده، که به حکم وابستگی های سیاسی ــ اقتصادی به قطب‌های استعماری، نظام انقلابی را که خواهان قطع وابستگی و پی‌ریزی یک اقتصاد نوین ملی است، دچار مانع میکند."

ناطق آنگاه یادآور شد که:

"قسمتی دیگر از این مشکلات ناشی از هرج و مرج بعد از انقلاب و عدم وجود امنیت سیاسی، اقتصادی و قضایی است، که از ویژگی‌های دورهٔ انتقال است."

ناطق آنگاه گفت:

"از آنجایی که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی تحقق نخواهد یافت، لذا بر نیروهای پیشتاز و نهادهای انقلابی ما است که هرچه سریعتر و با راههای اصولی، منطقی و علمی بر اساس معیارهای ایدئولوژیک انقلاب، برای رفع این مشکل اقدام و با شتابی هرچه بیشتر کشور انقلابی را به خودکفایی کشاورزی، صنعتی و نیروی متخصص انسانی رهنمون شوند."

نماینده مردم آستارا در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله کشاورزی و لزوم اجرای اصلاحات ارضی عمیقا انقلابی اشاره کرد و گفت:

"در اغلب کشورهای آسیایی و افریقائی مسئله اصلاحات ارضی در راس برنامه های اصلاحی شان قرار گرفته است. ما نیز باید به دور از هرگونه اعمال فشار و جوسازی به اصلاحات ارضی واقعی دست بزنیم و زمین را از دست عده‌ای بنام فئودال، که در اقلیت محض هستند و در عین حال بیشترین و مرغوب‌ترین اراضی مزروعی و بایر را در اختیار دارند، بگیریم و به دهقانان مستضعفی که همواره بهترین و عمده‌ترین پشتوانه های انقلاب بوده‌اند، بدهیم."

ناطق سپس خاطرنشان ساخت: "باید اجراء بند "ج" و یا هر طرح انقلابی دیگر که بتواند دهقانان بی‌زمین و یا کم‌زمین را صاحب زمین کند، در رئوس برنامه‌های دولت و مجلس قرار گیرد."

نمایندهٔ مردم آستارا، در پایان سخنان خود خواستار توجه بیشتر به جذب نیروی انسانی متخصص، بررسی عوامل عقب‌ماندگی کشور و نیز کوشش برای تولید بیشتر شد و در ارتباط با تولید بیشتر در زمینه کشاورزی، یادآور شد که افزایش تولید کشاورزی موجب استقلال اقتصادی و نهایتا "تلاشی فئودالیسم، این پایگاه امپریالیسم"، خواهد بود.

سومین ناطق پیش از دستور این جلسه آقای محمدهادی برومند، نمایندهٔ بروجرد بود.

در این جا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، طی سخنانی، به بررسی پیروزی اخیر رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های ماهشهر ــ آبادان پرداخت و آنرا یک پیروزی عظیم خواند، که ضربه مهلکی بر نیروهای متجاوز صدامی وارد آورده است. رئیس مجلس، ضمن بررسی اثرات نظامی و سیاسی این پیروزی، خاطرنشان ساخت که بنی صدر مانع این پیشروی‌ها می‌شد. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین با اشاره به حرکات گروهک‌های ضد انقلابی، مقارن با این پیروزی، آنرا "همکاری حساب شده‌ای بین غرب، صدام و ضد انقلاب در داخل کشور" دانست و احتمال داد که بنی صدر و رجوی نیز محور این "همکاری" باشند.

در این جلسه ۲ لایحه پیشنهادی مورد تصویب قرار گرفت.

تفسیر وقایع مهم جهان

احلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد

در هفته‌ای که‌گذشت ، اجلاس نوبتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، کار خود را آغاز کرد . در این اجلاس نمایندگان ۱۵۵ کشور از همهٔ قاره‌های جهان ، که‌نموداری از افزایش کشورهای مستقل در جهان است شرکت دارند .

طی سالهای پس از جنگ جهانی دوم ، هر سال برشمار اعضای سازمان ملل متحد افزوده شده، که این افزایش به‌حساب رهایی شمار هر چه بیشتری از خلقهای کشورهای مستعمره' بیشین از بندهای اسارت امپریالیستی و احراز استقلال ملی از جانب خلقهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین است . این تغییرات چشمگیر کمّی کشورهای عضو سازمان ملل متحد در عین حال نمودار برجسته تحولات کیفی است که در عرصه جهان به نفع نیروهای طرفدار آزادی و استقلال ملی خلقها و نیروهای خواهان صلح و امنیت ، و به‌زیان نیروهای امپریالیستی ، که‌مخالف رهایی و استقلال ملی خلقها و امنیت جهانی هستند ، صورت پذیرفته است .

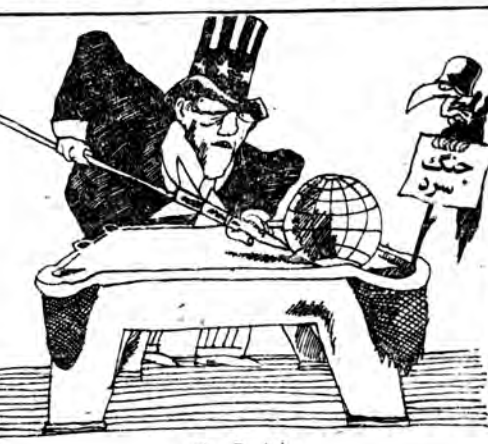
دول امپریالیستی ، ودر راس آنها دولت آمریکا ، همواره تلاش می‌کنند که فعالیت های این سازمان معتبر جهانی را با سیاست سیطره‌جویانه خود دمساز کنند وکوشش های سازنده دول طرفدار استقلال خلقها وهوادار صلح و امنیت جهانی در این سازمان را فلج سازند . دولت آمریکا با سوءاستفاده از قرار گرفتن مقر این سازمان بین المللی در سرزمین آمریکا ، تلاش می‌کند که با اعمال خصومت آمیز خود نسبت به کشورهای نواستقلال ، در امر تامین شرکت نمایندگان آنان در کارارگانهای مختلف این سازمان بین المللی ، از جمله شرکت در اجلاسهای نوبتی مجمع عمومی کارشکنی نماید . آمریکا ، به منظور تحت فشار قراردادن وتحمیل سیاست خود به این کشورها هربار از اهرم "مقررات" برای خودداری از صدور ویزا جهت نمایندگان این کشورها استفاده می‌کند .

تاریخ فعالیت سازمان ملل متحد و شرکت نمایندگان کشورهای نواستقلال تاکنون بارها گواه این سوءاستفاده مغرضانه دولت آمریکا بوده ، که بسیاری از نمایندگان کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در معرض آن قرار گرفته‌اند .

در شرایط کنونی ، که امپریالیسم آمریکا با استفاده از کلیه امکانات وعوامل آشکار و پنهان خود ، چه در خارج و چه درون کشور ما ، در تضعیف وبراندازی انقلاب شکوهمند ما ونظام جمهوری اسلامی ایران می کوشد ، در آستانه تشکیل اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز همین اهرم اشکال‌تراشی را نسبت به‌معاونان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ، که در ترکیب هیئت نمایندگی کشور ما عازم نیویورک بودند ، به کار گرفت و آنان را "عناصر نامطلوب" اعلام نمود .

بدون تردید این اقدام مذبوحانهٔ امپریالیسم آمریکا مانند زنجیره توطئه‌های آن علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران ، در برابر موج توفنده نیروی مردم انقلابی ما با شکست مفتضحانه روبرو خواهد شد و هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران ، با شرکت خود در کار اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد ، ضمن شناساندن دستاوردهای انقلابی مردم ایران ، سیاست تجاوزگرانه و توطئه‌های براندازی، امپریالیسم آمریکا علیه میهن انقلابی ما را در برابر جهانیان رسوا خواهد کرد .

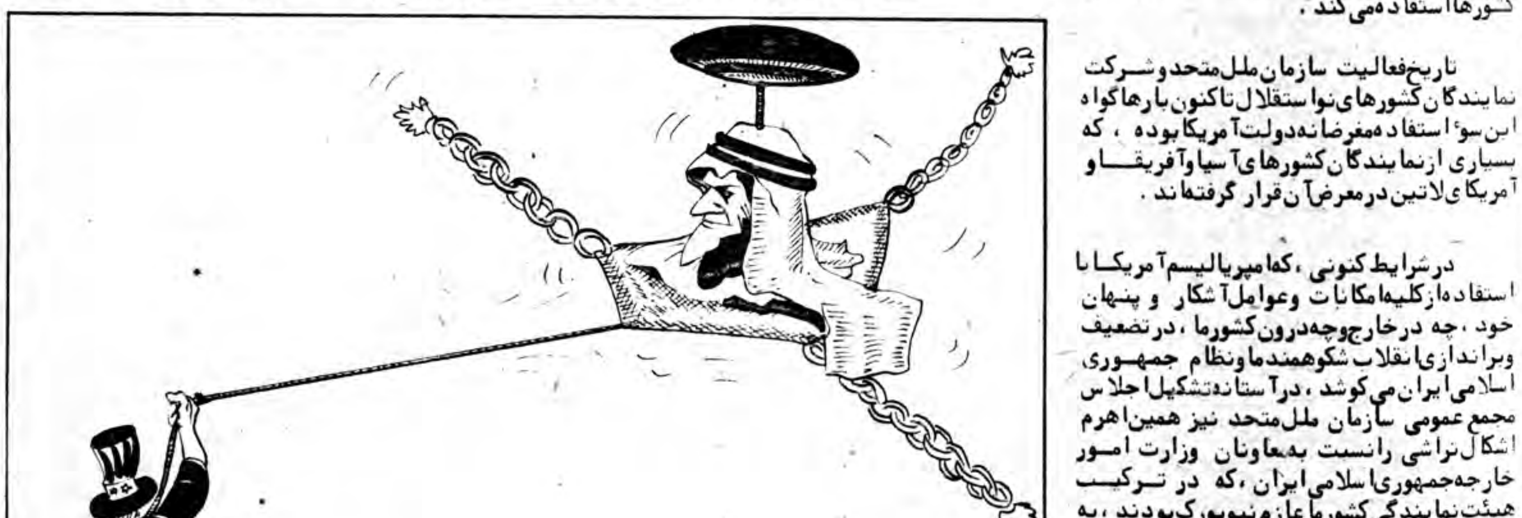
اجلاس نوبتی شورای امنیت سازمان ملل متحد در شرایطی کار خود را آغاز می‌کند که امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ، در تمامی مناطق جهان به‌تدارکات نظامی گسترده‌ای دست زده ، علیه جنبش‌های انقلابی و رهایی بخش اقدام به‌توطئه ومداخله نظامی می‌کند وبا شتاب بخشیدن به‌مسابقه تسلیحاتی ، بویژه سلاح هسته‌ای ونوترونی ، جهان را به‌ورطه جنگ هسته‌ای ویرانگر نزدیک می‌سازد . وطبیعی است که‌در چنین شرایطی مسائل مربوط به جلوگیری از جنگ ، مهارکردن مسابقه تسلیحاتی وافشای سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا ، توطئه‌ها و اقدامات تروریستی آن علیه خلق های جهان ، ازمهمترین مسائلی هستند که مورد بحث وبررسی نمایندگان این مجمع بین المللی قرار می‌گیرند .



بیلیارد آمریکایی

جنایات دولت آمریکا

خبرنگار روزنامه آلمانی "گنرال آنتسایگر" چاپ بن ، از واشنگتن می‌نویسد که : درسال‌های جنگ تجاوزگرانه آمریکا علیه ویتنام ، از جانب ارتش آمریکا ۱۲ میلیون گالن گاز مسموم کننده در سرزمین ویتنام بوسیلهٔ بمب های شیمیایی فروریخته شده است ، که علاوه برکشتار وحشیانه توده‌های مردم ، مساحت پهناوری از کشتزارها وجنگلهای این کشور را نابود کرده است . بمباران‌های شیمیایی آمریکا در ویتنام موجب آن شده است که در حال حاضر بسیاری از نوزادان



ویتنامی علیل وناقص الخلقه متولد می شوند .

درگزارش خبرنگار روزنامهٔ آلمانی آمده است که علاوه براین ، بر اساس ارزیابی کارشناسان آمریکایی ، ۱۲ هزار خلبان وخدمهٔ نیروی هوایی آمریکا و ۶۰ هزارتن از سربازان آمریکایی که در جنگ علیه ویتنام شرکت داشته‌اند ، در نتیجهٔ بکاربردن سلاح شیمیایی وگازهای سمی در ویتنام دچار عوارض گوناگون شده‌اند .

باتوجه به اعترافات ریگان در مورد جنایاتی که در آمریکا هر روز انجام می شود ، که شرح آن جداگانه درهمین شماره آمده است (ر.ک درهفته‌ای که‌گذشت) سیمای واقعی امپریالیسم آمریکا ، که‌سردمدارانش آنرا "مهد آزادی و دمکراسی " جهان غرب می خوانند وخود بی‌آنکه بویی از انسانیت برده باشند ، در مقام دفاع از حقوق بشر برمی‌آیند وجنبشهای رهایی بخش خلقها را " تروریسم بین المللی "می‌نامند ، در برابر جهان عریان می شود .

رژیم سودان در برابر موج اعتراض خلق

بدنبال اعتلای موج اعتراض اقشار مختلف مردم علیه رژیم جنایت پیشه سادات ، که با وجود اقدامات خشونت آمیز وسرکوبگرانه رژیم همچنان ادامه دارد ، در ارکان یک رژیم ضدخلقی دیگر در منطقه ، یعنی سودان وعلیه رژیم دیکتاتوری نظامی جعفر نمیری جنبش توده‌ای اعتراضی اوج گرفت .

خلقهای منطقه تحت تاثیر انقلابهای رهایی بخش روزبروز براین نکته آگاهتر می شوند که رژیمهای ضدخلقی حاکم برآنها ، رژیم هایی هستند تحمیلی از جانب امپریالیسم آمریکا ، که ماموریتشان حفظ وحراست مواضع سیاسی و نظامی و منافع اقتصادی آمریکا در این منطقه و سرکوب هرگونه حرکت رهایی بخش واستقلال طلبانه خلقهاست .

بنابرگزارش خبرگزاری لیبی از خارطوم ، رژیم دیکتاتوری "نمیری " درپی تظاهرات توده‌های مردم به‌نشانه اعتراض علیه سیاست ضدملی رژیم حاکم برکشور ، همچنان به پیگردها وبازداشت نیروهای میهن دوست و استقلال طلب ادامه می دهد . در روزهای اخیر پانصد تن از اهالی کشور به‌جرم شرکت در تظاهرات بازداشت ومورد پیگرد قرار گرفته‌اند . بطورکلی در جریان تظاهرات ضد رژیم در دو هفتهٔ اخیر، متجاوز از ۱۳ هزارتن ازنیروهای میهن دوست ازجانب ماموران امنیتی وپلیس رژیم نمیری دستگیر و زندانی شده‌اند .

توطئه‌های مداخله‌گرانه امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ، درجهان و منطقه ادامه دارد

بدنبال سفر میتران ، رئیس جمهور فرانسه وتاچر نخست وزیر انگلیس به‌منطقه خاورمیانه ، شرکت دول امپریالیستی فرانسه و انگلیس در توطئه‌های مداخله‌گرانه امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه آشکار گردید .

طرح هشت ماده‌ای عربستان سعودی در مورد حل بحران خاورمیانه ، که درواقع دنبالهٔ موافقت نامه‌های خائنانه کمپ دیوید است وهدف جلب غیرمستقیم تعدادی دیگر از رژیم های ضدخلقی ودست نشاندهٔ عربی در این منطقه را به‌این موافقت‌نامه‌ها در بر دارد ، بیدرنگ مورد تائید رژیم جنایتکار سادات ، دولت اسرائیل وفالانژیست‌های لبنان قرار گرفت . این طرح عملا حق تعیین سرنوشت خلق عرب فلسطین وتحقق آرمان‌های عادلانه آنرا درباره تشکیل دولت مستقل ملی منتفی میسازد و از سوی دیگر اشغال سرزمین‌های کشورهای عربی و سرزمین زادبومی خلق عرب فلسطین به دست اسرائیل تجاوزگر را بصورت قانونی درمیآورد

میتران ، رئیس جمهور فرانسه ، و تاچر ، نخست وزیر انگلیس ، در جریان مسافرت خود به‌منطقهٔ خاورمیانه حمایت خود ازاین طرح را اعلام نمودند ، در حالیکه دول فرانسه وانگلیس بعنوان اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد ، زیر قطعنامه‌های مکرر شورای امنیت را امضا کرده‌اند و به‌خوبی میدانند که محتوای اصلی این قطعنامه ، که با خواست خلق‌های عرب ، از آن جمله سازمان آزادی بخش فلسطین توافق کامل دارد ، عبارتست از : خروج بلاشرط واحدهای ارتش اشغالگر اسرائیل ازسرزمین‌های کشورهای عربی و واگذاری حق تعیین سرنوشت وفراهم کردن امکانات لازم جهت تشکیل دولت مستقل ملی خلق عرب فلسطین در سرزمین‌های زاد بومی این خلق.

بدین ترتیب دول امپریالیستی فرانسه و انگلیس با پیروی از سیاست توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی اسرائیل و سیاست تجاوز گرانه امپریالیسم آمریکا دراین منطقه و حمایت از طرح هشت ماده‌ای عربستان سعودی ، تمام قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد را ، که خود از امضاکنندگان آنها هستند ، زیرپا می‌گذارند .

ابومیزر ، سخنگوی سازمان آزادی بخش فلسطین ، ضمن محکوم کردن طرح هشت ماده‌ای عربستان سعودی ، اظهار داشت که این طرح مغایر با موازین بین المللی وقطعنامه های سازمان ملل متحد درباره حل وفصل بحران خاورمیانه است . وی افزود : آنچه که باید به‌عنوان نقطه عطف در حل بحران خاورمیانه مورد توجه قرار گیرد ، تحقق بخشیدن به‌حقوق خلق عرب فلسطین است .

به‌برکت همین حمایت وپشتیبانی همهٔ دول امپریالیستی از رژیم صهیونیستی اسرائیل است که این رژیم تجاوزگر همچنان دامنهٔ توطئه‌های نظامی خود علیه کشورهای مستقل ملی در منطقه را گسترش میدهد .

طی چند روز اخیر واحد های ارتش اسرائیل در مناطق مجاور با مرزهای سوریه به‌مانورهای نظامی شبانه ، باهدف تحریکات نظامی علیه سوریه دست زده‌اند . در این عملیات ماجراجویانه واحدهائی از نیروی هوائی و زمینی اسرائیل شرکت دارند که از جانب آنان تجاوزهای تحریک‌آمیزی علیه سوریه انجام میگیرد . واحدهای گشتی اسرائیل به‌روستای تولین نزدیک بندر صور درجنوب لبنان نیز حمله کردند ، که درنتیجه ازاهالی غیرنظامی این روستا چندتن زخمی شدند . درعین حال هواپیماهای اسرائیل چند بار حریم هوائی لبنان را نقض کردند وبه‌عملیات شناسائی پرداختند .

جلب اسپانیا به پیمان "ناتو"

پیمان نظامی تجاوزکار "ناتو" که ، امپریالیسم آمریکا نقش عمده را در آن دارد درپی اعلام گسترش حیطه نفوذ عملیاتی خود به‌سایر مناطق جهان ، تلاش در افزایش اعضای خود دارد .

دیر زمانی است که اسپانیا ، بعنوان یک کشور اروپائی ، باموقعیت جغرافیائی‌ـ استراتژیکی خاص خود ، توجه سردمداران و ژنرال‌های جنگ‌افروز این پیمان نظامی تجاوز کار را به‌خود جلب کرده‌است . در دوران اخیر امپریالیسم آمریکا ، پس ازشکست‌های سیاسی وازدست دادن مواضع نظامی واقتصادی در مناطق مختلف جهان ، به‌ویژه بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران وانقلاب دموکراتیک درافغانستان ، که بر اثر آن ضربه‌های جانانه‌ای بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد آمد ، آمریکا دامنه‌تدارکات جنگی خود را درمناطق مختلف جهان گسترش میدهد . بر زمینه همین تدارکات جنگی است که جهت جلب اعضای جدید به پیمان "ناتو" وتجهیز نیروهای مسلح این پیمان باسلاح‌های مرگبار جدید ، تلاش‌های پرتب وتابی بکار برده میشود باورود اسپانیا به‌جرگهٔ کشورهای عضو "ناتو" نیروی دریائی این کشور دربست در اختیار ستادعملیاتی پیمان "ناتو" قرار خواهد گرفت وسرزمین اسپانیا به پایگاه نظامی آمریکا زیر پوشش پیمان "ناتو" ، تبدیل خواهد شد .

گر صد پایه دو پایه کم بود
بام را جوینده نامحرم بود

مولوی

مبارزه در راه ریشه‌کن کردن امپریالیسم در کشور ما مبارزه‌ایست ژرف، همه‌سویه و طولانی

هنوز باید کارهای فراوانی انجام گیرد، تا بتوان از پیروزی بی‌بازگشت انقلاب سخن گفت

جیمس کارتر، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، زمانی گفت:

"ایالات متحدهٔ آمریکا از لحاظ استراتژیک از آلمان غربی و ایران نمیتواند صرف‌نظر کند، زیرا این امر به‌معنای شکست جهانی او در دراز مدت است."

به‌همین جهت ایران در "اولویت" های شیطان بزرگ قرار دارد و، بقول برژینسکی، در مورد آن آمریکا نقشه‌های ده‌الی پانزده‌ساله ای حاضر کرده است.

اکنون، چنانکه کارشناسان امور آمریکا می‌نویسند، آمریکا از اشتباهات سیاسی خود درس میگیرد، شگردهای خود را عوض میکند، صبورانه ومحیلانه و در جای خود به‌طور وحشتناکی قسی وخونخوار عمل می‌کند.

درواقع از اوایل قرن نوزدهم رخنهٔ عمیق استعمارطلبان انگلستان در ایران شروع شد. "اینتلیجنس سرویس" وبنگاه "ایدئولوژیک" ضمیمهٔ آن، یعنی "فراماسون"، در کلیه قشرهای جامعهٔ ما، به‌ویژه میان اشراف درباری، خانهای عشایر، روحانی نمایان وابسته، بازرگانان بزرگ، ملاکان فئودال، ارباب مطبوعات وقلم رخنه کردند، وفساد رشوه‌خوارانهٔ متداول زمان نیز این رخنه را آسان میساخت. دوران طولانی انحطاط نظام فئودالی اخلاقیات را، به‌ویژه دراهل دیوان و "درخانه" (یادربار) به‌سطح نازلی کشانده بود.

به‌تدریج خانواده‌های بسیاری از اشراف در "آکسفورد" و "کمبریج" درس‌خواندند و در دامن سرویسهای جاسوسی ولژهای فراماسونی "وکلوب‌های سفید" وابسته‌به‌آن بارآمدند.

انگلستان در ایران یک شبکه غلیظ از عمال مجذوب وحرف‌شنو به‌وجود آورد که او را "قبله‌حاجات" خود ساخته‌بودند ونسل اندر نسل دراین‌کشور آقائی‌کردند ودرناز ونعمت زیستند. خیانت‌ورزیدند و احترام دیدند. میهن‌دوستان شریف را نابود کردند و جاه‌طلبان فاسد را بالاکشیدند.

در دهه‌های اول قرن بیستم حوادثی رخ‌داد که رخنهٔ انگلستان وپسرعموی آمریکائی اورا در کشورما به‌مراتب تقویت کرد: آلمان قیصری، در اثر شکست خود در جنگ‌جهانی اول، ازصحنهٔ کشور ماموقتا به‌عنوان رقیب خارج‌شد. روسیه‌تزاری در اثر انقلاب بزرگ سوسیالیستی، نفوذ نیرومند گذشتهٔ خودرا در قشرهای حاکمه‌درباری ازدست‌داد و سیاست مترقی لنینی هم دیگر به دولت رنجبران اجازه‌نمیداد که‌متحد درباروا شراف وفئودالیسم باشد. به‌علاوه، انگلستان از ۱۹۰۱ به منابع نفت جنوب دست یافت (قرارداد دارسی). آمریکانیز به‌دست عمالی مانندشوستر ومیلسپو (وباتشویق آن‌بخشی از اشرافیت‌قاجاری که در قبال عروج یک دیکتاتور نظامی دست‌نشاندهٔ انگلیس، نسبت به‌سرنوشت خود متوحش‌شده‌بودند)، در ایران سر پل‌هائی ایجادکرد.

ولی بعدها (موافق قرارداد "مونرو") دوپسرعموی انگلوساکسون، دونیمکرهٔ زمین را بین خودقسمت کردندو در دوران بین دوجنگ جهانی، انگلستان آقای مطلق سرزمین‌ما شد. به‌ویژه دوران دیکتاتوری رضا خان، دوران این سیطره بلارقیب **انگلیس** بود وعزت وذلت یک‌فرد به‌یک‌اشاره چشم آقای سفیر انگلیس (که‌چه‌عرض‌کنیم) حتی غلام سفارت (رشیدیان) مربوط میشد.

* * *

در جریان جنگ‌دوم‌جهانی (۱۹۳۹ – ۱۹۴۵) دوباره‌سروکلهٔ امپریالیسم آمریکا پیدا شد. ضعف امپریالیسم فرتوت انگلستان در قبال حوادث‌جهانی موجب‌شد که امپریالیسم هاروتازه‌نفس آمریکا در صدد برآید خود به نفسه در سراسر جهان وارد عرصهٔ عمل شود وبه "میراث‌خواراستعمار" مبدل‌گردد.

خانواده‌پهلوی، که از بسط جنبش انقلابی دوران پس از جنگ‌دوم جهانی در کشورما، به‌شدت هراسان‌شده‌بود، چنگ در دامن منجی جدید زد. کاربه‌آنجارسید که‌سرانجام رئیس سابق سرویس‌جاسوسی آمریکا "سیا" (ریچارد هلمس) همنشین ومشاور دائمی شاه‌در ادارهٔ کشور بود، یعنی امری نادیده درتاریخ دیپلماسی بورژوائی، که در آن همیشه پرده‌پوشی وعوامفریبی نقش‌دارد.

تعداد مستشاران نظامی وغیر نظامی و عمال آشکار ومخفی ایالات‌متحده در کشور ما به‌ده‌ها هزار رسید. آمریکا یک سپاه واقعی به‌وجود آورد، که‌جزئیات امورسیاسی واقتصادی ونظامی وفرهنگی ایران راتحت نظارت خود داشت.

برادران انگلوساکسون "سهم شیر" از نفت و بازاروثروت کشورمارا به‌خوداختصاص‌دادندو برای متحدان کهترخود (فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن وغیره) درسیستم "استعمارجمعی" ایران‌نیز سهم‌هائی گذاشتند.

بالا رفتن تاراج بیدریغ نفت ایران (تا ۴۰۰ میلیون‌تن در سال!) امکان داد که امپریالیسم آمریکا وانگلیس هم خودشان بحد بیش‌ازکافی بچاپند وهم‌متحدانشان، هم دربارپهلوی و هم قشرهای حاکمهٔ ایرانی، که باسرعت میلیونها و میلیاردها را به‌جیب می‌زند. هژبریزدانی‌ها مثل قارچ‌اززمین روئیدند. یک‌اقتصاد صددرصد وابسته به‌وجود آمد که امروز ویرانه‌های غم‌انگیزی از آن برجاست و نوسازی اقتصادی کشورمارا به‌امر بغرنجی‌بدل ساخته‌است.

بیش‌ازصدسال تسلط، به‌کمک قاجارهاو پهلوی‌ها، وقت‌کمی‌نیست که‌امپریالیست‌ها در اختیار داشتند. امپریالیست‌های انگلو–ساکسون (وبه ویژه‌آمریکائی‌ها) دهها ودهها هزارخانوادهٔ ایرانی را در همهٔ سطوح، آشکارو نهان، به‌خدمت‌گرفتند. مغزهارا از ایده‌ئولوژی سودورزانه‌سرمایه داری و دشمنی جانورانه نسبت به‌کمونیسم، از توده ستیزی بی‌بندوبار، ازشوروی‌ستیزی خرافی وعامیانه انباشتند. بی‌اعتنائی وبی‌تفاوتی به سیاست (آپولی‌تیسم) را در مغزها رخنه دادند. روحیه‌مناسبی برای آقایی خودبه وجود آوردند. مغزشوئی حسابی انجام‌گرفت.

موافق "فلسفه" ای که به‌کمک‌امپریالیسم درکشورما اشاعه‌یافت، زندگی کردن، یعنی عواید زیاد، از هر راه‌که باشد، بدست‌آوردن وبخشی ازآنرا برای گذران تجملی‌و عیاشانه هرچه‌خیال‌آمیزتر صرف‌کردن.

مهم‌نیست که اکثریت‌جامعه در شهر و روستا زندگی را چگونه به‌سرمیبرد! میتوان صاف وساده آنها را ندید. مهم نیست که دولت درچه‌بندوبست‌های خائنانه وخودخواهانه‌ای بامیلیاردرهای "وال استریت" و "سیتی" است، میتوان‌صاف و ساده ازآنها بی‌خبرماند، وبه‌جای کتاب‌ها ومطالب سیاسی واجتماعی، کتاب‌های سکسی خواند یاعکس‌ها وفیلم‌هائی از این‌قبیل تماشاویاجدول‌حل‌کرد مهم‌نیست‌که‌عواقب یک‌روش‌خودمحورانه سرانجام‌برای سراپای جامعه چه‌خواهدشد. می‌توان‌صاف‌وساده‌به‌آنهانیندیشید. مهم اینست که‌بساط عوایدروزافزون (ولوآلوده) وتجمل و عیش‌رنگارنگ برقرار باشد: فلسفه‌ضداجتماعی وضداخلاقی‌وفردگرایانه‌وجنگلی عجیب رواج یافت و رواج دارد.

این "فلسفه "آمریکائی – شاهنشاهی، که شاموشهبانوو والاگهرها مظاهر ایده‌آل آن بودند، یکی ازبزرگترین سدهای تحول مثبت روحی درقشرهای باصطلاح‌غرب‌زده‌ماست، که مفاهیم خلق، انقلاب، دگرگونی، استقلال، آزادی، جامعه‌تولیدی، فداکاری وغیره را برای آنهابه‌مفاهیم غریبه ومضحک مبدل‌ساخته‌است واین‌وضع کماکان ادامه‌دارد.

این‌شرایط دهه‌ها ودهه‌هابه طول انجامید، بطوریکه برای قشری ازجامعه قانون و ناموس‌ازلی وقاعدهٔ طبیعی هستی‌جامعه و فرد شد.

"بهاردوم "سرمایه‌داری، که‌پس از جنگ دوم جهانی (به‌برکت‌انقلاب علمی‌وفنی) پدید شد، به‌رواج‌این "فلسفه "کمک‌کرد. برخی از آنهائی‌که‌روزی "انقلابی "می‌اندیشیدند، با خودمیگفتند: "عجب‌احمقی بودیم"! و سپس رفتند به‌دنبال "زندگی"!

ولی انقلاب خلق سیلی‌جانانه‌ای به بنا گوش این‌نظام دیرپا وخودخواه وتباه‌زد، چنان که برق ازچشمانش پرید: ابتداحیرت بود و بی‌باوری، بعدخشم بود ونعره! سرانجام‌تلاش همه‌جانبه‌وموذیانه‌ومحیلانه‌وجنایتکارانه‌کسانی که‌بهشت‌خودراگم‌کرده‌اند، برای‌دوباره‌به‌چنگ آوردنش. وماطی‌قریب‌سه‌سال‌بعد ازانقلاب، هر روز شاهد صحنهٔ تازه‌ای از آن هستیم: شاهد تلاش کسانیکه انقلاب را از برون ودرون می‌جوند.

"قهرمانان "میدان‌گوناگونند: شکنجه‌گر ساواکی، تیمسارآمریکاپرست، لیبرال‌ریش‌دار و تسبیح‌بدست، رجال‌مخفی، روشنفکر غرب‌زده، خان‌فراری، حاجی‌آقای بازاری، "مارکسیست" سیائی، وعاظ‌السلاطین، مدافعان دروغین "شرع" در قبال "کفر"، تئوریسین‌های "قیام مسلح‌علیه‌استبدادحاکم"، صاحبان‌عوایدکلان (که‌همیشه در "پانام" بین‌کالیفرنی وتهران در رفت وآمد بودند)، عمال‌درسایه (که کسی آنها رانمی‌شناسد، ولی‌آنهاهمه‌رامی‌شناسند) وغیره وغیره.

برخی ساده‌دلان بانارنجک‌درخیابان‌های‌تهران، وبعضی‌مزغل‌ها با انتریگ‌درویلاهای مجلل و گوشه‌وکنارهای خلوت، امروزه نیز باشدت مشغولند که این "حادثه عجیب وغیر طبیعی" را، که‌انقلاب‌ایران نام‌دارد، از صفحه روزگاربزدایند.

باصطلاح‌فرانسوی‌ها، همه "کله‌های خود را حفرمیکنند"، که‌بهترین نسخه‌هاراپیداکنند و "ایران‌عزیز" (بخوان کاخ‌ها و میزهای قمار میلیونی) را ازشر "فالانژیسم‌آخوندها" نجات دهند. یاانقلاب را سرکوب‌کنند و یاآنرا حتی باحفظ چهره‌مذهبی، مسخ کنند. کوچکترین پشتیبانی‌ازشعارهای درست انقلاب به عنوان "ترفند" و "اپورتونیسم "کوبیده‌میشود.

درواقع خطاست اگر به‌طیف بسیار وسیع خادمان امپریالیسم و عابدان سرمایه‌داری کم بهاداده‌شود. امپریالیسم در ایران فرصت و امکان‌وسیعی داشته ودر نتیجه، کارسیاسی صد ساله‌ای دراینجاانباشته‌شده‌است. امپریالیسم درجامعه‌ایرانی رگ وریشه‌عمیق‌دارد.

کل‌دستگاه سرمایه‌داری امپریالیستی جهانی ودست‌نشانده‌هایش (یعنی‌فیلیپین‌ها، اندونزی‌ها، برزیل‌ها، هلندها. شیلی‌ها، و کره‌جنوبی‌ها و امثال این‌کشورها) باکل عمال یاافرادی که دراین‌کشور دارند باوساطت فعال اسرائیل، مصر، عربستان‌سعودی، عراق، عمان، پاکستان وغیره مشغول‌کارند وشب و روز هم مشغول‌کارند. پول، اسلحه، شایعه، انتریگ، فریب‌وتبلیغات سیل‌است. اندیشه‌های ساده‌لوحانه‌یامتعصبانه، دوستان‌نادان‌انقلاب نیز تاثیرکمی در دشواریها ندارد.

ضامن‌معتبری که‌انقلاب را تاکنون نگاه داشته، پشتیبانی اکثریت مردم زحمتکش‌است، که‌امیدوارند انقلاب آنهارا بحق‌خودبرساند. نقش‌رهبری بادرایت وقاطع‌امام‌نیزفوق‌العاده موثراست.

سنگرهائی در داخل جامعه‌فتح‌شده، ولی‌هنوز سنگرهای خوش‌ظاهر وخطرناک بسیار باقی‌است. کماکان‌امپریالیسم‌پایگاه اجتماعی نیرومندی در کشورما‌دارد وکم‌بها دادن به خطرآن، حداقل ساده‌اندیشی است (البته اگر خرابکاری آگاهانه‌نباشد).

انقلاب طی سالهای آینده، درعین حفظ دستاوردهای خود، باید این سنگرهای استتار شدهٔ خطرناک‌را، که‌از درون آنها مسلسل‌های زهرآلودی شلیک‌میکنند، تصرف کند، تاانقلاب فاتح‌شود ونظام‌نوین مردمی پا بگیرد. هنوز راه‌درازی در پیش‌است.

روشن‌است که‌انقلاب همیشه وظایف‌حاد وروزانه‌دارد، که‌ناچار است به آن بپردازد. وظایف حاد امروز را جنگ با رژیم صدام، نیل به‌امنیت‌داخلی در سرکوب بمب‌گذاران و تروریست‌ها وحل مسائل اقتصادی (اجرای اصلاحات‌ارضی، روبراه‌کردن بازرگانی‌خارجی‌و داخلی‌ونبرد باگرانی، تامین‌کاربرای بیکاران‌و ...) تشکیل‌میدهد.

این‌مطلب رادولت آقای کنی‌گفته و امام خمینی نیز تائید کرده وماهم باآن موافقیم. ولی‌روشن‌است که‌این‌بخشی‌است از وظایف، که کسب‌اولویت‌کرده‌است. ولی‌غفلت از هربخش دیگری از وظایف، که‌باید برای ریشه‌کن‌ساختن امپریالیسم‌انجام‌گیرد، خطرناک‌است، زیرا زقوم‌جهنمی بر روی ریشه‌های خود دوباره خواهد روئید. همه‌میدانیم که‌خطرفقط ضدانقلاب‌آشکارنیست، مسخ‌به‌ظاهر "دینی" یا به‌ظاهر "لیبرالی" انقلاب نیز در زرادخانهٔ امپریالیسم جای‌معتبری دارد. کیمیا گران امپریالیستی درتبدیل زهر به پادزهروپادزهر به‌زهر استادند. به‌هوش‌باشیم!

قاتل من...

بقیه از صفحهٔ ۲

احمد جانفشان وظیفه به شوق مبارزه‌بسود زحمتکشان و در اشتیاق نبرد باآمریکا به "مجاهدین" پیوست وسرانجام به‌جوخه‌اعدام‌انقلاب سپرده شد.

نسرین‌محبی، فرزند سرگرد علی محبی، ازشهدای بزرگ و اولیهٔ "مجاهدین" برای ادامه‌راه پدرش، یعنی مبارزه‌باآمریکا، به‌سازمان‌پیوست ووقتی چشم‌بازکرد خود را آلت فعل امریکا دید.

ونظیر "احمد" هاو "نسرین" ها گروه‌کثیری در زندانها هستند، دهها ودهها نفر بپای جوخه‌اعدام میروندو صدهانفردرخانه‌های‌تیمی تدارک این سفرضدانقلابی‌رامی بینید. این از تباه‌ترین، خطرناکترین وخونین‌ترین توطئه‌هائی‌است‌که‌امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی‌امریکا، با دست خائنینی چون‌بنی‌صدرورجوی وبا استفاده از جوانی وکم‌تجربگی جوانان "مجاهد" برزمینه‌بغرنجی‌اوضاع‌ایران وبرخوردهای‌نادرست بخشی‌ازحاکمیت، بر جامعهٔ ماتحمیل‌کرده‌است. بایدهرچه زودتراین دام‌راگسست. باید هر چه فوری‌تر این توطئه را خنثی کرد.

همانطور که‌احمد درپای جوخه‌اعدام فریادزد:

– قاتل من‌آمریکاست!
– قاتل‌من رجوی خائن‌است!

باید‌این‌قاتل‌را، که قاتل همهٔ فریب‌خوردگان دیگر هم‌هست، به جوخه‌اعدام‌انقلاب سپرد. همانطورکه احمد، دریک‌قدمی جوخه‌اعدام، از پدر ومادرش خواست.

– انتقام مرااز آمریکا بگیرید!
بایدانتقام‌او، و انتقام همه فریب‌خوردگان‌نظیر اورا از آمریکا گرفت. باید انتقام این جان های شریف‌را، که‌چنان‌شور رزم با دشمن اصلی وچنان‌عشق به‌خلق دارند، که دردم مرگ نیز، آخرین نفس‌هایشان راوثیقه‌نبرد با دشمن‌اصلی می‌کنند، ازامپریالیسم‌خونخوار آمریکاگرفت. و این‌انتقام‌گیری، که‌چیزی جزریشه‌کن کردن سلطه‌امپریالیسم از خاک‌میهن انقلابی ما نیست، از جمله با خنثی کردن توطئهٔ اخیر امریکا، که یکی از بازوهای آن "مجاهدین" و دیگر چپ‌روهاهستند، ممکن است. اینجا است که‌باید بیدرنگ جنایتکاران و جانیانی که‌دست‌به‌ترور و قتل می‌زنند، به‌جوخه اعدام سپرده شوند. اما "احمد" هاو "سعادتی" هاچه؟ آنها که‌دستشان به‌خون‌کسی آغشته‌نیست، آنهاکه‌فریادمی‌زنند: "به‌آغوش پاک اسلام‌بازگشته‌ام"، آنها که صداقت خود را درآخرین‌لحظات‌حیات‌فریاد می‌زنند، چه؟ اعدام آنهارا‌بستن بر فریب‌خوردگان‌صادقی، که‌میخواهند به‌آغوش انقلاب برگردند، نیست؟ آیانباید از خرمن اشک "احمد" هاگوهر بارترین‌تحفه‌ها را برای انقلاب بدست آورد؟ آیانبایدبه‌جای آمیختن اشک "احمد" ها با خون، هرقطره‌اشکی را به‌گلوله‌ای به‌سینه‌دشمن‌اصلی‌تبدیل کرد؟

مجاهدین‌فریب‌خورده!
صدای خونین "احمد" رابشنوید رهروان‌راه‌تباه‌اونباشید. بیائید و انتقام‌خون او را از آمریکا بگیرید.

مسئولان‌انقلابی‌کشور!
- صدای‌هق‌هق‌گریه "احمد" ها را بشنوید. راه رابازبگذارید. تاآنها بار دیگرتفنگ‌خودرابه‌سینه‌آمریکا نشانه‌روند.

بیائید دفتر خونینی را، که امپریالیسم‌آمریکاگشوده، بادرایت و قاطعیت‌خود ببندیم.

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و...

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران به مناسبت چهل سالگی حزب تودهٔ ایران)

چهل سال مبارزهٔ فداکارانه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

در مهرماه ۱۳۶۰، چهل سال ازتاسیس حزب‌توده ایران، حزب طبقه‌کارگرایران، کهن‌ترین سازمان سیاسی ـ اجتماعی کشورمامی‌گذرد. حزب‌ما ادامه‌دهندهٔ راه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا درکشورما و وارث بهترین سنت‌های انقلابی حزب کمونیست ایران‌است. حزب ما مصدر خدمات برجسته، ارزنده‌وانکارناپذیری در جامعه وتاریخ کشورماست:

۱) حزب تودهٔ ایران امپریالیسم، فاشیسم، نژادگرائی، ملی‌گرائی‌ارتجاعی، استعمار و نو ـ استعمار و نمایندگان آنهارا، باتمام چهره کریه‌شان، به‌مردم‌ایران معرفی کرده ومردم رابه‌نبرد علیه آنان و برای مبارزه در راه استقلال وآزادی ایران، صلح و دوستی خلق‌ها و پشتیبانی ازجنبش‌های انقلابی و رهائی‌بخش ملی بسیج‌کرده ومی‌کند.

۲) حزب‌تودهٔ ایران ارتجاع فئودالی و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و سلطنت استبدادی پهلوی‌وتبهکاریهای‌ساواک‌را بادلاوری بی‌همتائی برملاساخت، ساتردروغین عوام‌فریبی را از روی آنها برکشید و مردم رابرای مبارزه‌برضدآنان‌بسیج کرد. حزب‌تودهٔ ایران به‌مبارزهٔ خود برضدبقایای ارتجاع فئودالی و سرمایه‌داری وابسته‌به‌امپریالیسم و وابستگان به‌رژیم سرنگون‌شدهٔ پهلوی باپیگیری ادامه می‌دهد.

۳) حزب‌تودهٔ ایران در راه بیداری زحمتکشان شهر و روستا و دفاع از حقوق صنفی وسیاسی آنان، در راه دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی زنان وجوانان‌ما، سخنان حق راآشکاراگفته ومی‌گوید و برای تحقق‌این‌حقوق‌بی‌امان مبارزه‌کرده و میکند.

۴) حزب‌تودهٔ ایران در راه دفاع از حقوق‌سیاسی وملی خلق‌های گوناگون سرزمین ما و اتحاد داوطلبانه‌وبرادرانه و برابر حقوق آنها درمیهن واحد ومستقل‌ماایران، بااصولیت‌وپیگیری مبارزه‌کرده‌ومی‌کند.

۵) حزب‌تودهٔ ایران در راه اعتلاء فرهنگ‌کشور وبه‌ویژه فرهنگ سیاسی جامعه، در راه توضیح تاریخ وادب‌وفلسفه‌کشورما درراستای بسیج مردم، گام‌های موثری برداشته و از این لحاظ در پیدایش یک‌نسل‌نوین درجامعه‌ما تاثیر بزرگی داشته‌است. حزب‌ما سطح اندیشه وخرد و منطق وتوقع به‌حق‌جامعه را بالاتر برده و میبرد.

۶) حزب‌تودهٔ ایران برای تشکل صنفی وسیاسی‌کارگران وهمهٔ زحمتکشان شهر و روستا، تلاش‌های جانبازانه‌ای بکاربرده‌است. حزب‌ما یکی‌ازکوشاترین‌نیروهای‌سیاسی در راه‌بسیج‌مبارزه‌اجتماعی مردم‌ایران بوده‌وهست.

۷) حزب‌تودهٔ ایران درمعرفی دوستان ودشمنان مردم‌ایران در مقیاس‌کشور و جهان نقش شایانی ایفا کرده ونمونه‌عالی‌میهن دوستی راباوفاداری‌به‌همبستگی بین‌المللی به‌هم پیوند داده‌است.

در راه انجام این وظایف خطیرومقدس، عده‌کثیری‌ازمبارزان حزب‌تودهٔ ایران تیرباران شدند، یا درزیرشکنجه‌های ساواک نابود گردیدند، یاسالیان دراز در زندان‌های شاه‌ملعون به‌سربردند، یا به جلاء وطن مجبورگردیدند ویا از کار رانده‌شدند. مبارزان حزب‌ما رنج‌ها وعذاب‌های‌روحی فراوانی رامتحمل گردیده‌اند. جای کمترین تردید نیست که‌تاریخ‌کشورماهرگز آنان را بعنوان‌گردان‌های مبارز راه‌استقلال، آزادی و عدالت‌اجتماعی فراموش نخواهدکرد.

درجریان‌انقلاب‌بزرگ ضد ـ استبدادی، ضدامپریالیستی‌ومردمی ایران، که‌به‌رهبری‌مدبرانهٔ امام خمینی پیروز شد، حزب‌توده‌ایران، سال‌ها پیش‌ازپیروزی‌انقلاب، راه پشتیبانی ازخط ضد استبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی‌امام‌خمینی رابرگزید ودرجنبش انقلابی عظیم مردم‌ایران بافعالیت و شور شرکت جست وقربانی‌داد. مردم‌ایران‌خود گواهند که چگونه حزب‌ماتمام نیرو وابتکار خود را برای دفاع‌ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌صرف می‌کند وچه‌نقش‌موثری را در این‌راه ایفاء کرده‌ومی‌کند.

حزب‌تودهٔ ایران در جنگ عادلانه مردم ایران علیه تجاوز آمریکایی ـ صدامی باصداقت‌و فداکاری‌تمام شرکت‌کرده‌وخون‌اعضاء آن باخون‌مسلمانان‌انقلابی پیروخط امام دراینجانیزآمیخته‌است.

حزب‌تودهٔ ایران خواستار اتحاد همهٔ مسلمانان‌انقلابی پیرو خط‌امام وهمهٔ پیروان صدیق سوسیالیسم‌علمی و سایر مبارزان راستین راه‌استقلال، آزادی‌وعدالت اجتماعی درمیهن‌ماست وباصداقت وپیگیری برای تحقق این اتحاد تاریخی مبارزه‌کرده ومی‌کند.

درست به‌همین‌جهات است‌که حزب‌تودهٔ ایران‌موردبغض و کینهٔ امپریالیسم وارتجاع بین‌المللی و داخلی، به‌سرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکاست. درست‌بهمین جهات‌است که‌حزب‌تودهٔ ایران مورد احترام‌واعتماد همهٔ احزاب‌وسازمان های‌انقلابی‌واقعی در سراسرجهان است.

درچهل‌سالگی حزب توده ایران‌باردیگر تاکیدمی‌کنیم که پشتیبانی حزب‌ما از خط ضد ـ استبدادی، ضدامپریالیستی‌ومردمی امام‌خمینی، دفاع حزب‌ما ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران، مبارزه‌حزب مابرای‌تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، تلاش‌حزب‌ما برای‌اتحادهمهٔ نیروهای انقلابی، صرفنظر ازتفاوت در عقاید مسلکی‌و مذهبی، یک‌تاکتیک‌کوتاه‌مدت‌نیست این‌یک‌سیاست‌صادقانه درازمدت برای تامین‌استقلال، آزادی‌وعدالت اجتماعی درمیهن‌عزیز ما ایران است. حزب‌ما تمام نیروی خودرا به کاربرده وخواهدبرد، تا این‌سیاست اصولی وانقلابی، که‌در راستای‌منافع حیاتی توده‌های مردم‌زحمتکش ما است، پیروزشود.

کمیته‌مرکزی حزب‌تودهٔ ایران درچهل‌سالگی حزب‌تودهٔ ایران به خاطرهٔ تابناک‌شهیدان‌توده‌ای‌درود میفرستد واین‌سالگردفرخنده را به مبارزان‌توده‌ای صمیمانه‌شادباش می‌گوید.

ما توده‌ای‌ها، مفتخر بمتاریخ سراسرپیکارحزب‌خوددر راه‌استقلال، آزادی‌وعدالت‌اجتماعی، باردیگردر برابرخلق‌قهرمان‌ایران‌تجدیدپیمان می‌کنیم که‌باشور و امید و استواری ونیروی هرچه‌بیشتر، به‌مبارزهٔ خود برای‌به‌پیروزی‌قطعی ونهائی‌رساندن انقلاب بزرگ‌ضداستبدادی، ضد ـ امپریالیستی ومردمی‌ایران ادامه دهیم.

فرخنده‌باد چهلمین سال‌حزب تودهٔ ایران، حزب طبقه‌کارگرایران!
پیروزبادانقلاب‌بزرگ ضد ـ استبدادی، ضدامپریالیستی‌ومردمی ایران!

کمیتهٔ مرکزی‌حزب‌تودهٔ ایران
مهرماه ۱۳۶۰

جوانان‌کمونیست ایتالیا و جوانان انقلابی عراق جنگ آمریکایی ـ صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنند

اخیرا هیئت نمایندگی فدراسیون جوانان‌دمکرات‌عراق ـ سازمان جوانان‌انقلابی‌عراق، که در مبارزهٔ علیه‌رژیم‌صدام‌نقش فعالی به عهده دارد ـ به دعوت سازمان جوانان‌کمونیست‌ایتالیا، ازاین کشور دیدارکرد.

هیئت‌نمایندگی‌جوانان‌انقلابی عراق دراین‌دیدار باهیئت دبیران سازمان‌جوانان‌کمونیست ایتالیا و مسئولین‌سازمان‌درشهرهای‌فلورانس ونیز ملاقات وگفتگو کرد. در این دیدارها، که‌درمحیطی سرشار ازروح دوستی‌وهمبستگی‌بین‌المللی برگزار شدند، طرفین‌جوانب‌گوناگون‌مبارزه وفعالیت‌سیاسی جوانان‌دوکشور را مورد‌بررسی قراردادند و پیرامون مسئله تحکیم‌همبستگی بین المللی جوانان در مبارزه علیه‌امپریالیسم و ارتجاع وبخاطرصلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی تبادل نظرکردند.

درپایان این‌دیدار اعلامیهٔ مشترکی صادرشد. در این اعلامیه، سازمان‌جوانان‌کمونیست ایتالیا، "همبستگی کامل‌خودرا بامبارزه‌مردم وجوانان‌عراق‌علیه‌ترور و تضییقات خونینی که‌برنیروهای مترقی‌وجوانان عراق‌اعمال‌می‌شود، اعلام داشت وحمایت‌خودرا ازمبارزه‌مردم‌وجوانان عراق برای استقرار یک حکومت دمکراتیک وکسب‌خودمختاری واقعی برای‌مردم کردستان عراق" اعلام کرد.

طرفین دراین‌اعلامیه جنگ آمریکائی ـ صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران را، به‌مثابه "جنگی که صلح‌جهانی را موردتهدید قرارداده ودرخدمت طرح‌ها واستراتژی‌رهبری جدیدایالات‌متحدهٔ آمریکا برای‌تنش‌ـ فزائی وبازگشت به‌دوران جنگ سرد" است، محکوم‌کردند.

نمایندگان جوانان کمونیست ایتالیا وجوانان‌انقلابی‌عراق‌خواستار خروج‌نیروهای‌عراقی ازسرزمین‌ایران وحل‌مسالمت‌آمیز مسایل‌مورداختلاف درجهت منافع‌خلق‌های‌ایران‌و عراق شدند.

«آسئان» به ...

بقیه‌از صفحه ۱

فشار روزافزون امپریالیسم امریکا و چین مائوئیست آغاز شده وبه پیش میرود.

مسائل مطرح‌شده در کنفرانس سالیانهٔ وزرای خارجه عضو آسئان در سال‌جاری ـ که درنیمه‌ماه ژوئن در مانیل برگزار شد ـ گواه زنده‌ای براین‌مدعاست.

شرکت کنندگان‌در کنفرانس‌مانیل بطور عمده درباره وضع کامپوچیا، کشوری که عضو این‌اتحادیه‌نیست، به‌بحث و گفتگو پرداختند.

فضای‌حاکم‌بربحث‌ها به‌وسیله الکساندر هیگ، وزیرامورخارجه ریگان، تعیین گردید. به‌پیروی از هیگ، سوپیادانابالان، وزیر امور خارجه سنگاپور، باصراحت اعلام داشت که از گروه‌هایی‌که باحکومت قانونی‌کامپوچیامخالفت می‌ورزند، "پشتیبانی بعمل‌میآورد". برخی دیگرازشرکت‌کنندگان در کنفرانس‌نیز، هریک به‌طریقی، با او هماوا شدند. آنها به‌جای‌آنکه از کمک ویتنام سوسیالیستی به‌میهن دوستان خلق برادر کامپوچیا، خلق‌شکنجه‌شده بدست دارودستهٔ پول‌پوت، پشتیبانی کنند، آن را محکوم ساختند. نژادکشی، که قیام‌خلق کامپوچیا به پشتیبانی ویتنام برآن‌نقطه‌پایان گذارد، در واقع خطری برای شماری‌از کشور ـ های همسایه ایجادکرده‌بود. حکومت خونبار پول‌پوت، آزمونی برای برپایی "نظام‌نوین" به‌سبک پکن در سراسر آسیای جنوب شرقی بود.

سیاستمداران جدی آسئان این موضوع را بسادگی درمی‌یابند. آنها ازیکسو شاهد تهاجمات پیاپی سیاسی و نظامی چین نسبت به ویتنام واز سوی دیگر گواه ارائه پیشنهاد های سازنده‌صلح‌ودوستی ازجانب کامپوچیا ولائوس هستند.

سخن‌کوتاه، علت‌چیرگی گرایش‌های‌زیان‌ـ بار، برسیاست‌کشورهای‌عضواتحادیهٔ آسئان را فقط باید در فشار گرانباری که برگردهٔ اعضاء از خارج‌وارد میشود، جستجوکرد. آماج‌نهایی این‌فشارها سوق‌دادن آسئان به ورطه‌نظامیگری است، ودقیقاً به‌همین‌خاطراست‌کهاستراتژ های آمریکائی درتکاپوی‌به‌اجراگذاردن‌آن‌هستند. نظامیگری‌وخرید جنگ‌افزار، بویژه‌ازامپریالیسم امریکا، راه‌را برای‌وابستگی هرچه‌بیشتر وتبدیل باکم‌وکاست‌آسئان به‌یک‌بلوک‌نظامی هموارمی‌ـ سازد.

افزایش‌جنگ‌افزارهای‌آمریکایی‌تحویل شده‌به‌کشورهای آسئان‌براستی شگفت انگیز است. نشریه "رکودآسیا"، که در کالیفرنیا انتشار می‌یابد، فاش‌ساخت که‌تنهاکمک نظامی امریکا درسال ۱۹۸۰به۱۴۷میلیون دلار، یا تقریباً به‌یک‌ونیم‌برابر بیشتر از سال گذشته، رسید. بطورکلی، حجم‌جنگ‌افزارهای "رایگان" تحویلی به‌منطقه "آسئان" در پنج‌سال‌گذشته به ۸۱۹میلیون دلار رسیده‌است، که‌تقریباً سه‌برابر رقم‌نیمه‌دههٔ پیش‌است.

میزان سلاح‌های فروخته‌شده بازهم بیشتر است. درخلال سه‌سال‌گذشته، به‌نوشته "رکود آسیا"، ارزش آنها نزدیک به۲/۵میلیارد دلار بوده‌است.

واشنگتن دلبستگی ویژه‌ای نسبت به‌تایلند نشان‌میدهدو انتظارمی‌رود که برنامهٔ کمک نظامی‌اش به‌آن‌کشور، درسال مالی‌آینده، از ۸۰میلیون دلار تجاوزکند. "رکودآسیا" می ـ نویسد که در مقابل، ایالات‌متحدهٔ آمریکا خواستاربازگشت بهپایگاه‌های‌نظامی‌پیشین‌خود درخاک‌تایلنداست.

فیلیپین، به‌گونه‌ای سنتی بزرگ ترین دریافت‌کنندهٔ کمک نظامی ایالات‌متحده‌امریکا درمنطقه‌است‌که همانند تایلند، بوسیله پیمان مانیل، بسته‌شده در ۱۹۵۴، و نیز موافقت ـ نامه‌ای درباره‌پایگاه‌های نظامی، به ایالات متحده‌امریکاوابسته‌است. پیمان‌مانیل‌تا ۱۹۸۲، که‌پیش‌بینی شده‌است. فیلیپین هرساله ۱۵۵ میلیون دلار "کمک‌امنیتی" دریافت‌خواهدداشت همچنان‌ازقوت‌قانونی برخورداراست. میشل آرماکاست، یکی‌ازبلندپایگان‌وزارت‌امورخارجه خطاب‌به‌کنگرهٔ امریکاگفت که اختصاص چنین مبلغ هنگفتی برخاسته‌ازمنافع درازمدت‌نظامی واستراتژیکی‌ایالات‌متحده‌امریکااست، و اینکه توانایی ایالات‌متحده‌امریکا برای‌گسترش‌قدرت نظامی‌خود ازاقیانوس‌آرام‌تاجنوب‌شرقی آسیا درگرو حفظ‌حق بهره‌برداری بلامانع‌واشنگتن ازپایگاه‌های درون خاک فیلیپین، یعنی‌پایگاه دریایی‌خلیج‌سوبیک وپایگاه هوایی‌کلارک‌فیلد است.

امپریالیسم امریکاقصد داردکمک‌نظامی خود رابه‌اندونزی تا ۵۰درصد افزایش دهد. مالزی نیز اعتباری برای خرید تجهیزات هواپیمادریافت‌کرده‌است و جنگنده‌های‌بمب‌ـ افکن اسکایی‌هوک خریداری میکند. پنتاگون دربرابر آن انتظار دارد حق‌بهره‌برداری از پایگاه‌هوایی گونگ‌کداک را، که هم‌اکنون در ایالت کلانتان در کار ساختمان‌است، بدست آورد.

سنگاپور آشکارانقش‌مجتمع نظامی ـ صنعتی‌غرب، یک "نوع زرادخانهٔ اتحادیه آسئان رابرعهده‌دارد. شرکت آمریکایی‌هواپیما سازی‌لاکهید، درحال‌ساختن‌یک‌کارخانه‌تعمیرو نصب‌هواپیماست. شرکت‌اتوملارا ایتالیایی، کارخانه‌ای برای تولید قطعات یدکی‌تفنگ، موشک و وسایل موتوری ساخته‌است. شرکت بوفورس‌سوئدی، موشک‌های ضدهواپیمایی‌آر. بی. اس‌ـ ۷۰ (R.B.S ـ 70) را که‌به‌کشور ـ های آسیایی صادرمیگردد، در سنگاپورتولید میکند. وسپر، یکی ازبزرگترین‌بنگاه‌های‌کشتی سازی بریتانیا، قصد دارد ازحوزه‌های‌بزرگ کشتی‌سازی سنگاپور جهت ساختن رزم ناو برای کشورهای آسئان بهره‌برداری کند. و شرکت داکال‌الکترونیک بریتانیایی، امکان ساختن یک کارخانه جهت تولید وسایل الکترونیکی‌ورادیوبخاطراهداف نظامی را بر ـ رسی میکند. بنابراین سنگاپور یک عنصرمهم برنامهٔ استانداردکردن جنگ‌افزارهای‌ساخت غرب درکشورهای‌آسئان‌می‌شود.

پرواضح‌است که هدف‌استراتژیک عمده همه‌این‌تلاش‌ها برپایی سر پل دیگری برای یورش به‌کشورهای‌هندوچین‌است. موقعیت استراتژیک‌مناسب دولت‌های‌آسئان، دربر ـ خوردگاه اقیانوس‌آرام واقیانوس‌هند، هرگز ازمرکز توجه‌پنتاگون دورنمی‌ماند. اکنون امپریالیسم‌امریکا وظیفه آغاز یورش‌ازاین‌سر پل برضدنیروهای‌هوادارصلح، استقلال و سوسیالیسم در جنوب‌شرقی‌آسیا، ونه تنها

بقیه‌درصفحه ۸

شرکت وسیع توده‌ها در سومین دور انتخابات ریاست جمهوری:

مردم ایران برای ادامه نبرد با آمریکا، مانند همیشه، آماده‌اند

سومین دورانتخابات ریاست جمهوری، جمعهٔ گذشته برگزار شد. در این‌روز میلیونها تن ایرانی به پای صندوق‌های‌رای رفتندوبا انتخاب‌نامزد موردنظرخود، مشت‌محکمی بر پوزهٔ امپریالیسم‌امریکا و عمال داخلی آن کوبیدند وبدین‌ترتیب برای هزارمین بار عزم‌خودرابرای‌دفاع از انقلاب و جمهوری‌اسلامی‌ایران، به‌رهبری امام خمینی ومبارزه علیه‌آمریکای جنایتکار اعلام‌کردند.

شرکت میلیونها کارگر وکشاورز، آموزگار ودانش‌آموز، در کنار نیرو های مذهبی وسیاسی، از نیروهای مسلمان پیرو خط‌امام‌خمینی‌وهواداران‌راستین سوسیالیسم‌علمی همچون اعضاء و هواداران حزب‌تودهٔ‌ایران و سازمان فدائیان‌خلق‌ایران (اکثریت)، دراین انتخابات، در واقع تجلی ارادهٔ متحد خلق‌در ادامه‌مبارزه علیه آمریکای جنایتکاربود.

گزارشگران "اتحادمردم" ازاین نمایش و وحدت عظیم‌ضدامپریالیستی گزارشی تهیه‌کرده‌اند که فشرده آن از نظر خوانندگان می‌گذرد.

شرکت چشمگیر زنان

گزارشگران "اتحاد مردم" در گزارش خود می‌نویسند که در اغلب حوزه‌های رای‌گیری، مردم از ساعت‌ها، پیش از شروع رای‌گیری، درصف‌هایی طولانی اجتماع‌کرده‌بودند. این‌گزارش حاکی‌است‌که‌به‌ویژه شرکت زنان‌در این انتخابات کاملا چشمگیربود. نکته‌جالب اینکه، درتمام صف‌هایی که برای رای دادن‌تشکیل می‌شد، ازهمان‌آغازبحث‌های‌گوناگون درباره‌حوادث روز، جنگ‌و آینده‌انقلاب درمی‌گرفت. جنبه‌مشترک همه‌این‌بحث‌ها، چگونگی مبارزه با دشمنان خارجی وداخلی‌انقلاب، لزوم سازندگی سریع کشور و اجرای برنامه‌های‌بنیادین‌به‌سود مستضعفان‌بود.

شرکت اقلیت‌های مذهبی‌هم در سومین‌انتخابات ریاست‌جمهوری‌جلوه‌ای چشمگیر داشت. درمناطق ارمنی‌نشین‌تهران، مثل نارمک، مجیدیه وده متری ارامنه، مردان وزنان ارمنی. در کنار هموطنان‌مسلمان‌خودودیگراقلیت‌های‌مذهبی درمکان‌های‌رای‌گیری دیده می‌شدند.

هرچندنوجوانان‌تازه‌سال درکنار مردان‌سالخورده‌درانتخابات روز جمعه شرکت‌داشتند، اما وجود گروه‌سنی‌میان بیست‌وچهل بیش‌از دیگر گروه‌های سنی دراین‌انتخابات‌چشمگیربود.

حفاظت‌ازحوزه‌ها به‌مراتب‌شدیدتر ازانتخابات‌روز دوم‌مردادماه ۶۰ بود. ماموران‌کمیته‌ها به‌اتفاق جوانان انقلابی هرمحله، حفظ نظم رابرعهده‌داشتند و بسیاری ازآن‌هادر تمام طول شب پیش از انتخابات‌هم به‌حفاظت از حوزه ماموریت‌خود وآماده‌کردن وسایل لازم مشغول‌بودند.

زهرا پورسالکی پیرزن‌شصت‌ساله‌ای‌است‌که‌برای‌دادن‌رای‌به یکی از مراکز رای‌گیری‌خیابان‌دکترشریعتی‌آمده بود، به‌خبرنگارماگفت:

"روز دوم مرداد، حدود ساعت یازده‌بودکه‌من برای رای‌دادن از خانه بیرون‌آمدم، اما امروز به قدری عجله داشتم که‌صبح‌زود به‌اینجا بیایم تارای خودم رابه صندوق بیندازم. علت‌این زودآمدن‌این‌است‌که‌می‌خواهم به ضدانقلاب‌نشان‌بدهم که‌کشتن ونابودکردن یاران‌امام ویاران مردم مستضعف نه‌فقط ترس درما‌ایجادنمی‌کند، بلکه ما را در پشتیبانی از امام وانقلاب‌محکم‌ترمی‌کند. اگرهزاربارهم رییس‌جمهورونخست وزیررابکشند، ما باز هم به کوری چشم دشمنان‌انقلاب، درانتخابات شرکت می‌کنیم."

مهدی‌صالحی، بیست و هشت ساله، کارگر کارگاه چرم‌سازی، در مورد علت شرکتش درانتخابات‌می‌گفت:

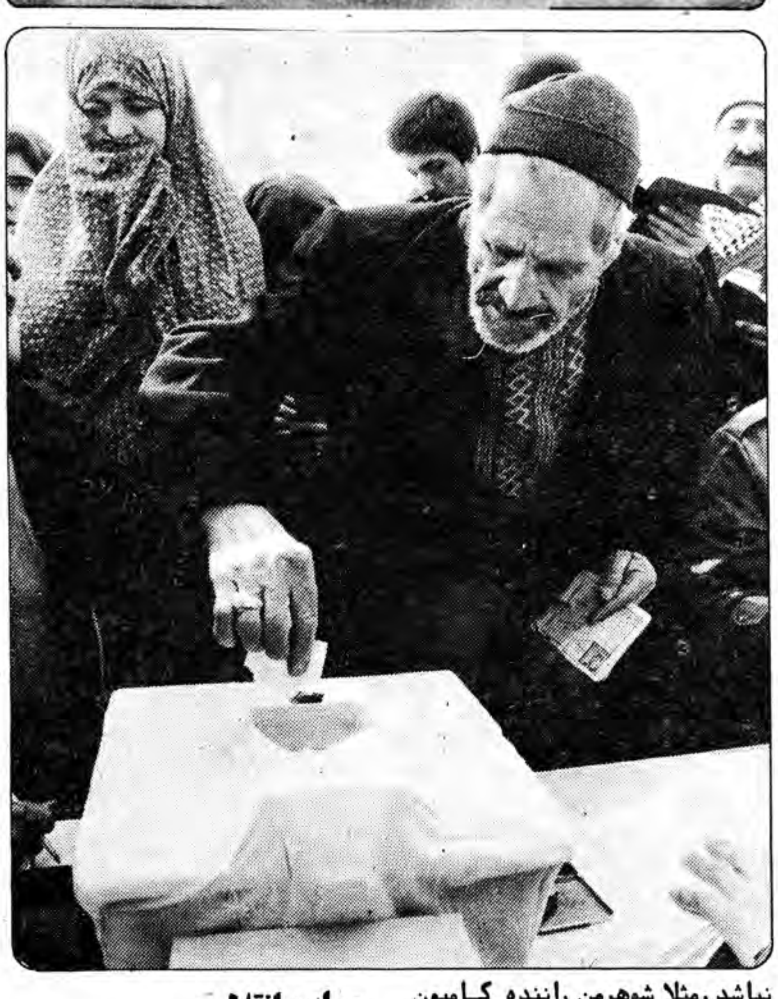
"علت‌اینکه‌آمریکا رئیس جمهور ونخست‌وزیر مارا کشت، این‌بود که‌آن هامی‌خواستند به‌نفع مامستضعفان‌کار کنند. آمریکامی‌دانست که در صورت اجرای‌برنامه‌های‌دولت‌شهید باهنر، همه‌مستکبران درایران نابودمی‌شوند. این‌بودکه‌رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را شهیدکرد. اماامریکا هنوزما را نشناخته ونمی‌داند تامستضعف‌وجود دارد، انقلاب هم سرجایش‌است. من یقین دارم دولت فعلی ورئیس جمهورآینده هم تمام‌کوشش‌خودراصرف‌اجرای‌برنامه به‌نفع مستضعفان‌خواهدکرد، چون‌این برنامه‌هاخواست‌اصلی‌همه مستضعفان است."

فریده‌رمضانی، خانه‌دار، که‌برای رای‌دادن به‌یکی‌از حوزه‌های خیابان رسالت‌آمده‌بود، گفت:

"بابرکنارشدن‌بنی‌صدر، دیگر مانعی برسر راه اجرای سریع برنامه‌های‌گوناگون به‌نفع مردم وجود ندارد البته‌جنگ‌تاحدزیادی باعث مشکلات عمده‌شده‌است، اما دولت باید کاری بکند که‌بارجنگ‌بردوش‌طبقه مستضعف نباشد. مثلا شوهرمن راننده کامیون است‌ودرآمدی‌که‌دارد‌همه‌زندگی ما را تامین‌نمی‌کند. ماباید‌کرایه‌خانه‌بدهیم سه‌تابچه‌هم داریم، تازه گرانی ارزاق عمومی‌هم‌روز به روز زیادتر می‌شود.

برنامه‌های‌دولت شهید باهنر خیلی‌به نفع‌مابود و از رئیس جمهور آینده هم می‌خواهیم‌سریعا با محتکران‌وگران‌فروشان مبارزه‌کند ومستضعفان را، که پشتیبان‌اصلی‌انقلاب‌هستند، از این همه‌دشواری نجات‌دهد. البته مامی‌دانیم خواست‌های ما، یک‌روز و دوروز برآورده‌نمی‌شود، امادست‌کم‌مبارزه با گرانی‌رامی‌شودزودتربه‌انجام‌رسانید."

شرکت کنندگان در انتخابات:
امیدواریم رئیس جمهور جدید همه کوشش خود را صرف بهبود زندگی مستضعفان کند.



دراین انقلاب ارمنی و مسلمان یک هدف دارند

وارطان‌ساراخانیان، سی‌ودوساله نقشه‌کش‌ساختمان، به‌خبرنگارماگفت:

"چیزی که در حال حاضر برای ارمنی‌های معتقد به‌انقلاب مطرح‌است پیشبرد این انقلاب‌است. برای‌ماهرگز ارمنی‌ومسلمان‌مطرح‌نبوده‌ونیست‌وهمان طورکه‌امام بارهافرموده‌اند، اقلیت‌های مذهبی می‌توانند درکنار برادران مسلمان‌خود زندگی کنند. در رژیم گذشته‌ارمنی‌های زیادی در مبارزه با شاه‌خائن شهید شدند و همچنین در دوران‌انقلاب‌و درجنگ علیه‌صدام هم جوانان‌بسیاری از مابه‌شهادت‌رسیدند درمیان‌ارامنه‌هم سرمایه‌داران زیادی وجود داشتند که‌در رژیم گذشته باشاه همکاری‌می‌کردندومستضعفان ارمنی را تحت فشار قرارمی‌دادند. منظورم این است‌که‌درمیان‌افراد هرمذهبی، هم سرمایه‌داروجود دارد وهم مستضعف، به‌این‌دلیل‌است‌که‌ما سرمایه‌داررادشمن خودمی‌دانیم ومستضعف رادوست‌خود حالااین‌سرمایه‌داریااین‌مستضعف‌ارمنی باشدیامسلمان، برای‌ما هیچ تفاوتی ندارد، همان‌طور که‌برادران مسلمان ما ازبدوانقلاب‌تاکنون همیشه در کنار مابوده‌وهستند."

رحیم‌رحیمی‌پیرمرد فلجی است که‌برروی صندلی چرخ‌داربه‌پای‌صندوق رای‌آمده‌بود، گفت:

"من‌الان دوماه‌است از منزل خارج‌نشده‌ام، اما امروز برای اینکه به ضدانقلابیون‌نشان‌بدهم‌اقدام‌های‌آن‌هابرای‌ایجادوحشت‌میان‌مردم وجلوگیری از شرکت آنها در انتخابات کوچکترین‌نتیجه‌ای‌نداشته، به اینجا آمده‌ام تارای بدهم. من به حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای‌رای‌می‌دهم، چون‌اونه تنهاطی‌مبارزه‌های پیش‌ازانقلاب خود رابه‌خوبی‌شناساند، بلکه‌درمدتی‌که‌امام جمعه‌تهران‌بود، به‌خوبی‌چهره‌انقلابی اسلامی‌ومردمی‌خودش را نشان داد. آقای‌خامنه‌ای‌خودش راوقف‌انقلاب و مستضعفان‌کرده وباوجودی‌که هنوز از زخم‌ترورناجوانمردانه در رنج‌است، مسئولیت‌بزرگ‌دیگری‌راقبول‌کرده‌است. البته‌ازایشان‌جزاین‌هم‌انتظارنمی‌رفت واین‌خودمشت‌دیگری‌بردهان دشمنان انقلاب ومیهن‌ماست."

اتحاد مردم

شرکت یک پارچهٔ توده‌های‌میلیونی در انتخابات‌وآنچه در سخنانشان‌بازتاب‌داشت، باردیگر نشان‌دادکه‌خلق‌ماآماده‌ایثاروفداکاری است. اکنون‌برریاست‌جمهوری‌جدید و دیگرمقامات‌مسئول کشور است که‌با اجرای اصلاحات‌اجتماعی، تامین و تضمین آزادی‌های‌دمکراتیک و تحقق جبهه‌متحدخلق، راه‌رابرای ریشه کن کردن پایگاه‌های‌داخلی‌امپریالیسم به‌سرکردگی امریکا، هموارکنند.

"آسئان" به...

بقیه‌ازصفحه۷

این‌منطقه را، برعهده‌گرفته‌است.

منطقه‌آسئان آشکارا یک "منطقه‌امنیتی مهم "امپریالیسم‌آمریکااعلام شده‌است. این مطلب راجیمز باکلی‌معاون وزیرامورخارجهٔ امریکا، درجریان‌دیدارخود از آسیای‌جنوب شرقی، در ماه اوت، اعلام داشت. درآن هنگام اوگفت‌کمواشنگتن از "اقدامات رسمی وغیررسمی" برای تشکیل یک‌اتحاد نظامی درچارچوب‌اتحادیه‌آسئان پشتیبانی‌میکند.

استراتژهای‌امریکایی‌به سیاست نظامی کردن آسئان، بعنوان‌یک‌عامل‌عمده‌در تحکیم وضع اقتصادی‌ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا در این منطقه‌می‌نگرند، زیراین‌منطقه‌بالغ بر ۸۰درصد محصول‌کائوچوی طبیعی وکنف، ۷۵ در صد چوب گرانبهای استوایی و۷۰ درصد قلع جهان راعرضه میکند. افزون‌برآن، اندونزی یکی‌ازده‌کشور بزرگ‌تولیدکننده‌نفت‌درجهان سرمایه‌داری‌است. در جهان سرمایه داری تقاضای‌رشدیابنده‌ای برای‌همه‌این مواد خام وجوددارد. ازاینروشگفت‌انگیز نیست، که سرمایه‌گذاری خصوصی‌مستقیم امپریالیسم امریکا درکشورهای‌آسئان در ده‌سال گذشته‌از ۱/۵میلیارد دلار به بیش از ۵میلیارد دلار افزایش یافته‌است.

آسیای‌جنوب شرقی‌یک‌بازار بزرگ‌کالاهای‌امریکایی‌است. همانگونه‌که میتوان‌انتظار داشت، شرکت‌های‌امریکایی بیشترین سود را ازبابت‌فروش‌ساز وبرگ‌نظامی به‌جیب‌می‌زنند. بدینسان، بطورعمده، رخنه‌مجتمع های نظامی‌ـصنعتی‌امریکایی، روندنظامی‌کردن کشورهای آسئان را تسریع میکند.

ماشین عظیم تبلیغاتی امپریالیسم در خدمت "نظامی کردن آسئان"

"به‌راه‌آوردن "آسئان و ناگزیر ساختن آن به‌پذیرش سیاست نظامیگری آسان نبود. امپریالیسم امریکا علاوه‌بر بهره‌وری ازاهرم‌های‌اقتصادی واهرم‌های پنتاگون، همهٔ قدرت‌ماشین‌تبلیغاتی‌خود را نیز بکار گرفت. دستگاه‌تبلیغاتی امپریالیسم درفعالیت‌ویران‌گرخود، فضای‌هراس‌دربرابر "گسترش طلبی کمونیستی" و "تهدید "افسانه‌آمیز" ویتنام و "تجاوزگری‌شوروی "رامی‌آفریند.

صدای گوشخراش بلندگوهای دروغ‌پردازوزهرپراکن‌امریکائی‌فضای جنوب شرقی آسیارا انباشته‌است. در فیلیپین‌افزون بر۱۴ ایستگاه‌تلویزیونی، که‌کلیه‌برنامه‌هایشان از منابع امریکایی تامین‌می‌شود، یک فرستندهٔ امریکایی‌هم سرگرم کاراست.

شبکه‌تبلیغاتی بغایت‌پرتوان‌امپریالیسم امریکا درتایلند، سلاح‌های‌ایدئولوژیک‌خودرا بسوی کشورهای آسئان هدف‌گرفته‌اند. در آن‌کشور امریکایی‌هاهشت ایستگاه تلویزیونی و ۲۳ایستگاه تقویت‌کننده را کنترل‌می‌کنند. "صدای آزادآسیا" که‌به‌وسیله‌سازمان "سیا" کنترل میشود، نقش‌بویژه مهمی دردامن‌زدن



به‌کارزار پوچ‌تبلیغاتی ایفامی‌نماید. "صدای آزادآسیا" هر روز چندین‌ساعت، بادروغ‌پراکنی‌های زهرآگین‌خود درباره اتحاد شوروی، ویتنام وحکومت قانونی‌کامپوچیا به فعالیت‌خود ادامه‌می‌دهد.

اخیراً بگونه‌ای فزاینده‌آشکار شده‌است کمواشنگتن وپکن تلاش‌های‌تبلیغاتی خود را درجنوب شرقی آسیاهماهنگ می‌سازند. رادیوبه‌اصطلاح "کامپوچیای‌دمکراتیک" سخن‌گوی رژیم‌خونخوارسرنگون شده‌دار و دستهٔ پول‌پوت‌ـ ینگ‌ساری، ازچین پخش‌می‌شود. این‌ایستگاه اختصاص به‌پخش گزارش های دروغ درباره کامیابی‌های ادعایی ضدانقلابیون‌در این‌یاآن بخش‌ازکشور، درباره تجاوزات‌مرزی‌به‌تایلند توسط یکان های ویتنامی، وحتی دربارهٔ برپائی‌پایگاه های نظامی اتحادشوروی درمنطقهٔ هندوچین دارد.

درپیامداین‌کار زار گسترده تبلیغاتی امپریالیسم‌جهانی، به‌سرکردگی‌امپریالیسم امریکاومائوئیست‌های‌پکن، دورنمای‌نظامی‌گری آسئان‌نمایان‌می‌شود. اگر هزینه های نظامی‌بسیار سنگین کشورهای عضواتحادیه آسئان‌درسال‌گذشته نزدیک‌به ۵/۵میلیارد دلاربود، درسال‌جاری‌به۶میلیارد دلار افزایش‌می‌یابد.

امپریالیسم‌امریکا و چین با تبلیغات ضدویتنامی وضدشوروی خود می‌خواهند، علاوه‌برنظامی‌کردن آسئان، برسیاست‌تجاوزکارانه، توسعه‌طلبانه وتنش‌فزایانهٔ خویش سرپوش‌نهندتا در ادامه این‌روند تجاوزات مرگبارامپریالیسم‌آمریکا به هندو چین‌و تحریکات وتجاوزات‌چین علیه ویتنام به فراموشی سپرده‌شود.

بدینسان‌امپریالیسم امریکاوچین‌زمینه برپایی‌یک‌بلوک‌نظامی درچارچوب‌اتحادیه آسئان رافراهم‌میسازند.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

سرنگونی رژیم خون آشام شاه توسط مردم ایران عادلانه ترین اقدام بوده است

دولت کارتر و ریگان به جنگ اعلان نشده علیه ایران پرداخته اند، تا انقلاب ایران را خفه کنند

آندره‌گرومیکو وزیر امورخارجه اتحاد شوروی طی سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد درافشای سیاست جنگ‌جویانه واقدامات توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا گفت.

"امپریالیسم آمریکا، که‌خود منبع تروریسم بین‌المللی است، دردوران اخیر آنچنان به‌تبلیغات ریاکارانه علیه جنبش‌های رهائی بخش خلق‌ها، که‌ازنظر امریکا اقدامات تروریستی نامیده می‌شوند. پرداخته، که زمینه‌را برای جنگ‌های صلیبی علیه‌آنان آماده‌می‌کند.

وزیرامورخارجه‌اتحادشوروی با تاکید براقدامات توطئه‌گرانه‌امریکا علیه انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران اظهار داشت:

"سرنگونی‌رژیم خون آشام‌شاه توسط مردم‌ایران عادلانه‌ترین اقدام بوده‌است. بااین‌وجودابتدادولت‌کارتر وسپس دولت ریگان به‌جنگ‌اعلام‌نشده علیه‌ایران پرداخته‌اندتا انقلاب‌ایران راخفه‌کنند و درعین‌حال‌نظام‌حاکم بر ایران رابه‌تروریسم‌متهم‌میکنند. وزارت جنگ‌امریکاسومین سال است که گروه بزرگی از ناوگان جنگی‌خودرادرحوزهٔ خلیج‌فارس مستقرساخته وایران‌راآماج تجاوزنظامی‌خود قرارداده است. در بهارسال گذشته دولت آمریکا از همین‌ناوگان‌جنگی برای پیاده کردن نیروی‌نظامی درطبس‌استفاده نمود و تلاش نمود طرح‌توطئه‌براندازی خوددر ایران‌رابه‌اجرا درآورد. با اینکه این توطئه‌به‌شکست‌فضاحت‌باری‌انجامید، اماسیرحوادث بعدی نشان‌میدهد که دولت امریکا از نقشه‌های خودصرفنظر نکرده‌است و تدارکات‌جنگی خود رابه مقیاس وسیعتری ادامه‌میدهد که نمونه آن اعزام واحدهای سپاه واکنش‌سریع به‌این‌منطقه ودیگراقدامات نظامی و تحریک‌آمیز آن در این منطقه‌است."

آندره‌گرومیکو، وزیر امور خارجه اتحادشوروی‌گفت:

"این‌سپاه در واقع حکم چماق سرکوبگررا دردست دولت آمریکادارد."

آندره‌گرومیکو خاطرنشان‌نمود:

"اظهارات اخیر هیگ وزیرامور خارجه‌امریکا که گفته‌است دولت‌ریگان هرچه‌ازدستش برآید، انجام خواهد دادتاسیرحوادث در ایران راسرانجام به‌بستر موافق باارزش‌ها وسمت‌گیری‌های غرب‌بکشاند و از سوی دیگر تدارکات‌جنگی شتابزده وزارت جنگ امریکا برای‌براه‌انداختن‌جنگ‌هسته‌ای، پی‌آمدهای‌شوم‌وخطرناکی دربردارد. زمامداران امریکا باتبلیغ مجاز بودن جنگ‌به‌اصطلاح "محدودهسته‌ای، عملا مردم‌ایران‌ودیگر خلق‌های جهان را تهدید میکنند. این‌تهدید بدان‌معنی است که‌این‌خلق‌ها اگر از استقلال ملی خود صرفنظر نکنند به اعادهٔ سلطهٔ نظامی‌امریکاتن‌درندهندوبه‌انحصارات امریکااجازه‌ندهند که منابع طبیعی و ثروت‌های ملی آنانرا به‌چپاول‌ببرند، بایددرانتظارمجازات های جدی امپریالیسم‌آمریکاباشند"

وزیرامورخارجه اتحاد شوروی اظهار داشت:

"بدین‌ترتیب وظیفهٔ مهارکردن دیوانگان‌دوستدار سلاح‌هسته‌ای برای همهٔ خلق‌های‌جهان‌یک‌وظیفهٔ مبرم و حیاتی‌است وبه‌همین خاطر است که اتحادشوروی پیشنهادهای‌جامع خود رابرای‌جلوگیری از وقوع جنگ‌هسته‌ای واتخاذتدابیرموثر برای حفظ صلح و امنیت خلق‌ها دراین‌اجلاس میکند و خواستار شریک‌مساعی همهٔ کشورهای عضو سازمان‌ملل‌متحد در این‌راه‌است."

دو خبر جالب درباره "مجاهدین" افغانی

اخیرا دو خبرجالب دربارهٔ "مبارزان "افغانی‌پخش‌شد، که‌به دیرباوران نیز میتواننداین واقعیت را آشکار کند، که "مجاهدین" افغانی نه‌انقلابی‌اند ونه برای‌اسلام‌می‌جنگند.

خبر نخست اعتراف سادات بود، که‌ازشبکه‌تلویزیونی‌ان-بی-سی‌آمریکانیز پخش‌شد و هیچ مقام رسمی آمریکائی‌نیز آنراتکذیب‌نکرد چونکه قابل تکذیب‌نبود. سادات اعتراف‌کردکه آمریکا اسلحه‌ای را که‌شوروی در زمان ناصر به مصر داده‌بود، دربرابر پول از سادات گرفته‌وبه "مجاهدین "افغانی داده است. این‌معامله‌به‌مدت ۲۱ ماه است که‌ادامه‌دارد. تقریباهمزمان باپخش این‌خبر، مقامات‌رسمی‌آمریکائی نیز اعلام‌کردندکه‌آمریکا مبلغ یک صد میلیون‌دلار به‌همین "مجاهدین" افغانی کمک کرده‌اند ونیز آنها را در پایگاه‌های نظامی مصر آموزش نظامی میدهند.

خبر دوم خبری بود که از "بی‌بی‌سی "نیز به‌شرح زیرپخش شد:

"اتحادملی‌اسلامی‌افغانستان که‌یک‌سازمان‌چریکی‌است‌ومرکزش‌در شهرکویته‌واقع‌دربلوچستان‌پاکستان است، میگویدکه... اجتماعی از عشایر، ازپادشاه سابق‌افغانستان خواستندکه‌ریاست مقاومت‌آزادی افغانستان رابعهده‌گیرد. یک‌سخن‌گوی گردهمائی بزرگ‌قبایل افغان گفته‌است که نمایندگان مجاهدین افغان ویا رزمندگان آزادی در افغانستان از سوی قبایل، وزراء سابق‌ونمایندگان سابق و رهبران افغان و یا رزمندگان آزادی در افغانستان از سوی قبایل، وزراء سابق‌ونمایندگان سابق و رهبران سیاسی‌افغانستان به مدت چهارروز درمنطقه مرزی "پیشین "درپاکستان گردهم‌آمدند. اعضاء شرکت کننده دراین‌جلسه ضمن بحث پیرامون بحران‌افغانستان هریک‌اطمینان و اعتماد کامل خود رانسبت به‌محمد ظاهرشاه‌پادشاه‌افغانستان، که هم اکنون بحالت‌تبعید در شهر رم‌بسر میبرد، ابراز داشتند. شرکت‌کنندگان در این گرد همائی محمد



ظاهرشاه رابعنوان رهبرجنبش‌برای آزادی‌افغانستان‌انتخاب‌کرده‌اند و ژنرال‌عبدالوالی‌خان را به عنوان معاون‌وی انتخاب‌نمودند."

این‌هردوخبربی‌نیازازهرگونه تفسیراند، زیرا به‌خودی‌خودمعلوم است‌آن‌افغانستانی که‌می‌بایست محمدظاهرشاه‌دررأس‌آن‌قرار گیرد، چگونه‌افغانستانی خواهد بود و آن "مجاهدینی "که با اسلحه سادات وپول وآموزش‌نظامی‌آمریکائی، برای آنچنان‌افغانستانی "مجاهدت "می‌کنند کدام "آزادی "وکدام "اسلام" رامیخواهند. مطلب‌ازاینقرار است واز روز نخست‌نیز از اینقرار بود.

قدردانی احزاب کمونیستی وکارگری بخش خاوری دریای مدیترانه، منطقه خاورنزدیک ومیانه از: سهم موثر و مثبت انقلاب ایران در مبارزه ملتهای این منطقه علیه امپریالیسم

رادیومسکو ۷مهرماه

اعلامیه‌احزاب‌کمونیست و کارگری کشورهای‌بخش‌خاوری‌دریای مدیترانه، منطقه‌خاورنزدیک ومیانه ودریای سرخ، که در ماه‌سپتامبرسال جاری، درگردهم‌آئی‌نمایندگان این کشورها موردتصویب‌قرارگرفت، در آتن‌منتشر شده‌است.

دراین‌سند ضمن ابراز نگرانی ازاینکه‌مناسبات‌بین‌المللی درنتیجه اجرای‌خط مشی‌استراتژیک‌تجاوزکارانه‌امپریالیسم و به خصوص امپریالیسم‌آمریکا به‌وخامت‌گرائیده به‌خطرناک‌بودن نقش رهبران‌چینی اشاره‌شده‌است، که‌زیر پرچم شوروی ستیزی از سیاست تجاوزکارانهٔ پنتاگون‌و پیمان‌ناتو پشتیبانی‌می‌کنند.

شرکت‌کنندگان‌کنفرانس‌مذکور خاطرنشان‌ساخته‌اند که قدرت افزایش‌یافته کشورهای سوسیالیستی واعتلای نهضت‌کارگری و جنبش رهائی‌بخش ملت‌ها شرایط لازم را برای مهار کردن سیاست تجاوزکارانه‌امپریالیسم تامین‌می‌کند.

شرکت‌کنندگان کنفرانس‌تاکید کردندکه‌اوضاع‌منطقه خاورنزدیک و خلیج‌فارس وحوزه دریای‌مدیترانه، دریای سرخ واقیانوس‌هند، وخیم و متشنج‌است‌وامپریالیسم ومتحدانش وضع‌انفجارآمیزی در آنجا ایجاد میکنند، که‌خطر بروز جنگ را در بر داردوتمام پیامدهای‌این جنگ‌را مشکل بتوان‌پیش‌بینی کرد. آمریکا اوضاع‌دریای سرخ وافریقا را متشنج ساخته‌تلاش‌میکند که انقلاب های مردمی را دراتیوپی و جمهوری دمکراتیک‌خلق‌یمن سرکوب کند. واشنگتن منطقه‌خاورنزدیک، اقیانوس هند وخلیج‌فارس را حریم منافع حیاتی آمریکا اعلام کرده و تهدید میکند که‌اسلحه، منجمله‌سلاح‌هسته‌ای درآنجابکارخواهدبرد، وبمنظور دخالت‌در اموداخلی کشور های دارای حق‌حاکمیت، نیروهای‌واکنش سریع خودرا دراین‌مناطق‌مستقر میسازد. امپریالیست‌ها، صهیونیست‌هاو ارتجاع کشور های عرب میان عراق و ایران آتش‌جنگ رادامن‌میزنند.

دراعلامیه مذکور اظهار اطمینان‌شده‌است که‌این‌نقشه‌های خطرناک درپرتو مبارزه ملت‌هاو جبهه‌پایداری ومقاومت نیرو های ترقیخواه دیگر با شکست مواجه خواهدشد. شرکت‌کنندگان در کنفرانس "احزاب‌کمونیست‌بخش خاوری..." خواستار حل‌عادلانه مسئله‌خاورنزدیک‌شده‌اعلام‌داشتند که‌پیشنهاد اتحادشوروی دربارهٔ برگزاری یک‌کنفرانس‌بین‌المللی دربارهٔ خاورنزدیک‌اساس مثبت حل‌این‌مسئله را تشکیل میدهد.

دراعلامیه‌شرکت کنندگان کنفرانس‌مذکورخاطرنشان شده‌است که‌جنگ‌عراق وایران فقط به نفع استراتژهای‌آمریکاست‌وتوجه‌ملت‌ها راازمبارزهٔ‌علیه‌امپریالیسم‌آمریکا و صهیونیسم‌بین‌المللی‌منحرف‌میسازد.

نمایندگان‌احزاب‌کمونیستی‌و کارگری برله رفع اختلاف از طریق مسالمت برپایهٔ اصول‌احترام‌متقابل به‌استقلال‌ملی وحق‌حاکمیت‌اظهار نظرکرده، بااعلام‌همبستگی خود بامردم و دولت انقلابی‌افغانستان که‌به‌مبارزه‌علیه‌دخالت‌امپریالیستی مشغولند، تلاش‌های آنهارا برای پایان‌دادن به‌تجاوز دسته‌هائی از اوباشان مسلح به خاک این کشور مورد پشتیبانی قراردادند.

کنفرانس‌احزاب‌کمونیستی و کارگری دخالت‌امپریالیسم بین‌المللی، بسرکردگی‌امریکا، برتری طلبان‌چین ومحافل‌نظامی گر پاکستان‌وارتجاع‌کشورهای‌عرب‌درامور داخلی‌افغانستان‌رامحکوم‌ساختند.

نمایندگان‌این‌احزاب‌از سهم مثبت وموثر انقلاب‌ایران درمبارزهٔ ملت‌های‌این‌منطقه‌علیه‌امپریالیسم قدردانی‌کردند.

نمایندگان احزاب‌کمونیستی‌و کارگری‌اعلام‌داشتندکه‌برای‌رفع‌خطر بروزجنگ‌وخنثی‌ساختن‌تلاش های امپریالیسم که‌میکوشد سیاست‌رویاروبی را در پیش‌گیرد و به‌بکاربردن‌زور درمناسبات‌بین‌المللی متوسل‌شوند، لازم‌است اقدامات‌قطعی‌تری‌انجام گیرد.

شرکت‌کنندگان کنفرانس این احزاب‌بدین‌مناسبت پیشنهادهائی راکه لئونید برژنف‌رهبر شوروی دربارهٔ تامین صلح‌جهانی‌و مهار کردن‌مسابقهٔ تسلیحاتی دربیست‌و ششمین‌کنگره‌حزب‌کمونیست اتحاد شوروی‌مطرح‌ساخت، با رضایت و خرسندی ارزیابی‌کردند.

رئیس جمهور سوریه آمریکا را دشمن و اتحاد شوروی را دوست می داند

حافظ اسد، رئیس‌جمهورسوریه طی‌مصاحبه‌ای‌بانشریهٔ لوکوتیدین دوپاری، چاپ‌فرانسه، به‌پرسش های موذیانهٔ این‌نشریه‌امپریالیستی‌پاسخ داده‌است. خبرنگاراین‌نشریه، که طبق روش‌بلندگوهای‌امپریالیستی، هرگونه‌رابطهٔ دوستی‌وهمکاری برابر حقوق‌میان دولت‌ها و کشورهای‌مترقی وانقلابی‌با اتحادشوروی‌را "وابستگی و "دنباله‌روی "می‌نامد، و هر گونه مبارزه مردم‌استقلال‌طلب‌وآزادی‌خواه‌علیه توطئه های امپریالیسم امریکا را مسکوت میگذارد، پس ازآن که رئیس‌جمهورسوریه، پیشنهادهای اتحادشوروی‌برای‌حل‌مسئله‌فلسطین رامورد‌تائید قرارداد وگفت.

"ما از پیشنهادهای‌اتحاد جماهیرشوروی مبنی بر تشکیل یک کنفرانس‌بین‌المللی، باشرکت تمام طرف‌های درگیر، جهت مذاکره در باب‌خاتمه‌بخشیدن به‌جنگ‌منطقهٔ خاورمیانه‌پشتیبانی‌می‌کنیم."

سپس‌محررنشریه این سئوال شانتاژگونه را مطرح‌ساخت:

"شما ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا را محکوم می‌نمائید و از پیشنهادات اتحادجماهیرشوروی دربارهٔ مسئلهٔ خاورمیانه‌پشتیبانی‌می‌کنید. آیااین امرنشانگر دنباله‌روی‌شما از خط مشی سیاسی مسکونیست؟"

حافظ اسد پاسخ‌داد:

"این‌نیزاستدلالی مبتذل و عامیانه‌است که‌هدف آن مشخصا واژگون‌جلوه‌دادن‌ماهیت مواضع سوریه‌می‌باشد. ایالات‌متحده آمریکا به‌ضدیت ومخالفت خود با اعراب ادامه‌میدهد وبا شیوه‌ای که حاکی از جانبداری کامل او از دولت‌اسرائیل است، از این دولت حمایت کرده و پیچیده‌ترین سلاح‌هائی را که هرروز علیه‌ساکنین جنوب‌لبنان (به عنوان مثال) بکارگرفته‌میشوند، در اختیار اومیگذارد. ایالات‌متحدهٔ‌آمریکاهرگز تهاجمات وجنایات‌اسرائیل راافشاء نکرده‌است. ما از این‌مواضع ایالات متحده‌نتایجی رااستخراج‌کرده‌ایم و ازطرف‌دیگر پیوندهای‌دوستی خود را با اتحادجماهیر شوروی، که در قبال منافع‌ما موضع دوستانه اتخاذ نموده‌است مستحکمتر ساخته‌ایم."

واین‌صحیح‌ترین‌واصولی‌ترین پاسخی‌است‌که می‌توان و باید به امپریالیستها داد.

پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی ـ اجتماعی در جمهوری دمکراتیک خلق کره

چندی پیش، هیئت نمایندگی ایران به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، از سفر کوتاه خود به کره دمکراتیک بازگشت.

جمهوری دمکراتیک خلق کره، که دارای ۱۷ میلیون نفر جمعیت است، سی و سه سال پیش پایه‌گذاری شد. زحمتکشان این کشور توانستند به رهبری حزب کارکره در سه دهه اخیر کره دمکراتیک را از سرزمینی عقب‌افتاده به کشوری صنعتی باکشاورزی پیشرفته بدل سازند.

نزدیک به یکسال پیش (اکتبر ۱۹۸۰) ششمین کنگره حزب کار کره برنامه جدیدی را برای ادامه ساختمان سوسیالیسم در کره دمکراتیک تصویب کرد. برپایه این برنامه، قرار است که تولید در همه رشته‌های تولیدی با آهنگی سریع افزایش یابد. پیش‌بینی میشود که در پایان سالهای ۸۰ کره دمکراتیک سالیانه ۱۰۰ میلیارد کیلووات ساعت انرژی برق، ۱۲۰ میلیون تن ذغال سنگ، ۱۵ میلیون تن فولاد، ۱/۵ میلیون تن فلزات رنگین، ۲۰ میلیون تن سیمان، ۷ میلیون تن کودکانی، ۱/۵ میلیارد متر پارچه، ۵ میلیون تن فرآورده‌های دریایی و ۱۵ میلیون تن غلات تولید کند.

اکنون که یکسال از برگزاری کنگره ششم می‌گذرد، زحمتکشان صنعت و کشاورزی در سراسر کشور به ارزیابی موفقیت‌های خود در مسابقه تولید مشغولند. تنها در رشته فلز ـ کاری ۵۰۰۰ پیشنهاد بهبودی به مرحله اجرا گذاشته شده است.

کامیابی‌های اقتصادی در افزایش سطح زندگی مردم کره دمکراتیک بازتاب یافته است. در سالهای گذشته بویژه موفقیت های مردم این کشور در گستره‌های آموزش وپرورش و خدمات اجتماعی چشمگیر بوده است. در سی و سه سالی که از حیات جمهوری دمکراتیک خلق کره می‌گذرد، بر میانگین طول عمر مردم این کشور ۳۵ سال افزوده شده واکنون به ۷۳ سال رسیده است.

محصول غلات کره دمکراتیک در ۲۰ سال سه برابر شد

تولید فزاینده غلات یکی از ویژگی‌های چشمگیر در تاریخ سی و سه ساله جمهوری دمکراتیک خلق کره بوده است. درحالیکه در سال ۱۹۶۰، محصول غلات (بویژه برنج وذرت) این کشور در حدود ۳ میلیون تن بود، این رقم سال گذشته به ۹ میلیون رسید، که رکورد جدیدی به شمار می‌آید.

حزب کار کره برای دستیابی به این افزایش تولید، به‌ویژه به مکانیزاسیون و ژرفش تولید در کشاورزی تاکید ورزیده است. علاوه براین، گسترش زمین‌های زیر کشت در مناطق کوهستانی وباطلاقی نیز بی‌اهمیت نبوده است. پیش‌بینی می‌شود که کشتزارهای جمهوری دمکراتیک خلق کره سالیانه بمیزان ۳۰ هزار هکتار گسترش یابد.

درتوسعه کشاورزی کره دمکراتیک صنایع ماشین سازی و شیمیایی که بویژه به‌یاری اتحاد شوروی احداث شده اند، نقش مهمی را ایفاکرده‌اند. برپایه برنامه هفت ساله کنونی، جمهوری دمکراتیک خلق کره درسال ۱۹۸۴ پنج میلیون تن کود تولید خواهد نمود.

چند دانستنی درباره اتحادیه «بین المجالس»

اخیراً شصت و هشتمین کنفرانس "اتحادیه بین المجالس" در هاوانا، پایتخت کوبا، تشکیل شد.

هیئت نمایندگی مجلس شورای اسلامی ایران نیز در این کنفرانس شرکت کرد. در زیر اطلاعاتی درباره "اتحادیه بین المجالس" از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

هدف "اتحادیه بین المجالس"، که بیش از ۹۰ سال پیش (۱۸۸۹) تاسیس یافت، عبارتست از: ترتیب تماس میان اعضای پارلمان های جهان واقدام مشترک آنها به سود صلح جهانی وهمکاری بین المللی.

اعضای جمعی "اتحادیه بین‌ـ المجالس" گروه‌های ملی هستند، که برای ترکیب پارلمان‌های کشور های گوناگون نمونه‌وارند.

درکنفرانس هاوانا کشور های گویان، پرو، کنگو، بنین، اوگاندا و زیمبابوه در خواست عضویت در "اتحادیه بین المجالس" راکرده‌اند.

فعالیت‌های این اتحادیه را "شورای بین المجالس" رهبری می‌ـ نماید، که درآن از هرپارلمان دو تن عضویت دارند. رئیس این شورا اکنون دکتر رافائل کالدرارودریگس است. وی درعین حال ریاست "کمیته اجرایی" رابه‌عهده دارد. که از ده عضو تشکیل می‌شود.

مقر دبیرخانه "کمیته اجرایی" درژنو است. یازده سال است که دکتر پیوکارلو ترنسیو (ایتالیا) دبیر کل "اتحادیه بین المجالس" است.

متحدان بنی صدر...

بقیه از صفحه ۳

حاکمیت راچنین آغازکرد:

"... موضع انقلابی نمایانه این فرصت‌ـ طلبان که خود را تنها نماینده "خط امام" دانسته، همه را به چوب لیبرال وسازشکار می‌رانند نیز بیشتر افشاء شد..." (شماره ۱۲۴ ـ ۲۳ آبان ۱۳۵۹)

خارج کردن آمریکا از زیرضربه

ودرست درهمین روزها احمد عضنفرپور، که دراروپا جزء کادر رهبری "سازمان انقلابی" بودودرآستانه پیروزی انقلاب همراه همسرش، سودابه سدیفی، که او هم ازاعضای کادررهبری "سازمان انقلابی" بود، تحت تعالیم بنی صدر، "اسلام" ـ البته اسلام چینی ـ آمریکایی ـ آورده بود، به طرح توطئه "القاء ایدئولوژی" در روزنامه "انقلاب اسلامی" پرداخت. هدف از طرح جنجال آمیز این حربه قدیمی امپریالیسم، از طرفی خارج کردن آمریکا اززیرضربه و، چنانکه بعدا معلوم شد، ازطرف دیگر، ردگم کردن برای فراهم کردن زمینه "رخنه" و "نفوذ" امثال "کشمیری" ـ ها و "کلاهی" ها و "فخارزاده" ها بهارگان‌های اجرائی وانقلابی بود. "حزب رنجبران" هم مسلما نمی توانست دراین توطئه شرکت نداشته باشد. درسرمقاله "رنجبر" روز ۱۱ آذر ۱۳۵۹، تحت عنوان "عمال روس جنگ داخلی راتدارک می بینند"، ابتدا سخنان بنی صدردرباره "القاء ایدئولوژی" (بنقل از "کارنامه بنی صدر" مورخ ۸ آذر ۱۳۵۹، در روزنامه "انقلاب اسلامی") برجسته شده بود.

"... روشی که اینها برای القاء ایدئولوژی دارند به این ترتیب است که عناصری از آنها رنگ آن ایدئولوژی، که مال خودشان نیست وباصطلاح غالب است رابه‌خودشان می دهندومی روندتوی آن خط..."

سپس باتکیه براین نظر خود "رنجبر" نتیجه‌گیری کرده بود:

"... داروودسته کیانوری همان دسته‌ای است دارای ایدئولوژی طرفدارقدرت روس، که آقای بنی صدر به‌آن اشاره‌می کند. این دارو دسته ازمدتها پیش الگوی کودتادرافغانستان را به عنوان راه ادامه انقلاب ایران مطرح کرده وامروز باتمام قدرت تلاش دارد با باصطلاح "دفاع از روحانیت" ودفاع از "خط امام"، جبهه اسلامی‌ها رابه انشعاب کامل کشانیده و جنگ داخلی رابرپادارند"، (رنجبر ـ شماره ۱۳۱ ـ ۱۱ آذر ۱۳۵۹)

این سخنان، که همزمان از جانب همه اعضای جبهه متحد ضدانقلاب وبویژه بنی صدر باپیگیری وجنجال دنبال می شد، هدفی غیر از این نداشت که درآستانه توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، که درآن روزها (آذر ۱۳۵۹) وارد مرحله عملی جدیدتری می شد، آمریکا را از زیر ضربه خارج ودشمن موهومی راجانشین آن کند. پیرو همین "سیا"ست بودکه "رنجبر" نوشت:

"چراامروزعده‌ای نسبت به آنچه بوی آمریکا می دهد، سخت حساس‌اند، ولی آنچه بوی روس می دهد مشامشان رانمی‌آزارد؟ چرا به‌فلان یا بهمان جمله آمریکایی توجه‌دارند، ولی سیاست عمومی روسیه شوروی رابافکر اینکه انشاء ـ الله گربه است، به نسیان می سپارند؟" (همانجا)

درادامه همین مطلب، "رنجبر" شدیدا به کشورهای "جبهه پایداری" وبویژه لیبی و سوریه حمله کرد:

"امااگرسوریه ازاشغال نظامی افغانستان توسط شوروی نه تنها دفاع نمی نمود، بلکه آنرا محکوم نیز می ساخت، اگر سوریه با شوروی از آن قراردادهای معروف بیست ساله امضاء نکرده بودودائما ازاعراب دعوت نمی کردتا با شوروی متحد شوندوخلاصه درکنارمواضع ضدآمریکایی ـ اش باابرقدرت روس هم فاصله می‌گرفت وما می‌خواستیم با اومتحدگردیم، باز هم عمال روس از سیاست خارجی ماتعریف می‌کردند؟

اگرلیبی انباراسلحه روسی نبود، با شوروی رابطه حسنه نداشت و غیره و ما می‌ـ خواستیم با اومتحد شویم، آیا عمال روس از سیاست خارجی ماتعریف می‌کردند؟ حتماً نه. حتماً می‌گفتند لیبی آمریکایی است، زیرانفت که به آمریکا می‌فروشد و هنوز شرکتهای نفتی آمریکایی که درآنجاوجوددارند و ... یااینکه قذافی دوست صمیمی جیمی کارتر است!!" (رنجبر ـ شماره ۱۳۱ ـ ۱۱ آذر ۱۳۵۹)

ودرادامه همین "سیا"ست، "رنجبر" به بهانه تصویب قرارداد ترانزیت ایران وشوروی درمجلس شورای اسلامی، نوشت:

"اکنون، باتصویب پروتکل عریض وطویل دستپخت همان هیات مخفی روسی، کرملین موفق شده تا با سوء استفاده ازشرایطی که خود درایجاد آنها نقش فعال وحتی درجه‌یک داشته (جنگ تجاوزکارانه عراق و ...) این قرارداد را به‌ماتحمیل نماید. بیهوده نیست که عمال کرملین درایران بادم خودگردومی شکنند و در روس نامه خود هر روز تیترهایی نظیر "سیاست خارجی ایران به‌راه درست گام نهاده است" ویا "سمت‌گیری ضدامپریالیستی سیاست خارجی ایران" بچاپ میزنندودیگرمثل سال گذشته از "ابهام" و "گردش" به راست درسیاست خارجی ایران "دم نمی‌زنند (به‌نظر عمال روس، سیاست نه‌شرقی، نه‌غربی سیاست "مبهمی" است وقاطعیت دربرابرشوروی "گردش به‌راست" است).

راستی چه کسی می‌توانست باور کندکه نخستین قرارداد مهم بین المللی که به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران می‌رسد، قرارداد عریض وطویل با ابرقدرت متجاوزروس باشد که برطبق آن شاهراهی دربرابرنفوذاین ابر قدرت درمیهن ما گشوده می شود؟!" (همانجا)

"رنجبر" این "سیا"ست را با پیگیری دنبال کردودرچند شماره تیتراول خود را اختصاص به "خطری" دادکه باصطلاح ایران را، بدنبال تصویب قراردادترانزیتی، تهدید می‌کرد. ازجمله به‌تیتراول شماره ۱۳۵ "رنجبر" مورخ ۲۰ آذر ۱۳۵۹، توجه‌کنید:

"قراردادترانزیتی شوروی، خطرات زیادی رابرای استقلال ایران دربردارد".

"رنجبر" درهمین شماره به‌صراحت نوشت:

"می گویندامپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک همه‌خلقهای جهان است. می پرسیم دشمن شماره یک خلق افغانستان کیست؟ آمریکاست؟ مغولستان چه؟ آمریکاست؟ لهستان چه؟ آمریکا است؟ کامبوج چه؟ آمریکاست؟ آمریکا بر سر خلق اریتره بمب می‌ریزد؟ آمریکا یمن جنوبی را ساخلو نظامی خودکرده؟ ملیت‌های تحت ستم مسلمان ساکن شوروی چه؟ آمریکاست؟ وقس علیهذا.

شعار "آمریکا دشمن شماره یک خلقهای جهان"، راشما درست کردید؟ شما باب دهان ـ ها کردید؟ یامسکو واعوان وانصارش اینرا در حال حاضر درشیپورخودمی دمد؟" (همان شماره)

ودرشماره دیگری، درپاسخ سخنان حجت الاسلام خوئینی‌ها، نوشت:

باین تفاسیرآنهایی که می گویند شعار ضدامپریالیستی تنها "مرگ برآمریکا" است، آنهایی که کوبا رادوست دارند "بخاطراینکه ضدامریکاست"، آنهایی که می گویند "شعار نه شرقی، نه غربی "غلط است ونظایر اینها، آیا عیارضدامپریالیست بودنشان بیش ازباند کیانوری است؟ آیا عیارضدامپریالیست بودن آنهابیشتر ازعیارضدامپریالیستی مسکو است؟

واقعیت این است که امروزدرایران دوخط ضدامپریالیستی وجود دارد، اولی خط واقعاً ضدامپریالیستی است، خط "نه‌شرقی، نه‌غربی"، خطی که می گوید "مرگ برشوروی وآمریکا وهر قدرت دیگرکه می خواهد دیگران رااستعمار کند، بایدشعارما باشد". این خط اکثریت عظیم مردم ونیروهای سیاسی کشور است". (رنجبر ـ شماره ۱۴۰ ـ ۲ دی ۱۳۵۹).

"رنجبر"، که براساس "سیا"ست دیکته شده ازجانب برژینسکی، لحظه‌ای از محور فعالیت تبلیغاتی خود، یعنی خارج کردن آمریکا اززیرضربه وجانشین کردن شوروی بجای آن، غافل نبود، در دوشماره بعد، تحت عنوان "اربعین بودیا بازارمعامله اسلحه روسی؟" نوشت:

امارو زاربعین چیزدیگری طرح گردیدو علناً به‌نفع ابرقدرت روس وتکیه به آن برای مبارزه باآمریکا تبلیغ شد. هرچندازگردانند‌ـ گان جریان اربعین این سیاست‌های شرق‌گرایانه وسازشکارانه تازگی ندارد، ولی اولین باراست که بخشی ازنیروهای جنبش اسلامی این‌قدر گستاخانه به تبلیغ اتکاء به شوروی و دلالی اسلحه‌های روسی می پردازند". (رنجبر ـ شماره ۱۴۲ ـ ۹ دی ۱۳۵۹)



عمال روس جنگ داخلی را تدارک می بینند

(رنجبر ـ شماره ۱۳۱ ـ ۱۱ آذر ۱۳۵۹)

تبلیغ علیه نیروهای راستین پیروسوسیالیسم علمی درکنار حمله به پیروان صدیق خط امام

حزب آمریکا ساخته و پکن پرداخته "رنجبران"، چنانکه دربالا آمد، بی‌پروا اتحاد شوروی رابعنوان دشمن اصلی معرفی می‌کرد و آمریکای جهانخوار را دربوته اجمال می‌گذاشت. برای تکمیل این "سیا"ست، "رنجبر" هم، به سیاق دیگراعضای جبهه متحدضدانقلاب، در کنارحمله به‌پیروان صدیق خط امام، به‌تبلیغ کین توزانه وافتراآمیز علیه‌نیروهای راستین پیروسوسیالیسم علمی می‌پرداخت. "رنجبر" غالباً پیروان صدیق خط امام ونیروهای راستین پیروسوسیالیسم علمی رایکجا موردحمله قرار می‌داد. "رنجبر" صریحا می‌نوشت:

"سیاست ما مبتنی است برمنفرد کردن کامل مستبدین حاکم وحامیان آنان باند کیانوری ودارودسته نگهدار ـ کشتگر". (رنجبر ـ شماره ۱۵۶ ـ ۳۰ دی ۱۳۵۹)

ویا:

"عمال قدیمی وکهنه‌کار روسیه (حزب توده) وسرسپردگان نوپای آن (چریکهای اکثریت) به‌دستیاران و همکاران صمیمی مستبدین دراعمال سرکوب وعملیات تروریستی علیه‌توده‌ها ونیروهای سیاسی استقلال طلب تبدیل گشته‌اند". (رنجبر ـ شماره ۱۵۷ ـ ۱۴ بهمن ۱۳۵۹).

"رنجبر" "ازهمه این دشنام‌ها واتهامات، که مافقط به‌مشت کوچکی ازخروارعفونی آن اکتفا کردیم، درواقع "سیا"ست قبلی خود، یعنی خارج کردن آمریکا ومتحدان داخلی آن اززیرضربه ومنحرف کردن افکارعمومی برای واردکردن ضربه به‌انقلاب، رادنبال می‌کرد. "رنجبر" پیوسته بر این دروغ بزرگ تاکید می‌کردکه: "عمال روسی جنگ داخلی راتدارک می بینند". (رنجبر ـ شماره ۱۳۱ ـ ۱۱ آذر ۱۳۵۹) وتقریبا در هر شماره می‌نوشت: "دار ودسته کیانوری... از مدتها پیش الگوی کودتادرافغانستان را بعنوان راه ادامه انقلاب ایران مطرح کرده..." (همانجا)

وهمه اینها در حالی بود که "حزب رنجبران"، درکناردیگراعضای جبهه متحد ضد انقلاب، برای کودتای واقعی لیبرالی علیه انقلاب آماده می‌شد، که شرح آن در شماره بعد خواهدآمد.

(ادامه دارد)

تاکی در ...

بقیه از صفحه ۱

و دیگر کسی نیست که، بدنبال طرد باند بنی‌صدر و شکست یکی دیگر از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا برای مسخ انقلاب، پرده‌درانی‌ها و جیغ‌های بنفش رسانه‌های گروهی امپریالیستی را نشنیده باشد. این بوق‌های امپریالیسم ساخته و صهیونیسم پرداخته، اینک به‌مثابه یکی از بازوهای اصلی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، برای شکست انقلاب‌های خلق‌های جهان، بدستور «سیا» و «پنتاگون»، مستقیما علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کنند. و این نکته نیز بر مقامات و گردانندگان جمهوری اسلامی ایران پوشیده نیست که:

"... نطفهٔ نا مشروع امپریالیسم خبری در رحم نا مبارک تزویرگرایی بسته می‌شود و چهرهٔ امپریالیسم خبری وجودی خارجی یافته و در عرصه لجن‌پراکنی و دروغ‌آفرینی و تفرقه‌انگیزی و نفاق‌افکنی، ایفاگر نقشی مهم و قابل توجه می‌شود..." (۲۵ مرداد ۶۰ — روزنامهٔ کیهان — از مقالهٔ چهرهٔ خبری امپریالیسم و نقش فرانسه)

بازیگران این عرصه تزویرگرائی نیز مشخص‌اند:

"... امپریالیسم ... بسردمداری شیطان بزرگ آمریکا در ارتباط با اتحاد نامقدسش با کشورهای اروپائی متحدش ... توانسته است اکثریت قریب به اتفاق رسانه‌های خبری، اعم از مطبوعات، ماهواره‌های مخابراتی، دستگاه‌های وسیع و مدرن خبرپراکنی و ... را به انحصار خویش درآورد. معروفترین و سرشناس‌ترین بنگاه‌های سخن‌پراکنی، تزویرپراکنی و دروغ‌پراکنی امپریالیسم خبری عبارتند از خبرگزاری‌های یونایتدپرس، آسوشیتدپرس، رویتر، فرانس‌پرس ..." (از همان مقاله)

ویا: "... خبرگزاری آمریکائی آسوشیتدپرس، که با سرمایهٔ صهیونیست‌های آمریکایی اداره می‌گردد ..." (۶ مرداد ۶۰ — آزادگان — از اطلاعیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران)

گستردگی عمل و حیطه فعالیت این بنگاه‌های دروغپراکنی نیز روشن است:

"... در هر روز متجاوز از ۴۵ میلیون کلمه و واژه به کمک این ۴ خبرگزاری بزرگ جهانی، که ۱۰۰ درصد وابسته به امپریالیسم جهانی‌اند، به ۱۱۰ کشور جهان مخابره می‌شود ... متجاوز از ۸۰ درصد از اطلاعات و اخباری که از رادیوها و تلویزیون‌های جهان پخش می‌شود و یا در مطبوعات بزرگ جهان به چاپ می‌رسد، از محصولات یونایتدپرس ... است ... آسوشیتدپرس، به‌مثابه یک پایگاه خبری کاملا ضدمردمی و در خط چپاول توده‌های تحت ستم، متجاوز از ۱۰ هزار روزنامه را در سراسر جهان تغذیه می‌کند ..." (همان‌جا)

هدف این "... آشیانهٔ امپریالیسم خبری ..." (همان‌جا) نیز واضح است:

"... سیستم شیطانی قرن (امپریالیسم) ... از روش‌های زیر کمک می‌گیرد:

— حتی‌المقدور کشورهای تحت سلطه را از اخبار و جریانات انقلاب‌های رهائی‌بخش و مبارزات ملت‌های تحت ستم و روش‌هایی که کشورهای تحت سلطه به کمک آن‌ها از یوغ بندگی و بردگی رهائی جسته‌اند، بی‌خبر نگهداشته و شدیدا تحت سانسور قرار دهد؛

— ... امپریالیسم خبری می‌کوشد تا با اشاعه، ارائه و ترویج اطلاعات دروغین، مردم را از اخبار حقیقی و واقعی بدور نگهدارد؛

— ایجاد و رشد مسائل و مشکلات بیشمار سیاسی، اجتماعی ... در جوامع انقلابی جهت بشکست کشاندن انقلاب‌های رهائی‌بخش و آزادی‌بخش راستین؛

— تغییر جهت دادن و منحرف ساختن افکار عمومی توده‌های انقلابی تحت ستم؛

— گشودن جبهه فرعی در داخل انقلابیون راستین و تقویت جبهه فرعی و انحرافی و بهره‌برداری دقیق از اختلافات جزئی موجود بین انقلابیون ..." (۲۸ مرداد ۶۰ — روزنامه کیهان)

و ماچوب این بنگاه‌های دروغ‌پراکنی را هم زیاد خورده‌ایم:

"... وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس مبنی برحمل اسلحهٔ اسرائیل توسط هواپیمای آرژانتینی ساقط شده در خاک شوروی به مقصد تهران را تکذیب کرد ..." (۵ مرداد ۶۰ — کیهان)

ویا: "... در پی انتشار خبر خبرگزاری فرانس‌پرس مبنی بر ربوده شدن دو دختر خردسال بهائی در ایران، رضا علوی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ... طی گفتگویی ضمن تکذیب این خبر اعلام کرد که طرح اینگونه مسائل در شرایط کنونی برای لوث کردن اجازهٔ پناهندگی دولت فرانسه به بنی‌صدر و رجوی و همراهانش است ..." (۱۲ مرداد ۶۰ — کیهان)

و بازهم: "... مصاحبه غیابی روزنامه تایمز با رئیس کل بانک مرکزی ایران ... روزنامه تایمز لندن دروغ‌گویی را به حدی رسانده که در یکی از شماره‌های اخیر خود از قول دکتر محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی ایران اعلام کرده است که اقتصاد ایران ظرف چند ماه آینده از هم خواهد پاشید ... رئیس کل بانک مرکزی ایران ضمن تکذیب شدید نقل قولی که از جانب وی در روزنامه تایمز لندن درج شده اظهار داشت: این نیز یکی دیگر از حیله‌های کثیف استعمار است که همزمان با اوجگیری تبلیغاتی یا سیاسی و تجاوز نظامی عمال آمریکا صورت می‌گیرد. دکتر نوربخش افزود طی مدتی که من به ریاست بانک مرکزی منصوب شده‌ام حتی یکبار نیز با روزنامه تایمز لندن مصاحبه نکرده‌ام. اصولا طی یک ماه اخیر هیچگونه مصاحبه مطبوعاتی داخلی و خارجی نداشته‌ام ..." (۲۲ شهریور ۶۰ — اطلاعات)

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که آشیانه‌های "امپریالیسم خبری"، در طول مدتی کمتر از یک ماه اقتصاد ایران را ورشکسته نشان دادند، شریک معاملات ایران را دولت غاصب اسرائیل و کار دولت ایران را بهائی‌کشی!

آیا همه این‌ها جز در خدمت آن هدفی است که مقاله‌نویس روزنامهٔ کیهان به‌درستی آن را چنین بیان می‌کند:

"... کشورهای مشترک‌المنافع ... و هم‌پیمان آمریکا ... به خوبی می‌دانند که به منظور تحقق سیاست غارت و جهانخوارگی، نخست باید زمینه‌های لازم را در دایره تفکرات توده‌های ساده‌اندیش و مظلوم، و نیز در حیطهٔ افکار قربانیان خود ایجاد و تقویت نمایند. به‌عبارتی ساده‌تر افکار قربانیان محروم خود را مستعد پذیرش سیاست‌های ضدانسانی و ضداسلامی خویش سازند ..." (۲۵ مرداد ۶۰)

این شناخت، که اکنون همهٔ مسئولان درجهٔ اول کشور و همهٔ مطبوعات بزرگ ایران به آن مجهزند و پیگیرانه آن را بیان می‌کنند، هم درست است و هم مایه خرسندی. اما چگونه است که — برای مثال — درست در همان صفحه‌ای که مقاله روشنگرانه بالا درج شده است، از ۱۷ خبر خارجی ۱۱ خبر از قول همین خبرگزاری‌ها، همین "آشیانه‌های امپریالیسم خبری" است؟ چگونه است که در کنار افشاء اهداف جنایتکارانه "امپریالیسم خبری"، در روز ۲۸ مرداد ۶۰ در روزنامه کیهان، در کنار مقاله بالا و در همان صفحه، از ۱۴ خبر خارجی ۱ خبر از خبرگزاری فرانسه، ۱ خبر از رویتر و ۱ خبر از آسوشیتدپرس نقل شده است؟ چگونه است که این مشی برهمه وسایل ارتباط جمعی ایران حاکم است؟

عجیب است که این رسانه‌های گروهی، درحالیکه "امپریالیسم خبری" را افشاء می‌کنند، خود هم در دام آن می‌افتند. ضمناً این گرفتاری در دام دشمن بیشتر وقتی است که خبر مربوط به کشورهای سوسیالیستی و احزاب کارگری جهان باشد. و درست همین جاست که باید پرسید: آیا امپریالیسم خبری "فقط به ایران انقلابی نظر سوء" دارد، یا هدف آن بطورکلی: "... ایجاد و رشد مسائل و مشکلات بی‌شمار سیاسی، اجتماعی ... در جوامع انقلابی جهت به‌شکست کشانیدن انقلاب‌های رهائی‌بخش و آزادیبخش راستین ..." است؟ (۲۸ مرداد ۶۰ — کیهان)

به‌همین دلیل است که ما سئوال می‌کنیم: سیاست یک‌بام و دو هوای رسانه‌های گروهی ایران، در ارتباط با "امپریالیسم خبری"، تا کی ادامه خواهد یافت؟ اگر امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا، دشمن انقلاب ضدامپریالیستی ماست، آیا دوست جنبش ضدامپریالیستی ملت افغانستان است و یا آن را پذیراست؟ اگر جواب مثبت است، این ماهیت دوگانهٔ امپریالیسم در منطقه را چگونه باید توجیه کرد؟ مگر می‌شود که آمریکا در ایران ضد انقلاب امپریالیستی و در افغانستان طرفدار مبارزات ضدامپریالیستی باشد؟ و یا خبرگزاری فرانسه که سیاست دولت ایران را "بهائی‌کشی" معرفی می‌کند، آیا در ارتباط با کشور همسایه ما افغانستان، میتواند موضع بیطرفی داشته باشد؟ و اگرنه، تاکی باید ما جهان را با عینک "امپریالیسم خبری" ببینیم، و تاکی باید ایران انقلابی، همان خزعبلات بلندگوهای امپریالیستی را در مورد کشورهای مستقل و دمکراتیک و نهضت‌های آزادیبخش جهان تکرار کند؟

ما از مسئولین امر سئوال می‌کنیم که: چرا شورش مردم گامبیا علیه نظام ضدخلقی این کشور درست منطبق با خواست "امپریالیسم خبری"، در ایران به‌عنوان "کودتای چند چپ‌گرا" جلوه داده شد و آن‌هایی که در ایران دمی از غم "اشغال افغانستان توسط شوروی" راحت نیستند، به‌راحتی تکرار کردند که:

"... رئیس جمهوری گامبیا ... اعلام کرد طی چند ساعت آینده نیروهای سنگالی به‌کل شورش چپ‌گرایان را در این کشور سرکوب خواهند کرد ... نیروهای سنگالی بدرخواست رئیس جمهوری گامبیا، که در پی یک کودتای چپی در این کشور از کار برکنار گردید، وارد گامبیا شده‌اند ..." (۱۰ مرداد ۶۰ — روزنامه کیهان)

دوباره این خبر را بخوانید: آیا روشن نیست که تک‌تک کلمات این خبر که توسط خبرگزاری‌های امپریالیستی مخابره شده، براساس قصد و نیت امپریالیست‌ها تنظیم شده است؟ راستی نیروهای سنگال در گامبیا چه می‌کنند؟

خبرنگار خبرگزاری فرانسه وقتی در ایران بود و با چشم خود حوادث را می‌دید، دروغ می‌نوشت، تحریف می‌نمود و جعل می‌کرد. حال چگونه است که خبر "... خبرگزاری فرانسه از فرانکفورت ..." (۱۰ مرداد ۶۰ — کیهان) درباره افغانستان، به‌نقل از "دیپلمات‌های هندی در پاکستان" برای ما موثق از کار درمی‌آید، و روزی نیست که رسانه‌های گروهی ما این مطالب امپریالیسم ساخته را در مورد افغانستان تکرار نکنند؟

با کمال تاسف کار گاه به‌جائی میرسد که ظاهرا حتی "... گزارش وزارت امور خارجه آمریکا درباره اوضاع افغانستان ..." (۱۸ مرداد ۶۰ — کیهان) برای برخی از روزنامه‌ها موثق است و چنان ظاهرا خوش آیند، که ۲ روز بعد همان خبر را، با آب و تاب بیشتری، بدون برخورد خلاق و انقلابی این بار از قول رویتر، مجددا نقل می‌کنند.

اگر مدعی انقلابی بودن هستیم و اگر مدعی شناختن ماهیت "امپریالیسم خبری" هستیم، چرا باید چنین مهملاتی را تکرار کنیم؟ و تازه کار به نقل خبرهای این چنینی نیز تمام نمی‌شود. بسیاری از تفسیرهای خارجی رسانه‌های گروهی ما نیز بر اساس نوشته‌ها و اطلاعات "امپریالیسم خبری" تنظیم می‌شود.

آیا وقت آن نرسیده است که ما نه از پس عینک "امپریالیسم خبری"، که از موضع ایران انقلابی و دفاع از مواضع انقلابیون جهان به مسائل برخورد کنیم؟

حساب بسیار ساده است: اگر امپریالیسم دشمن محرومان جهان است، ایران انقلابی باید همه‌جا یاور محرومان جهان و درکنار نمایندگان این محرومان باشد. و برای عینیت بخشیدن به این یاوری جهانی، راهی نیست، جز آنکه بندهای پیدا و ناپیدای خود را با امپریالیسم ببریم. ادامهٔ سلطه "امپریالیسم خبری" بر رسانه‌های گروهی ما یکی از این بندهاست. این بند را باید بسود انقلاب ایران برید، و برای اینکار لازمست که اخبار خبرگزاری‌های امپریالیستی از صافی مصالح انقلاب ایران بگذرد.

* * *

خبر سفر رئیس خبرگزاری پارس به سوریه، لیبی و الجزایر برای همکاری در زمینه خبری و هماهنگ ساختن مقابله با "امپریالیسم خبری" نوید می‌دهد که برای مبارزهٔ قاطع با "امپریالیسم خبری" نیز نیروهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی متحد شوند و گام‌های جدی بردارند.

بگذار آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

روند تضعیف تدریجی ارتش مهاجم صدام از یکسو و روند تقویت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر که سرانجام تعادل نیرو را بسود ما و بزیان دشمن متجاوز برهم زد. از این دیدگاه، اهمیت پیروزی پنجم مهرماه، در شمال آبادان، موضعی و محلی و تاکتیکی نیست، اهمیت آن استراتژیک است. بهره‌برداری از آن برای رفع کامل تهدید از آبادان و آزاد کردن خونین‌شهر و شکستن جناح چپ جبههٔ دشمن و ایجاد تزلزل در مجموعه جبهه ۷۰۰ کیلومتری دشمن، بر عهده طراحان نقشه‌های نظامی و فرماندهان نیروهای مسلح است.

از نظر سیاسی، پیروزی پنجم مهر ماه، در شمال آبادان، باعث تزلزل بیشتر رژیم سست و ضد خلقی صدام است. صدام روزهای اول تجاوز خود را "فاتح" معرفی می‌کرد. سپس مجبور شد توجیه کند که چرا پای خر ارتش مهاجمش به گل فرو رفته و میخکوب شده است. حالا باید جواب مردم عراق را بدهد که دلیل این جنگ احمقانه، که جز شکست و تلفات جانی و خسارات مالی نتیجه دیگری ندارد، چه بوده است. تردیدی نیست که شکست نظامی صدام، فروپاشی رژیم دست‌نشانده و ضدخلقی او را بدنبال خواهد داشت و این دستیار آمریکا و امپریالیسم در منطقه نیز منهدم خواهد شد. به همین دلیل باید انتظار داشت که آمریکا و متحدان و دست‌نشاندگانش در منطقه برای تقویت نظامی و برای حفظ رژیم صدام، هرآنچه در توان دارند، انجام دهند. دربرابر باید از تقویت همه‌جانبهٔ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه جنگ لحظه‌ای غافل نشد.

از نظر روانی، پیروزی پنجم مهر ماه، در شمال آبادان، ضربه سختی بر نیروی متجاوز صدام است. روحیهٔ هر متجاوزی از بنیاد سست است. ضعف بالقوه ارتش‌های متجاوز از اینجاست. این ضعف بهنگام پیشروی نمایان نیست، ولی بهنگام شکست بشدت بروز می‌کند. به یقین می‌توان گفت که روحیه ارتش متجاوز صدام، اکنون بشدت دچار تزلزل شده است. از این رو باید انتظار داشت که صدام برای "تزریق" روحیه به سربازان عراقی، درصدد یک عمل مایوسانه متقابلی برآید. درهم شکستن بی‌امان حملات متقابل احتمالی نیروهای دشمن، معادل درهم شکستن کامل روحیه ارتش متجاوز صدام خواهد بود، که برای دستیابی به پیروزی نهائی درسراسر جبهه، عاملی تعیین کننده است.

درباره عوامل پیروزی نیز باید سخنی چند بیان داشت و نتایجی گرفت:

نخستین عامل پیروزی، قهرمانی جمعی نیروهای مسلح ما — ارتشیان، پاسداران، نیروهای مسلح مردمی، و نیز مقاومت دلیرانه مردم در منطقه جنگ است. این قهرمانی ناشی از اعتقاد راسخ به انقلاب اسلامی، ضدامپریالیستی، رهایی‌بخش و مردمی، اعتقاد راسخ به انقلابی است که هدفش تامین استقلال کشور و رهایی مستضعفان از هرگونه ستمگری است. پیشرفت و تعمیق انقلاب پاداش شایسته‌ای به این قهرمانی ایثارگرانهٔ جمعی، به این فداکاری و جانبازی است. این قهرمانی همچنین ناشی از خصلت تدافعی، دفاع از وطن، از خانواده، از ناموس و شرف است، که توام با اعتقاد راسخ به انقلاب اسلامی، حماسه‌ها می‌آفرینند.

عامل دوم، بیشک، هماهنگی نیروهای مسلح — ارتشی، پاسدار و دیگر نیروهای مردمی است، رهایی از کارشکنی بنی‌صدر خائن است. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، اشاره کردند که اگر بنی‌صدر و کارشکنی او نبود، ما هشت ماه پیش می‌توانستیم به‌چنین عملیات پیروزمندانه‌ای اقدام کنیم. بنی‌صدر در واقع ماری در آستین بود. قبل از تهاجم صدام حدود هفت ماه را، بعنوان فرماندهٔ کل قوا، به‌بطالت گذراند، و حال آنکه به روشنی معلوم بود که صدام درکار تدارک تجاوز است.

بعد از درگرفتن جنگ تحمیلی نیز، کارش جداسازی ارتشی و پاسدار و کارشکنی درکار، هم ارتش و هم سپاه پاسداران بود. جراحی این غده سرطانی، باعث سلامت نیروهای مسلح و هماهنگی عمل بین آنها شد. بدیهی است هر قدر روند این هماهنگی به‌درجات عالیتری ارتقاء یابد، قدرت کوبنده رزمی نیروهای مسلح ما افزون‌تر و کسب پیروزی‌های تعیین‌کننده در جبههٔ جنگ آسان‌تر خواهد شد.

عامل سوم، بی‌تردید، بهبود تسلیحات و تدارکات و آرایش قوا است. این دیگر رازی نیست که در روزهای اول جنگ، بویژه در جبههٔ جنوب، کار آرایش قوا و تسلیحات و تدارکات جنگی از هر دو پا می‌لنگید و این جانبازی بی‌دریغ سپاهیان و مردم بود که توانستند سینه خود را سپر بلا کنند و پیشرفت دشمن سبع را متوقف سازند. بدیهی است تجهیز نیروهای مسلح به همه گونه تسلیحات لازم از هر نوع و انجام تدارکات کافی و لازم در هر زمینه، کاری است که باید بمقیاسی که برای درهم شکستن کامل دشمن درسراسر جبهه جنگ لازم است، ادامه یابد.

عامل چهارم، طرح نقشه‌های در خور و کاردانی فرماندهی است. ما در این باره اظهار نظر خاص نمی‌توانیم کرد، زیرا مربوط به فن جنگ و هنر فرماندهی است. قدر مسلم اینست که تقدیر از فرماندهان لشکر ۷۷ خراسان، که طرح ضربهٔ پنجم مهرماه را در شمال آبادان به خوبی اجرا کردند، حاکی از این است که از این پس می‌توان انتظار طرح‌های تعرضی بزرگ و اجراء موفقیت آمیز آنها را داشت.

درمجموع، همانطورکه در آغاز گفته شد، ضربه کوبنده پنجم مهر ماه بر دشمن در شمال آبادان را می‌توان نقطهٔ عطفی درجنگی دانست، که آمریکای جنایتکار بوسیله صدام جانی بر ما تحمیل کرده است.

بگذار آمریکا برخود بلرزد. خاک ایران از لوث وجود تجاوزگران صدامی پاک خواهد شد. انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ایران، برهبری امام خمینی، علی‌رغم تمام ترفندهای امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، تمام توطئه‌های خارجی و داخلی، تمام کارشکنی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها، به‌پیروزی دست خواهد یافت.

اینديراگاندی:

آمریکاوپاکستان ازحل سیاسی مسئله افغانستان جلوگیری می کنند

ایندیراگاندی، نخست وزیر هند ایالات متحده آمریکا وپاکستان رابخاطر "پیگیری سیاستی، که حل سیاسی مسائل پیرامون افغانستان را بازمی دارد" "بباد انتقادگرفت.

ایندیراگاندی در مصاحبه ای با هفته نامه هندی "نیوویو" گفت "این مسئله راتنها ازراههای سیاسی میتوان حل کرد واین چیزیست، که پاکستان خواهان آن نیست." به عقیده نخست وزیرهند، ایالات متحده آمریکا از سیاست پاکستان دربرابر افغانستان پشتیبانی می کند، زیرا که می خواهد وضع موجود ادامه یابد.

دربمبئی، هفته نامه "بلیتز" نوشته است که: "سفارت آمریکا در دهلی پایتخت هند رابه میعادگاه ضدانقلابیون افغانی بدل کرده است، کمروانها یالات متحده می شوند."

به نوشته این هفته نامه، تاکنون بیش ازپانصد افغانی برای فراآموختن فنون خرابکاری از دهلی به آمریکا رفته اند.

به گفته ببرک کارمل، رهبر افغانستان، باندهای ۲۰–۱۰ نفری کماکان برای عملیات تروریستی به کشورش فرستاده می شوند.

ببرک کارمل در مصاحبه ای با هفته نامه ایتالیایی "پانوراما" گفت که جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را آمریکا، چین، مصر وعربستان سعودی رهبری می کنند.

رهبرافغانستان آمادگی کشور خود را برای عادی سازی مسائل پیرامون افغانستان از راههای دیپلماتیک یادآورگردید.

رسانه های گروهی افغانستان بیانیه وزارت خارجه پاکستان راکه گویا دولت آن کشور هیچگونه اطلاعی از سپردن سلاح های ساخت شوروی ازسوی آمریکا به ضدانقلابیون افغانی ندارد، مورداستهزاء قراردادند. هفته پیش فاش شد، که آمریکا این سلاحها را، که سالها پیش اتحاد شوروی برای جنگ علیه اسرائیل به مصر داده بود، از رژیم سادات خریداری کرده است. رسانه های گروهی امپریالیستی بارها ادعانموده اند که ضدانقلابیون افغانی این سلاحها راازنیروهای شوروی به غنیمت گرفته اند.

زحمتکشان لهستان خواستارجواب دندان شکن به ضدانقلابیون آن کشورهستند

به کمیته مرکزی "حزب متحد کارگری لهستان" ودولت این کشور کماکان نامه هاوقطعنامه هایی می رسد، که درآنها مردم خواستار اتخاذتدابیر عملی برای مقابله با فعالیت های ضدانقلابی نیروهای ضدسوسیالیستی می شوند.

یکی ازاین قطعنامه ها در سمینار مارکسیسم– لنینیسم سازمان های حزبی کارخانه های منطقه کاتو ویتسه به تصویب رسید. این قطعنامه به "وضع فوق العاده وخیم لهستان "پس از مرحله اول "کنفرانس همبستگی "اشاره می کند، که درآن گرایشهای ضدانقلابی غلبه داشت.

کارگران کاتوویتسه می نویسند: "مااعتقاد داریم که هیئت سیاسی وکمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان ودولت به تعرض دشمنان حزب، حکومت مردمی و سوسیالیسم جواب دندان شکن خواهند داد. باید از هر وسیله ای برای دفاع ازسوسیالیسم استفاده کرد."

به گزارش یک هفته نامه لهستانی یکی ازرهبران "همبستگی" خواستار تغییرنظام سیاسی کشور شده است. به گفته او، "همبستگی" می خواهد به بهانه خودگردانی "نظارت براقتصاد لهستان را بدست گیرد، سپس "شوراهای مردمی "رابه تصرف خود درآورد واز طریق آنها افراد خودرا به سمت های بالابرساند. در مرحله بعد، هدف "همبستگی" نفوذ در پارلمان است.

هفته نامه لهستانی گزارش می دهد، که رهبران "همبستگی "گام های دیگری را در راه دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای سوسیالیستی تدارک می بینند.

دراین میان دوردوم کنفرانس گدانسک برگزارشد. بسیاری از سخنرانان به حملات ضدانقلابی علیه دولت لهستان، حزب متحد کارگری لهستان ودیگرکشورهای سوسیالیستی ادامه دادند. آنها پیشنهادهای گوناگون خودرابرای احراز قدرت وبراندازی نظام سوسیالیستی مطرح ساختند. ضدانقلابیون خاطر نشان ساختند، که حاضرند تا برای پیشبرد دسیسه های براندازانه خود به قهر متوسل شوند.

دبیران سازمان های ایالتی حزب متحدکارگری لهستان به بررسی وظائف سازمان های حزبی در شرایط سیاسی کنونی پرداختند.

به گزارش خبرگزاری لهستان گردهمایی دبیران سازمان های ایالتی ضرورت تحکیم صفوف حزب واجرای قاطعانه قوانین اقتصادی را، که پارلمان لهستان چندی پیش تصویب کرد، خاطرنشان ساختند.

دراین میان، "تریبونالودو" درتفسیری بر "کنفرانس همبستگی" درگدانسک نوشته است، که گرایش راست افراطی بر کنفرانس غلبه کرده است.

به نوشته این روزنامه: "نمایندگان این گرایش هواداران گروه ضدانقلابی "ک.و.س.–ک.و.ر." هستند. از آنجا که "همبستگی "نقش این گروه رابعهده گرفته است، رهبران "ک.و.س.–ک.و.ر" دیگر نیازی به سازمانی مستقل رانمی بینند وگروهک خودرا منحل اعلام کرده اند."

به عقیده "روده پراوو" (چکسلواکی):

"انحلال گروهک ضد انقلابی "ک.و.س.–ک.و.ر."چیزی جز مانورنیست. رهبران سابق آن ازاین پس به فعالیت در "همبستگی" خواهند پرداخت واین اتحادیه سندیکایی را به رویارویی با دولت خواهندکشاند."

روزنامه "ژول نژول نوستی" (لهستان) در تفسیری بر کنفرانس گدانسگ "نوشت:

"نباید باگفتگو باکسانی که دولت خلق رابه مبارزه طلبیده اند وقت تلف کرد. به آنها باید جواب دندان شکن داد."

ازسوی دیگر، هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان اظهارداشت:

"همبستگی" با کار زار تبلیغاتی خود علیه حزب و دولت به وخامت اوضاع کشورمی افزاید."

هیئت سیاسی ابراز امید واری کرد که:

"نیروهای واقع بین در "همبستگی "تفوق یابند و این سازمان برای برون رفت از بحران و غلبه برهرج ومرج بادولت همکاری کند.

دانشمندان آمریکائی دروغهای هیگ را فاش می کنند

یک پژوهش شبکه تلویزیونی "ان.بی.سی" نشان می دهد که دانشمندان آمریکا شاهدی برادعای وزارت خارجه ایالات متحده درباره به اصطلاح استفاده از مواد سمی از سوی اتحاد شوروی و متحدان آن در افغانستان وآسیای جنوب خاوری نیافته اند.

وزارت خارجه آمریکا ادعای گستاخانه خودرابرپایه، گیاهی مبتنی ساخته بود، که یکی از جاسوسان "سیا" از منطقه مرزی کامپوچیا و تایلند با خود آورده بود. دانشمندان آمریکایی خاطر نشان می سازند، که سمی که بر روی این گیاه کشف گردید، در گیاه دیگری نیز که درنزدیکی "کاخ سفید" می روید، یافت می شود.

استقرارکماندوهای آدمکش "پرتوریا" درنامی بیا

سام نویوما، رئیس "سازمان خلق آفریقای باختری" ("سواپو")، گفته است، که رژیم آفریقای جنوبی یکان های کماندوئی ویژه ای را در نامی بیای اشغالی مستقر ساخته است. وی افزود:

"نیروهای تنبیهی به سرکوب ددمنشانه عناصر مترقی وهواداران "سواپو" دست زده اند. زنان، کودکان وپیران قربانی تروریسم نژادپرستان می شوند."

کشورهای جهان هرچه بیشتر

سازمان های انقلابی السالوادور رابرسمیت می شناسند

ایرلند، مانند مکزیک وفرانسه، "جبهه دمکراتیک انقلابی" و "جبهه آزادی بخش ملی فارابوندی مارتی" السالوادور را به رسمیت شناخت، نروژ، نیکاراگوئه و هلند نیز دوجبهه نامبرده را، به عنوان یگانه سازمان های نماینده خلق السالوادور به رسمیت شناخته اند

وقایع مهم جهان دریک هفته

ادامه اشغال کرسی خلق کامپوچیا در سازمان ملل متحد– اهانت به سه میلیون قربانی دارو دسته پول پوت

درمقر سازمان ملل متحد بیانیه وزارت خارجه کامپوچیا بعنوان سند رسمی "مجمع عمومی" پخش شد. این بیانیه درباره تصمیم "مجمع عمومی" پیرامون ادامه اشغال کرسی نمایندگی این کشور ازسوی نمایندگان رژیم دار ودسته پول–پوت است، که دوسال ونیم پیش سرنگون گشت. مانورهای ایالات متحده وچین به اتخاذ این تصمیم انجامید.

بیانیه وزارت خارجه کامپوچیا این تصمیم را "اهانتی به خاطره سه میلیون قربانی کشتارهای رژیم پول پوت "خوانده است.

ازسوی دیگر، دولت کامپوچیا این ادعارا، که گویا در خاک آن ازجنگ–افزارهای شیمیایی استفاده شده است، ردکرد. وزارت خارجه کامپوچیا در بیانیه ای، که در پنوم پن انتشار یافت، اظهار داشت:

اینگونه گزارشها راکسانی پخش می کنند، که مسئول کشتار میلیونها نفر درهندوچین هستند. دشمنان کامپوچیا باتوسل به بهتان می کوشند تا وضع کشور را وارونه جلوه دهند.

ازسوی دیگر، توپخانه تایلند باردیگر مناطق مرزی کامپوچیا را زیر آتش گرفت. هواپیماهای تایلندی نیز حریم هوایی کامپوچیا رانقض کردند.

جنبش مخالفت باتولید بمب نوترونی گسترش می یابد

"حزب کارگر "بریتانیا در کنفرانس سالیانه خود در برایتون مخالفت خودرابا استقرارموشک های میان برد هسته ای آمریکا درآن کشور ابرازداشت. این کنفرانس تعطیل همه پایگاههای نظامی آمریکا را در خاک بریتانیا طلب کرد. کنفرانس سالیانه "حزب کارگر" با اکثریت چشمگیری قطعنامه ای تصویب نمود که برپایه آن دولت آینده" حزب کارگر "موظف است، تا استقرار همه گونه سلاح های هسته ای، از جمله جنگ افزارهای هسته ای، را ممنوع سازد.

"کنفرانس برایتون" خواستار خلع سلاح هسته ای یک جانبه از سوی بریتانیا شد واین امر را گام بزرگی در راه ایجاد منطقه های بری ازسلاح–های هسته ای در اروپاخواند.

در هلند، حتی یک حزب سیاسی ازتصمیم دولت آمریکا درباره تولیدکلاهک های نوترونی پشتیبانی نمی کند. این واقعیت را دبیرکل کمیته هلندی "ازبمب نوترونی دست بر–دارید امسابقه تسلیحاتی هسته ای راقطع کنید!" یادآورشد.

یورگنسون، نخست وزیر دانمارک، تصمیم ریگان را درباره تولیدجنگ افزارهای نوترونی محکوم کرد.

وی درمصاحبه ای با روزنامه مجارستانی "نپ ساباچاگ"، گفت که بمب نوترونی همانقدرخطرناکاست که هرجنگ افزار هسته ای دیگر. یورگنسون افزود که دانمارک با استقرار جنگ افزارهای هسته ای در خاک خودموافقت نخواهدکرد.

"شورای لندن بزرگ"، که در آن "حزب کارگر "اکثریت دارد، محدوده خودرا "منطقه بری ازجنگ–افزارهای هسته ای "اعلام کرده است. شورای شهرداری ناتینگام نیز به تصمیمی همانند دست یافت. این شورا دربیانیه ای افزود:

"باصطلاح "خطر شوروی" ساختگی است و ایالات متحده و "ناتو "ازآن به عنوان مسابقه تسلیحاتی لگام گسیخته بهره می–جویند.

تاکنون بیش از صد شورای شهرداری در بریتانیا اعلام کرده–اند، که اجازه نخواهند دادموشک–های هسته ای درمحدوده شان استقرار یابد.

وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد امپریالیسم آمریکا را بباد انتقادگرفتند

وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد مخالفت خود را با انباشت جنگ–افزارهای امحای توده ای وتوسعه انواع مدرن ترا ینگونه سلاحها، به ویژه بمب نوترونی، ابراز داشتند. آنها در بیانیه ای، که در مقر سازمان ملل در نیویورک پخش شد به خطرات دکترین آمریکایی "جنگ هسته ای محدود "اشاره کردند.

وزیران خارجه ۹۵ کشورغیرمتعهد سیاست "واشنگتن "را در خاور میانه افریقا، کارائیب و دیگر نقاط جهان رابه باد انتقاد گرفتند. آنها در سند ای که درآن تجاوز آفریقای جنوبی نسبت به آنگولا محکوم شده بود، مورد نکوهش قراردادند. پایانی خودوتوی ایالات متحده آمریکا را در "شورای امنیت" علیه قطعنامه–

وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد نگرانی عمیق خودرا درباره همکاری استراتژیک میان "واشنگتن" و "تل آویو "ابراز داشتند.

آنهاسیاست خصمانه "واشنگتن" را علیه کوبا، نیکاراگوئه و گرنادا محکوم ساختند.

قابل توجه

نمایندگی های فروش اتحاد مردم در شهرستان ها.

خواهشمنداست برای تسویه حساب شماره های گذشته که کمک موثری به گردش کار این نشریه است، وجوه بدهی خودرادراسرع وقت به شماره حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی تهران شعبه آریاشهرحواله وفیش آن را به آدرس صندوق پستی ما ارسال فرمائید.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیك مردم ایران

صاحب امتیازومدیرمسئول:

محمودا عتمادزاده (م.ا. به آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی ۱۱۱۷/ ۳۱۴